دین زیبای من

۴



اصول ایمانم را یاد می گیرم ۲

دار الأرقم

دین زیبای من

٤

اصول ایمانم را یاد می گیرم ۲

فاروق سلمان، نظیف یلماز، دکتر رجب اوزدیرک

بسم الله الرحمن الرحیم

دین زیبای من ٤

عنوان اصلی:
Benim Güzel Dinim - 4

تهیه کننده‌گان:
فاروق سلمان
نزیف یلماز
دکتر رجب اوزدیرک

نقاشی:
اسماعیل اوزن

مترجم:
علی برازنده خلیلی

ویراستار:
پیمان کاظمی

طراح روی جلد:
احمد طاها بیلگین

دارالأرقم

گروه مشاورین:
علی جان تاتلی
اسماعیل گوندای

شابک:
۶-۰۰۶-۳۰۲-۶۰۵-۹۷۸

آدرس: پلاک ۱۱ ، محله عزیز محمود خدایی، خیابان محمود خدایی، اوسکودار، استانبول
تلفن: ۰۲۱۶۵۵۳۰۴۱۶

استانبول ۲۰۱۶
ناشر: چاپخانه ارکام

Language : Persian

مقدمه

حمد و سپاس بر خداوند متعالی که ما را به دین زیبای اسلام شرفیاب نمود!

سلام و صلوات بر پیغمبر و آل او که دینمان را به زیباترین شکل برای زندگی انسان آموزش داد.

فرزندان خوب من!

بزرگترین سرمایه در جهان ایمان می باشد. والاترین هدف زندگی با ایمان و حضور در درگاه پروردگار با ایمان می باشد. ایمان از درون دل بر می خیزد، سپس در رفتار ما بروز می کند. خداوند متعال بندگان با ایمان و با کردار خوب را دوست دارد و به آنها بهشت را مژده می دهد.

بچه های عزیز!

حرکت ایمان از زمان رسول الله سلام اله علیه و سلم شروع گردیده و ادامه دارد. هر نسلی برای زنده ماندن این دین و انتقال آن به نسل دیگر می بایست هر آنچه را که از دستش بر می آید به انجام رساند. بدین ترتیب اتحاد مسلمین کسب شده و از زبانی به زبان دیگر و از دلی به دلی دیگر تا زمان ما رسیده است.

حرکت مبارک ایمانی که از طرف رسول الله آغاز گردید در آینده شما باید آن را ادامه دهید. وظیفه ای که در عهده ما می باشد، آماده نمودن ما بدین حرکت می باشد، و رساندن پیام مبارکی که از گذشته به ما رسیده است را به آینده به زیباترین نحو می باشد. تلاش برای این اهداف در ادامه کتاب چهارم به حمد خداوند به اتمام رسید.

سه سری از کتابهای دین زیبای من «عبادات را یاد می گیرم ۱ و ۲» و «اصول ایمانم را یاد می گیرم ۱» قبلا نشر گردیده است. شما و دوستانی که در مور کتابها مطالعات داشته و بررسی انجام داده اند آن را بسیار مورد پسند قرار داده اند. به لطف و عنایت خداوند کتاب به زبانهای انگلیسی، عربی، فرانسه، آلمانی، گرجی، ترکی آذربایجانی، ترکی قزاقستانی، اویغوری، چینی، بلغاری و بیش از ۲۰ زبان دیگر ترجمه شروع گردیده است. مطابق مذاهب شافعی و مالکی تنظیم گردید. در بعضی از کشورها به عنوان کتاب درسی در مدارس برای تدریس مورد قبول قرار گرفت.

در اولین کتاب اصول ایمانم را یاد می گیرم، در زمینه «دین، ایمان، ایمان به خداوند و ایمان به ملائک» مطالعه انجام گردید. در «اصول ایمانم را یاد می گیرم ۲» در مورد «کتب، پیامبران، قیامت، ایمان به قضا و قدر» بحث خواهد گردید.

به هنگام تنظیم کتاب موضوعاتی که در این ارتباط درج گردیده بود را از نظر گذرانده و از آنها بهره مندیم شدیم. از دیگر رو به برای ارائه طعمی متفاوت، لذتی دگرگونه جهان علم و عشق شما سعی کردیم تا طرزی مستقلی را در پیش بگیریم. به هنگام تنظیم کتاب خصوصیات زیر را مد نظر قرار دادیم.

- برای درک بهتر و دوست داشتن دین مان هر موضوع با داستانی شروع گردید.
- آیات قرآن کریم که به عنوان منبع دینی محسوب می گردند و احادیث پیامبر اکرم به صورت چارچوب در متن قرارداده شد.

- اصل اعتقادات هر کدام برای ما ارمغان به همراه دارد. این مفاهیم را بر اساس آیات و احادیث به صورت زیبایی شرح دادیم.
- نمونه های مختلفی از برای توضیح و شرح اعتقادات به صورت داستان، تشابه شکل و نقاشی برای شما ارائه نمودیم که هدف ما بیشتر از هر چیز دوست داشتن آن و درک راحت برای شما می باشد.
- خاطرات پیامبر اکرم، و یاران با وفای او و بزرگان اسلام در این کتاب برای روشنی بخشیدن به جهان درونی شما ارائه نمودیم.
- اطلاعات را به صورت جدول و شکل شرح دادیم
- در هر بخش، سعی نمودیم شعری را برای یادگیری و ازبر کردن شما قرار دهیم
- به هنگام شرح موضوعات، از زبانی بسیار ساده و قابل درک مورد استفاده قرار گرفت. مفاهیم و علومی که در آینده آنها را کسب خواهید کرد را در اینجا قرارندادیم.
- دعا، عبادتی است که خداوند آن را بسیار دوست داشته و راه ارتباط به او محسوب می گردد. اصل عبادات نیز بشمار میآید. نشانه ایمان می باشد. در صفحات مختلف کتاب عکس دوستانی را که دستانشان برای دعا به سوی آسمان بلند شده است را قرار دادیم.
- در انتهای هر بخش برای تمرین و یادگیری بهتر شما سوالات و مسائلی را قراردادیم.

به امید اینکه دعاهای زیبای شما نثار کسانی که در تهیه این کتاب کمک کرده اند. شما را به «اصول ایمانم را میاموزم ۲ » از سری کتاب «دین زیبای من» فرا می خوانیم.

به امید اینکه دلتان پر از ایمان، زندگیتان اسلامی و روحتان مالامال احسان و بخشش، فرشتگان همراهتان و انسانهای خوب دوستانتان باشد. خداوند متعال یار و یاورتان و راه بهشت برایتان باز باشد...

در پناه خداوند باشید.

فاروق سلمان،
نظیف یلماز،
دکتر رجب اوزدیرک
خرداد ۱۳۸۹/ اسکودار

فهرست

ایمان به کتب / ۷

داستان: بر بال خیال باش ... ۸
انسان به وحی محتاج است ... ۱۰
کتب الهی ... ۱۲
تورات ... ۱۳
زبور ... ۱۳
انجیل ... ۱۴
قرآن کریم ... ۱۴
آنچه که کتب الهی برای ما به ارمغان می آورد ... ۱۵
کتاب هایمان را بشناسیم: نظام درونی قرآن کریم ... ۱۸
اولین وحی ... ۱۹
نوشتن و ازبر کردن قرآن کریم ... ۲۱
تجمیع شدن قرآن به صورت کتاب ... ۲۱
نشر قرآن کریم ... ۲۱
فضائل قرائت قرآن کریم ... ۲۲
موضوعاتی که قرآن در بر می گیرد ... ۲۴
پیامبر اکرم و قرآن کریم ... ۲۸
سوالات ... ۳۱

انسانهای نمونه، ایمان به پیامبران / ۳۵

پیامبران(فرستاده های خداوند) ... ۳۶
راهنمایان راه ... ۴۱
پیامبران و صفات پیامبران ... ۴۳
پیام مشترک پیامبران ... ۴۴
آنچه در ایمان به پیامبران برای ما به ارمغان می آورد ... ۴۵
در زندگی پیامبران الگوهای بسیار زیبا وجود دارد ... ۴۸
حضرت آدم (ع) ... ۴۸
حضرت نوح (ع) ... ۴۹
ابراهیم(ع) ... ۵۰
حضرت یوسف(ع) ... ۵۲
حضرت موسی (ع) ... ۵۲
حضرت عیسی(ع) ... ۵۴
حضرت محمد(ع) ... ۵۵
پیامبر اکرم و پیامبران ... ۵۸
سوالات ... ۶۱

ایمان به آخرت / ٦٥

زندگی بی پایان ... ۶۶
زندگی دنیا: بزرگترین نعمتی است که خداوند به ما ارزانی نموده است... ۷۰
زندگی دنیا یک سفر است ... ۷۰
زیبایی زندگی دنیا زودگذر است ... ۷۱
زندگی دنیا یک آزمایش است... ۷۱
دنیا مزرعه آخرت است... ۷۱
داستان: لباس سبز ... ۷۲
مرگ: زمان جدایی از لذایذ دنیوی... ۷۴
قبر: دروازه باز شده از دنیا به آخرت ... ۷۶
آیا برای آخرت آماده ایم؟... ۷۷
داستان: کابوس ... ۷۸
آخرت: زندگی حقیقی و بی پایان ما... ۸۰
فرارسیدن قیامت... ۸۰
رستاخیز دوباره ... ۸۱
محشر ... ۸۳
داستان: مردی که منکر خدا و آخرت بود ... ۸۴
داده شدن دفتر اعمال... ۸۶
حساب و سوال... ۸۷
میزان ... ۸۸
صراط... ۸۹
بهشت... ۸۹
جهنم... ۹۰
رحمت و مهربانی خدا بی پایان است ... ۹۲
داستان: مشکل ابراهیم ... ۹۱
مزایای ایمان به آخرت... ۹۶
توازن دنیا و آخرت در زندگی پیامبرمان... ۱۰۰
سوالات ... ۱۰۷

قدر (سرنوشت) / ١١١

داستان: اینک اینجا می نویسم... ۱۱۲
قدر و قضا... ۱۱۶
سرنوشت امره ... ۱۱۸
علم خدا و قدر... ۱۲۱
اراده ... ۱۲۱
داستان: از قدر خداوند باز به قدر او پناه می برم... ۱۲۳
فعالیت، روزی و توکل... ۱۲۴
داستان: شیر و روباه ... ۱۲۹
بیماری و مرگ ... ۱۳۱
شعر: اشعار حق مسبب خیر می شود ... ۱۳۳
مزایایی که ایمان به قدر نصیب ما می کند... ۱۳۴
پیامبر اکرم هر چیزی را که از جانب خدا می آمد نیک تلقی می کرد... ۱۳۷
سوالات ... ۱۴۱





فهرست

ایمان به کتب

- انسان به وحی محتاج است
- کتب الهی
- آنچه که کتب الهی برای ما به ارمغان می آورد
- اولین وحی
- قرآن کریم
- پیامبر اکرم و قرآن کریم





بر بال خیال باش

بکیر، به نزدیک پدرش که قرآن می خواند شد و قرآن کریم را نشانش داد؛ و گفت:

پدر عزیزم! می دانم که این قرآنی که می خوانم کلام خداوند می باشد، اما می خواهم آن را بیشتر بشناسم. برای من قرآن کریم را بیشتر معرفی می کنی؟

پدرش از این تقاضای او بسیار خوشحال شد و شروع کرد به معرفی قرآن کریم:

– قرآن کریم، کتاب مقدس مسلمین می باشد پسرم. خداوند هر زمان و دوره برای انسانها کتاب نازل نموده است. انتظاراتی که از آنها داشته را از این طریق به آنها می رساند. زمان زیادی از آن دوران گذشت، این کتابها ناپدید و گم شدند. انسانهای آن دوران، به نحوی که خداوند می خواست زندگی می کردند. خالق متعال هر زمان نیکی بندگان خود را می خواهد. به این دلیل به بندگان خود، از طریق پیامبر خود کتاب جدیدی را نازل فرموده است. بدین ترتیب بدین منوال ادامه داشت. آخرین کتابی که برای انسانها نازل شده است، قرآن کریم می باشد. در قرآن نیز در مورد آنکه آخرین کتاب می باشد نیز آیاتی وجود دارد.

– در این صورت قرآن کتاب همگان می باشد، اینطور نیست پدر؟

– آفرین، پسرم! بسیار زیبا گفتی. از زمان پیامبر تا روز قیامت تمامی انسانهای که وجود داشته و وجود خواهند داشت باید به آن باور داشته و مطابق با فرمایشات آن کتاب باید رفتار نمایند.

– پدرم، در قرآن کریم، سخنی از پیامبر اکرم، وجود دارد؟

– خیر پسرم؛ قرآن کریم تنها کلام پروردگار می باشد. برای اینکه پیامبر اکرم سخنان خود را در قرآن جای نگیرد می دانی با چه دقت نظری به آن پرداخته است!

پیامبر اکرم در زمانی، نوشتن سخنان خود را بطور قطع ممنوع نمود و امر فرمود: «اگر کسی آنها را نوشته است، پاره نماید». هنگامی که از برای قرآن خطر رفع گردید، به کسانی که میخواستند سخنان او را بنویسند اجازه داد.

– قرآن کریم، برای پیامبر چگونه آمده است؟ به این موضوع زیاد علاقمند هستم.

– آیاتی که به رسول خدا وحی می گردید از طرف فرشته ای برای او آورده میشد که نامش جبرئیل بود. قرآن را برای پیامبر، جبرئیل آورده است.



– جبرئیل قرآن را چگونه برای پیامبر می آورد؟ در هر صورت درون ظرف و پاکتی زیبا، این طور نیست پدر؟

– نه، پسرم! قرآن کریم به صورت کتاب نوشتاری نازل نگردیده است. از طریق راهی به نام وحی نازل گردیده.

– پدر وحی چیست؟

– وحی، به معنی صحبت پنهانی، آواز ضعیف می باشد. جبرئیل فرمایشات پروردگار متعال را به صورت وحی به پیامبر اکرم می رساند. آیاتی که از طرف جبرئیل به پیامبر آورده میشد به او یاد داده می شد. پیامبر نیز این آیات را به نزدیکان و مسلمانان نوشته و ازبر می نمود.

– چه خوب بود ما نیز در دوران پیامبر اکرم زندگی می کردیم پدر! چگونگی وحی قرآن را مشاهده می کردیم. صورت و چهره زیبایی پیامبر اکرم را مشاهده کرده و قرآن را از زبان او می شنیدیم!

– اگر بخواهی بالهای خیال را باز کنیم و به آن روزهای پر بکشیم. چطوره؟ می خواهی به این شکل مسافرت کنی؟

– پدر هستم.

– پس حاضر شو.

– خب بسم الله

– پیش به سوی مدینه... به سوی شهر پیامبر بال می گشاییم.

چشمهایت را ببند.

خوب رسیدیم، میتونی چشماتو باز کنی. این جا مدینه است.

بیا حالا به دنبال پیامبر بگردیم. می دانم که در پیدا کردن او مشکل نخواهیم داشت. زیر، او در بیشتر مواقع در مسجد حضار هستند. اول آنجا را نگاه کنیم.

بله، آنجا تشریف دارند. ببین، پیامبر در بین این جمع شلوغ نشسته اند. نشناختی!؟ ببین! آن چهره نورانی و چشمان سیاه را می گویم. ابروان هلال و ریشی پر پشت.، موهای مجعد، تن ابریشمی و بازوانی درشت. شناختی! سرورمان اوست.

آه! پسرم به موقع آمده ایم. وحی به پیامبر، چگونگی نزول آیات جدید را می خواستی بدانی پسرم. حال با یکدیگر می توانیم آن را ببینیم.

ببین، تن سفید پیامبر کمی زرد رنگ شده، بر روی پیشانی مبارکشان دانه های عرق نشسته و سرورمان سکوت کرده اند، چشمانش به زمین می نگرد و صدایی نشنیده به گوش نمیرسد. پس جبرئیل علیه الاسلام فرمان جدید از طرف پروردگار را به پیامبر آورده است. خستگی و تعمق پیامبر عزیز این روی می باشد.



ببین، چشمانشان را باز نمودند. چشمانی درخشان! با نور وحی چهره ایشان نورانی تر شده است.

دوستان پیامبر را ببین! می دانی، ما به آنها صحابه می گویم. صحابه، فرمایشات جدید خدواند را بسیار مورد توجه قرار میدهند. چشمانشان را به دهان غنچه شده او دوخته و می نگرند. حال این غنچه باز شده و زیباترین کلام از آن جاری خواهد شد. ببین، او سخن می گوید:

–خداوند متعال آیه ای جدید نازل فرمود. این آیه را در سوره بقره درج کنید. بسیار آهسته می خوانم. به دقت گوش فرا دهید. و یاد گرفته و به کسانی که اینجا نیستند نیز یاد دهید.

خداوند متعال می فرماید:

* نیکوکاري آن نیست که روي خود را به سوي مشرق و [یا] مغرب بگردانید

* بلکه نیکي آن است که کسي به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسماني] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد

* و نماز را برپاي دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارانند و

* در سختي و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کساني که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند. (سوره بقره، آیه ۱۷۷).

– می بینی، فرزندم. خداند متعال آیات قران کریم را به رسول الله نازل و او نیز به صاحبان آن یاد میدهد و درج می نماید. هنگامی که پیامبر برخواسته و می رود، صحابه، این آیات را میان خود به دفعات خوانده و حفظ می کنند و به کسانی که آن را نشنیده اند می رساند.

– برای این سفر خیالی از شما تشکر می کنم. گویی در آن دوران زندگی کردم. خوب، قرآن کریم در چند سال بر پیامبر نازل شده است؟

اولین وحی در سال ۶۱۰ میلادی در مکه نازل شد و ۱۳ سال در مکه و ۱۰ سال نیز در مدینه که در مجموع ۲۳ سال به درازا کشید.

– پدر! شما را بیش از این مشغول نمیکنم چون قرآن تلاوت می کنید. اما این سوال آخر را نیز برای من توضیح بدهید که چرا قرآن کریم یکجا بلکه در طول ۲۳ سال نازل شده است؟

– برای اینکه مسلمین، آن را به راحتی و خوب یاد بگیرند. اگر یکجا نازل می شد نوشتن آن، یادگیری آن بسیار مشکل بود. از این رو قرآن، هنگامی که رویدادی رخ می داد بر پیامبر نازل می شد. و مسلمین به راحتی آن را درک می کردند. به زیباترین نحو و شکل آن را بکار می گرفتند. بدون اینکه حرفی از آن تغییر کند آن را حفظ نمودند.

اکنون نیز نوبت ماست. ما نیز قرآن را تلاوت میکنیم. فرامین و نهی های خداوند را فرا می گیریم. نصایح آن را گوش فرا داده و قرآن را حفظ نموده و در راه حفظ و نگهداری دینمان به هر نحو تلاش می نمایم تا به نسلهای آینده برسد.

بکیر، حال می فهمید که پدرش چرا به این میزان به تلاوت قرآن توجه و دقت می نماید. زیرا او، پیامی از طرف خداوند متعال می باشد که بر آنها نازل شده. با تعمل آن را خوانده و سعی در درک مفاهیم آن می نماید.

م. یاشار کاندمیر(اقتباس)

انسان به وحی محتاج است

یکی از اعضا اصلی بدنمان چشمانمان می باشد. موجودات اطرافمان را از به وسیله چشم مشاهده می کنیم، و اطلاعات لازم در باره آنها را از طریق چشمانمان بدست می آوریم. فقط در مورد چشم دو محدودیت وجود دارد. اولا، برای دیدن موجودات چشم به نور احتیاج دارد. بدون نور نمیتوانیم ببینیم، چشمانمان توانایی دیدن اشیاء بی نور را ندارد. دوما، چشم قابلیت دیدن هر چیز کوچک را ندارد و برای دیدن میکروب و یا اتم با چشم غیر مسلح دیده نمیشوند. برای دیدن آنها از میکروسکوپ و سایر آلات باید استفاده نماییم.

ویژگی دیگری که ما را از سایر موجودات متمایز می سازد، عقل ماست. خوب و بد را به وسیله عقل می توان از همدیگر جدا نماییم. برای اینکه بدانیم چیزی مفید و یا مضر می باشد از عقل بهره می گیریم. به همراه آن، عقل ما نیز همچون چشمانمان دارای محدودیت می باشد. از این رو، برای دیدن همانگونه که به نور نیاز داریم برای استفاده از عقلمان نیز به راهنما و نور وحی محتاج می باشیم. برای درک آخرت، بهشت و جهنم که در عقلمان جای نمیگیرد به وحی نیازمند می باشیم.

وحی که از طرف خداوند نازل می گردد، نوری است که راه را به عقل و زندگی نشان می دهد. آفریننده خود را از طریق وحی شناخته و هدف خلقت را از این طریق بدست می آوریم.

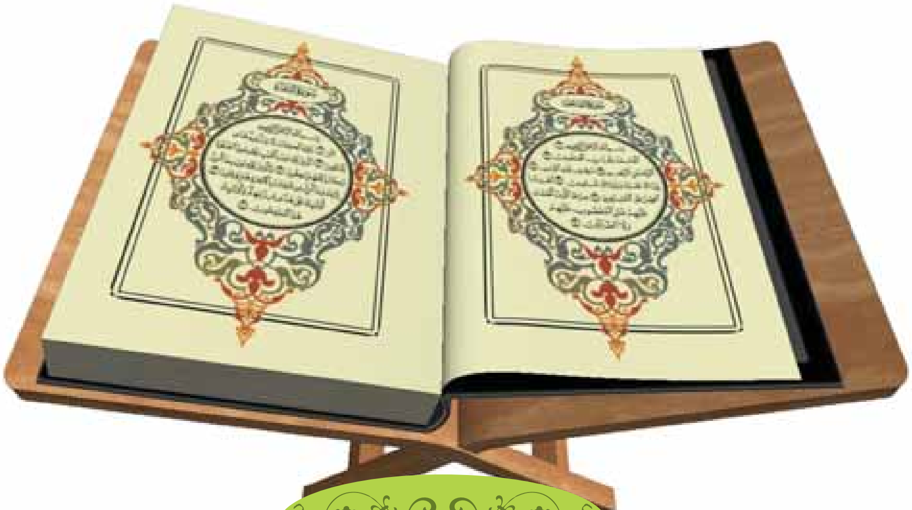
خداوند متعال، از طریق کتاب و پیامبران با انسانها ارتباط برقرار می نماید. از زمان حضرت آدم خداوند باری تعالی سخنان و پیامهای خود را می رساند. پیامها و سخنانی که خداوند به پیامبران خود می رساند وحی گفته میشود.

- ❖مفهوم حیات چیست؟
- ❖نظام زندگی دنیوی چگونه باید باشد؟
- ❖مسئولیت ما در مقابل خداوند چیست؟
- ❖بعد از مرگ چه خواهد شد؟
- ❖زنده شدن دوباره ای وجود دارد؟
- ❖جزای کارهای انجام داده در این جهان کجاست و چه خواهد شد؟

سوالاتی از این گونه برای اینکه پاسخ داده شوند می باید از طریق راهنمایی وحی استفاده شود.



کتب الهی



خداوند متعال می فرماید:

آنان که بدانچه به سوي تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان مي آورند و آنانند که به آخرت یقین دارند

(سوره بقره، آیه ۴).

یکی از پایه های ایمان نزول کتابهای الهی و باور و اعتقاد به درست بودن تمام اطلاعات این کتب می باشد.

خداوند، دانشی را که می خواسته به پیامبران برساند بطور مستقیم و یا از طریق ملائکک به آنها معلوم می نمود. پیامبران نیز از طریق وحی که دریافت نموده بودند آن را به انسانها و مردم می رساندند. کتبی که اوامر باری تعالی، نهی و آموزه های او در آن می آمده است «کتب الهی» نامیده می شود. ما این پایه های اعتقادی، عبادات و چگونگی رفتارمان در جهان را از طریق کتب الهی می توانیم بیاموزیم و با انجام اوامر جای گرفته در آن خشنودی خداوند را کسب کنیم.

امر و نهی های پروردگار و نصایحی که در این کتب جای گرفته است به نام کتب الهی شناخته می شوند. خداوند، نسبت به احتیاجات انسانها به بعضی از پیامبران امر و نهی صحف و به بعضی دیگر کتابهای بزرگ را نازل فرموده است.

این صفحات

برای حضرت آدم ۱۰ صفحه

برای حضرت شعیب ۵۰ صفحه

برای حضرت ادریس ۳۰ صفحه

برای حضرت ابراهیم ۱۰ صفحه می باشد که در مجموع تعداد آن برابر با ۱۰۰ صفحه می باشد.

بغیر از صحف چهار پیامبر بزرگ دارای کتاب می باشند. این چهار کتاب بزرگ عبارتند از:

تورات:

برای حضرت موسی نازل گردیده است. قرآن کریم برای ما، فرموده است که تورات برای راهنمایی ما انسانها فرستاده شده و کتاب مقدس محسوب می گردد. به این دلیل ما، تورات اصلی که در آن فرمایشات خداوند متعال جای گرفته است به عنوان کتاب الهی محسوب نموده و به آن باور داریم.

تورات به وسیله حضرت موسی به مردم بنی اسرائیل فرستاد شده است. فقط بنی اسرائیل (یهودیان) همانگونه که از طرف خداوند آمده است را نتوانستند محافظت کنند و نسخه اصلی تورات گم شده است. بعد از مدت مدید تورات، از طرف دانشمندان یهودی دوباره شکل داده شد. به این دلیل، با اینکه کتابی است که از طرف خداوند به حضرت موسی نازل شده ولی بعدها اصل آن از بین رفته است. بعد از مدتها از طرف مردم تغییراتی زیادی در آن به وجود آمده و تورات کنونی، تحریف شده است. یعنی، برروی آن تغییرات انجام یافته و ویژگی کتاب الهی را از دست داده است.

خداوند متعال می فرماید:

[حال آنکه] پیش از آن کتاب موسي راهبر و [مایه] رحمتي بود و این [قرآن] کتابي است به زبان عربي که تصدیق کننده [آن] است تا کساني را که ستم کرده‌اند هشدار دهد و براي نیکوکاران مژده‌اي باشد

(سوره الاحقاف، آیه ۱۲).

زبور:

بر حضرت داود فرستاده شده است. حضرت داود با صوت زیبا زبور را تلاوت می نمود و شنوندگان آن بسیار متاثر می شدند. امروزه زبور بخشی از تورات می باشد. زبور امروزی کتابی نیست که در آن امر و نهی وجود داشته باشد بلکه نصیحتهای شعر گونه را درخود جای داده است.

پروردگار می فرماید:

و پروردگار تو به هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است داناتر است و در حقیقت بعضي از انبیا را بر بعضي برتري بخشیدیم و به داوود زبور دادیم

(سوره اسراء، آیه ۵۵).

انجیل:

بر حضرت عیسی فرستاده شده است. اصل انجیل از طرف خداوند فرستاده شده. اما آن نیز همچون تورات و زبور بعدها مورد تحریف قرار گرفته است. انجیل در زمان حضرت عیسی بطور کامل تحریر نگردیده است، بعدا انجیلهای زیادی نوشته و تحریر گردید. در سال ۳۲۵ در مجمع ایزنیک دانشمندان دین مسیحیت از بین این انجیلها چهار انجیل را برگزیدند. نام آنها، متی، مارکوس، لوکا و یوحنا می باشد که به نام نویسندگان آن شناخته می شوند. امروزه انجیلهای در دسترس این انجیلها می باشند.

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

و عیسي پسر مریم را به دنبال آنان [=پیامبران دیگر] درآوردیم در حالي که تورات را که پیش از او بود تصدیق داشت و به او انجیل را عطا کردیم که در آن هدایت و نوري است و تصدیق‌کننده تورات قبل از آن است و براي پرهیزگاران رهنمود و اندرزي است

(سوره مائده، آیه ۴۶).

قرآن کریم:

آخرین کتاب مقدسی است که از طرف پروردگار نازل شده است. این کتاب بر حضرت محمد سلام اله و علیه نازل شده.

تعدادی از کتب الهی مفقود شده اند، بخشی دیگر نیز مورد تحریف قرار گرفته اند. اما خداوند متعال، تمامی پیامهای که در کتابهای قبلی جای داشت و برای انسانها لازم بود را در قرآن کریم به ما رسانده است.

ما به عنوان مسلمان، می بایست موضوعات قرآن را به همانگونه که می باشند بررسی نماییم. تمامی کتابهای مقدس که از طرف خداوند متعال نازل شده را ما قبول داریم. ولی قرآن تنها کتابی است که تحریف نشده و در آن دستکاری نگردیده است. و تا بدین روز بر ما رسیده.

خداوند متعال می فرماید:

بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعا نگهبان آن خواهیم بود

(سوره حجر، آیه ۹).

آنچه که کتب الهی برای ما به ارمغان می آورد

کتب الهی

- سبب ارتباط دائمی با خداوند می گردد
- هدف از تولدمان و وظایف مان را می آموزاند
- از تغییر در اصول اساسی دینی و تخریب آن جلوگیری می کند
- بخشهای مهم تاریخ بشری را به نسلهای بعدی انتقال می دهد

وقتی از کسی که بسیار او را دوست داریم نامه ای می رسد جملات آن را به دفعات می خوانیم. از جملاتی که آنها را دوست داریم در طول عمر از آنها بهره می بریم. کتابهای الهی که در بردارنده فرامین الهی می باشد همچون نامه می باشد. نامه ای که خداوند عالم و مالیان پرودگار متعال بر ما فرستاده است و در هر آیه آن هزاران حکمت و زیبایی در خود جای داده است. هنگامی که آن را می خوانیم همچون این است که با پروردگار سخن می گویم و در هر خوانش و تلاوت بر ما تاثیر می گذارد. باعث دوست داشتن هرچه بیشتر خداوند درون ما می گردد. سبب ارتباط دائمی با خداوند متعال می گردد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

برای شما دو چیز مهم به ارث می گذارم، اولین آن کتاب الهی می باشد. و آن ریسمان خداوند محسوب می گردد. بر آن گرویده و هر کس از آن دست بردارد راه خود را گم خواهد نمود.

(مسلم، فضال الصحابه، ۳۷).



کتب الهی، امر و نهی پروردگار را بر ما نشان می دهد. هدف از آمدن به این جهان و وظایف ما را آموزش می دهد. بندگی تنها بر خداوند و الگو قراردادن پیامبر را امر می کند. توصیه می نماید تا آنچه را که برای انسان مفید است انجام دهند. راستگویی و پرهیز از ظلم و سوق به عدالت، کمک به نیازمندان تشویق میکند. و می خواهد تا بندهای باشیم خداشناس، دوری از مظالم، نیکی به همگان و اخلاق نیک را می آموزاند.

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

ين [قرآن] ابلاغي براي مردم است [تا به وسيله آن هدايت‌شوند] و بدان بيم يابند و بدانند كه او معبودي يگانه است و تا صاحبان خرد پند گيرند

(سوره ابراهیم، آیه ۵۲).



اساس اعتقادی را اصول دین تشکیل می دهد. این اصول از طریق کتاب الهی که به وسیله انسانها تحریف گردیده سبب به وجود آمدن اشتباهات برای آنها می شود. از باورهای الهی دور می گردند. حلال الهی به حرام از حرام به حلال می شمارند. برای مردم رفتار و اعتقادات جدید را می آموزانند. بدین ترتیب کتب الهی که از طرف پروردگار نازل شده اند می توانند مانع تغییر نکردن اصول دین و یا تحریف آن شوند. آخرین کتابی که از طرف خداوند فرستاده شده است قرآن کریم می باشد. این کتاب دربر گیرنده تمامی موارد خوب و درست سایر کتابهای الهی را دارد.

قرآن کریم می فرماید:

اين كتاب را در حالي كه مؤيد آنچه [از كتابهاي آسماني] پيش از خود مي‌باشد به حق [و به تدريج] بر تو نازل كرد و تورات و انجيل را.

(آل عمران، آیه ۳).

زندگی انسان از زمان حضرت آدم شروع گردید. انسانها بسیاری از تمدنها را بنا نهادند. کسانی که از راههای که پیامبر نشان داده اند می روند و کارهای نیک انجام میدهند در بهترین لحظات به سر می برند. مردمی که راهنمایی پیامبر و کتابهای آنها را قبول ندارند تنها برای منافع دنیوی بکار می برند. مظلومین را زیر پا می گذارند. حق ناتوانان را می گیرند. مردم را به ناحق می کشند. ثروت خود را در راه نادرست مصرف میکنند. از این رو از رحمت خداوند دور می شوند. در عقبه خود تنها در تاریخ تنها ردی پلیدی از خود بجای می گذارند. کتابهای الهی، در طول تاریخ بشری اینگونه دوران را برای نسلهای آینده به عنوان عبرت نشان میدهند.

پروردگار متعال در قرآن می فرماید:

به راستي در سرگذشت آنان براي خردمندان عبرتي استسخني نيست كه به دروغ ساخته شده باشد بلكه تصديق آنچه [از كتابهايي] است كه پيش از آن بوده و روشنگر هر چيز است و براي مردمي كه ايمان مي‌آورند رهنمود و رحمتي است

(سوره یوسف، آیه ۱۱۱).



فرعونی که در حال گذر از دریای سرخ زیر آب ماند جسدش بعد از قرن ها پیدا شد.



اهرام ثلاثه مصر قبور فراعنه

کتاب هایمان را بشناسیم

نظام درونی قرآن کریم

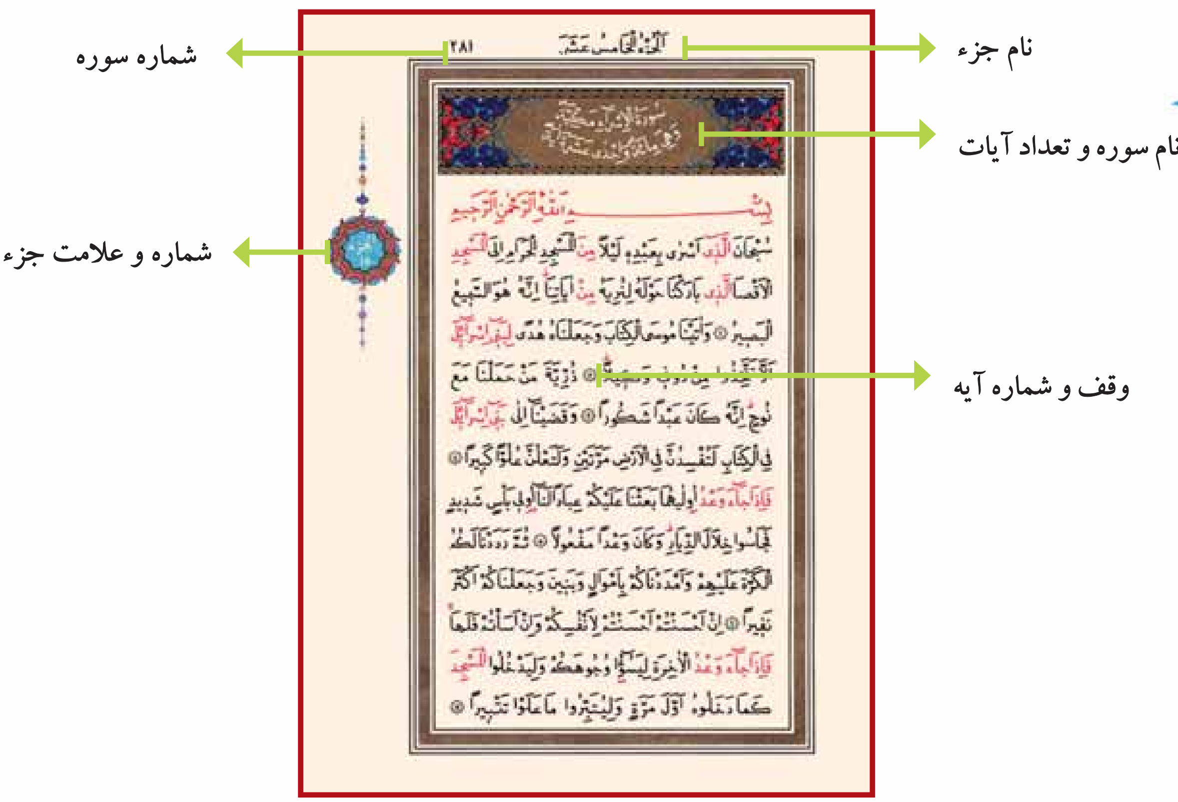
قرآن کریم کتابی است که انسانهای دیگر از آوردن مشابه آن عاجز می باشند. مفهوم کلام الله که به معنی سخنان خداوند می باشد خوانده میشود. قرآن کریم از طرف فرشته خداوند «جبرئیل» در طول ۲۳ سال بطور بخش –بخش نازل شده است.

آیات، سوره و جزوات قرآن کریم دارای یک نظام می باشد. در قرآن کریم، به مجموع چند جمله «آیه» گفته میشود. و یک بخش را «سوره» تشکیل می دهد. در قران کریم ۱۱۴ سوره وجود دارد. هر سوره ای برای خود نام داشته و آیات انها از یکدیگر متفاوت می باشند.

ترتیب سوره ها نسبت به نزول آنها نبوده و به صورتی که خداوند خواسته است ترتیب یافته بلند ترین سوره دارای ۲۸۶ آیه سوره بقره می باشد و کوتاه ترین سوره با دارا بودن سه آیه سوره کوثر است.

قرآن کریم با سوره فتح شروع و با آیه ناس به اتمام می رسد. هر ۲۰ صفحه از قرآن یک جزء می باشد. قرآن در مجموع دارای ۳۰ جزء است. تقسیم بندی قرآن بدین شکل سبب یادگیری و برنامه ریزی شده آن می شود.

قرآن به زبان عربی نازل شدهاست. کسانی که با زبان عربی آشنا نمی باشند از طریق ترجمه آن میتوانند مفاهیم آن را درک کنند. ترجمه قرآن به زبانهای دیگر «معالی» گفته می شود. شرح و توضیحاتی که در باره قرآن داده می شود نیز تفسیر گفته می شود.



اولین وحی

محیطی که پیامبر اکرم سلام اله علیه در آن زندگی می کرد با اخلاق پسندیده شناخته می شد. او، هرگز بتها را پرستش نمی کرد، از گوشت ذبح به بتها نمیخورد. مشروب نمیخورد و قماربازی نمیکرد. در دوران قبل از اسلام دوره جاهلیت در جشنهای شادی و مراسمهای که برای بتها برگذار میشد شرکت نمیکرد. درستی، صداقت و راستگویی او زبانزد هر کس بود و توجه همگان را با حرکات سنگین خود به خود جلب می نمود.

حضرت محمد سلام اله علیه به دین پدران خود حضرت ابراهیم که «حنفی» بودند باور داشت. به خدای یکتا ایمان داشت. هنگامی که به چهل سالگی رسید، خوابهای صادق را دید. هر آنچه که در خواب و رویا می دید درست می بود. در سال ۶۱۰ میلادی در ماه رمضان، در غار حرا در شب قدر به هنگام سحر شاهد نازل شدن فرشته وحی جبرئیل شد. به پیامبر می گفت:

بخوان!

پیامبر نیز با هیجانی وصف ناپذیر گفت:
من خواندن نمی دانم.

جبرئیل دوباره گفت:
بخوان!

پیامبر نیز گفت:
من خواندن نمی دانم.



فرشته وحی جبرئیل دوباره به او گفت: بخوان. اولین آیات علق را بر پیامبر خواند. پیامبر نیز اولین آیات نازل شده را تکرار نمود. ترجمه این آیات اینگونه است:

بخوان به نام پروردگارت که آفرید،

انسان را از علق آفرید

بخوان و پروردگار تو کریم ترین [کریمان] است

همان کس که به وسیله قلم آموخت

پیامبر اکرم، بعد از تکرار سخنان فرشته وحی بر پا خواست. با حیرتی تمام بر خود می لرزید. همان صدا، این با از آسمان دوباره می آمد. جبرئیل که تمام افق را پوشانده بوده، صدایی بلند او از هر کجا منعکس می گردید:

ای محمد! تو پیامبر خداوند می باشی و من جبرئیل هستم.

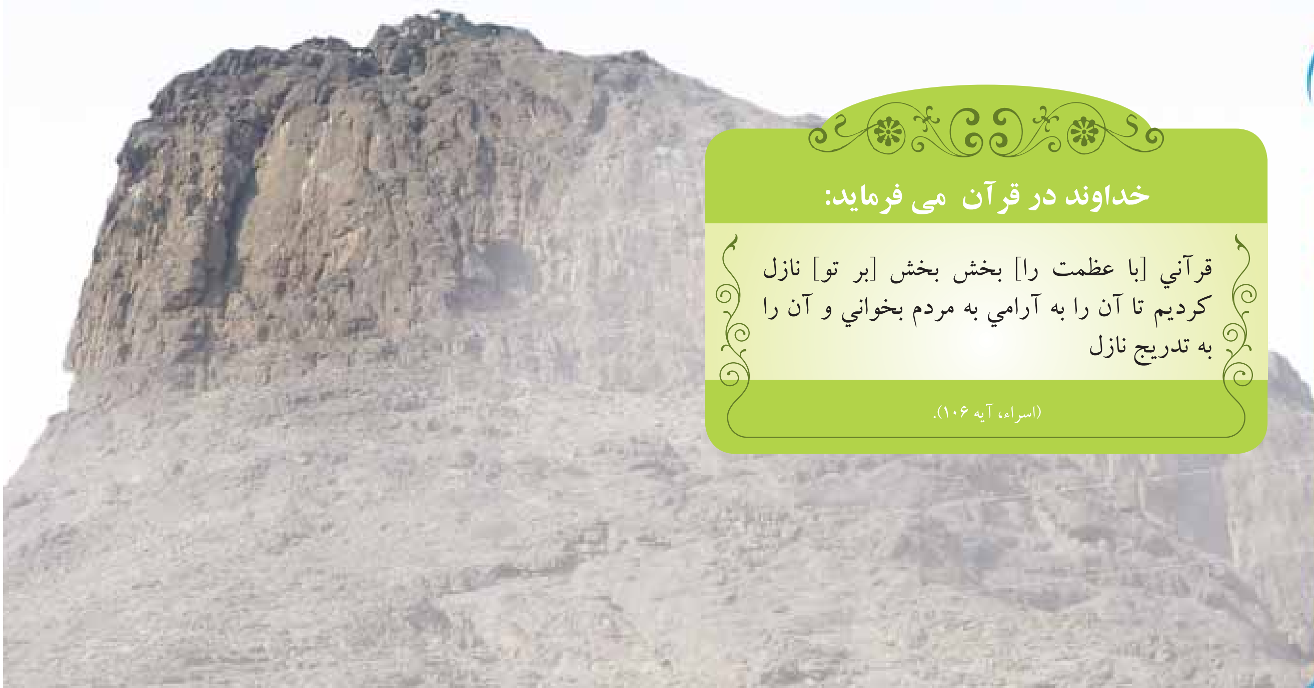
پیامبر اکرم در برابر این منظره در حیرت فرو رفته بود. با سرعت زیاد از کوه فرو آمد و به سوی خانه خویش روانه شد. حضرت خدیجه از حالت پیامبر را اینگونه دیده بود بسیار متعجب شد. پیامبر هنوز بر خود می لرزید. بی هیچ شرح و تفسیری بر رخت خود رفت، پوشانده شدن روی خود را خواست. به خواب فرو رفت. هنگامی که بیدار شد آنچه را که بر خود گذشته بود را بر حضرت خدیجه شرح داد. حضرت خدیجه که همسرش را خوب میشنواخت به او گفت:

– نترس! خداوند تو را شرمنده نخواهد کرد. زیرا، تو، با نزدیکان خود به نیکی رفتار نموده ای. هر زمان راستگو بوده ای. به مسافران مهمان نوازی کرده ای. در برابر زورگویی سینه را سپر می کنی. به کسانی که در سختی هستند کمک می کنی. به کسانی که ناتوان و نیازمند هستند یاری می رسانی.

این سخنان زیبای حضرت خدیجه، رسول خداوند را بسیار شاد نمود. سپس با یکدیگر، پیش پسر عموی حضرت خدیجه ورقه رفتند. ورقه شخصی مسن بود که در باره انجیل و تورات می دانست. هنگامی که به سخنان حضرت محمد گوش میداد بسیار هیجان زده بود.

– سوگند می خورم که تو پیامبر این امت می باشی. فرشته ای که دیده ای جبرئیل میباشد. بر موسی و عیسی نیز آن فرشته وحی نازل نموده بود و ورقه سخنان خود را ادامه داد:

ای کاش به هنگام دعوت جوان بودم. و هنگامی که مردم از خاک خود بیرون می کنند تو را یاری می رساندم.



خداوند در قرآن می فرماید:

قرآني [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل كرديم تا آن را به آرامي به مردم بخواني و آن را به تدريج نازل

(اسراء، آیه ۱۰۶).

با شنیدن این سخن پیامبر با تعجب پرسید:

آنها مرا از سرزمین خود بیرون خواهند نمود؟

ورقه نیز در پاسخ گفت:

آری، تمامی کسانی که همچون تو وحی نموده اند از سرزمین خود رانده شده اند، و با سختی و مشکلات رودررو بوده اند.

نوشتن و ازبر کردن قرآن کریم

پیامبرمان، آیات قرآن کریم که به ایشان وحی می گردید بدون فوت وقت به اصحاب می رساند. همچنین، آیات نازل شده را به وسیله نویسندگان کتاب وحی مندرج می نمود. بدین ترتیب هر یک از آیات قرآن کریم، هم از طرف پیامبر و هم از طرف بعضی از صحابه ازبر و همزمان نوشته می شد.

کتاب وحی، نسبت به امکانات آن دوره و زمانه برروی سنگهای نازک، استخوانهای خشک، شاخه های خرما و پوست نوشته می شد. آیاتی که بر پیامبر نازل می شد اول از همه خودشان ازبر می نمودند و سپس به کاتبان نوشتن آن را توصیه می کردند، بعد از نوشته شدن متن دوباره خودشان می خواست که بازخوانی کنند. و درستی آنها را کنترل می کردند. چهار خلیفه بزرگ حضرت ابوبکر، حضرت عمر، حضرت عثمان و حضرت علی از کاتبان وحی بودند. بغیر از آنها زید ابن ثابت، ابی بن کاب، موذبن جبل نیز از صحابه ای بودند که کتاب وحی را می نوشتند.

حضرت پیامبر آیات نازل شده را در نماز و سایر زمانها می خواند. مسلمین آیات را با یکدیگر خوانده و در مورد احکام و موضوعات آن بررسی می کردند. هر سال در ماه رمضان، تمامی آیات نازل شده تا آن زمان بطور متقابل با جبرئیل (ع) مقایسه شده و خوانده می شد. در آخرین سال زندگی پیامبر در ماه رمضان تمام آیات قرآن دو بار به وسیله جبرئیل و پیامبر مقایسه گردید.

تجمیع شدن قرآن به صورت کتاب

قرآن کریم به هنگام سلامتی کامل پیامبر هم ازبر شده بود و هم بطور کامل نوشته شده بود. اما این آیات به صورت کتاب در نیامده بود و بطور پراکنده بود. زیرا تا پایان عمر پیامبر نزول وحی ادامه داشت. به دلیل اتمام وحی زمانی که در قید حیات بودند امکان اینکه کتاب به صورت کتاب در آید وجود نداشت.



بعد از وفات پیامبر حضرت ابوبکر به عنوان خلیفه انتخاب شدند. در دوران او تعداد زیادی از صحابه که قرآن را حفظ بودند به شهادت رسیدند. حضرت عمر، جمع آوری آیات قرآنی که از طرف حضرت ابوبکر جمع آوری شده بود را پیشنهاد نمود. حضرت ابوبکر، رئیس کاتبان یعنی زید بن ثابت را فراخوانده و کمیسیونی را تشکیل داد. تمام اعضای این کمیسیون حافظ بودند. با تلاش جدی در طول یک سال نوشته های کنده جمع آوری شد. آیات قرآن برروی صفحات خوب نوشته شد. به صورت کتاب در آمده و به حضرت ابوبکر تحویل داده شد.

نشر قرآن کریم

در دوران حضرت عمر و عثمان به دلیل تلاشهای آنها دین اسلام به سایر کشورها راه یافت. مردم با فرهنگهای مختلف، نژاد و زبانهای گوناگون مسلمان می شدند. همه می خواستند قران را یاد بگیرند.

برای اینکه مسلمین به درستی قرآن را یاد گرفته

و فرا گیرند تصمیم به نشر و ازدیاد قرآنی که در دوران حضرت ابوبکر جمع آوری شده بود را گرفت. باز به ریاست زید بن ثابت کمیسیونی را تشکیل داد و نسخ قرآن را زیاد نمود. یکی از نسخ در مدینه نگهداری شد. سایر نسخ به مکه، کوفه، بصره، شام و یمن و بحرین ارسال شد. به این مراکز به همراه مصحف شخصی نیز برای یاد دادن قران فرستاد شد.

فضائل قرائت قرآن کریم

قرآن کریم، برترین کلام و زیباترین آن محسوب میگردد. پیامبر اکرم، برترین نیکی یادگیری قرآن و قرائت آن می باشد فرموداند. بدین دلیل مهمترین وظیفه ما یاد گیری آن، یاد دادن آن به دیگران می باشد. میزانی که به ما نشان میدهد را در زندگی بکار گرفته و سرلوحه آن قراردهیم.

- قرآن کریم در زمان حیات پیامبر حفظ و یا نوشته شده است.
- در زمان حضرت ابوبکر کتاب به صورت مصحف درآمد.
- در زمان حضرت عثمان تعداد نسخ ازدیاد داده شد و بدون اینکه حتی یک حرف آن تغییر یابد تا امروز به ما رسیده است.



قرائت قران کریم، عبادت محسوب می گردد. قرائت قرآن کریم و بکارگیری احکام موجود در آن برای ما بهشت را مژده داده است. بر پدران و مادران این اشخاص نیز پیامبر اکرم در آخرت اجر جزیل در نظر گرفته است.

پیامبر اکرم، قرآن را به آهستگی و با تمنینه تلاوت می نمود. بر امت خود خواندن قرآن را به درستی و زیبایی قرائت نمودن را توصیه می کرد. زیاد خواندن قرآن را توصیه کرده و به کسانی که به زیبایی قرآن تلاوت می کردند همراهی فرشته گان را به آنها وعده می داد. کسانی که در خواندن و قرائت قرآن مشکل داشتند به آنها توصیه می نمود که تلاش بیشتر نمایند که این کار ثواب دو برابر در برای آنها دارد.



پیامبر گرامی می فرماید:

هر کس قرآن قرائت نماید و بر احکام آن عمل نماید در روز قیامت بر پدر و مادر ایشان تاج نهند. نور این تااج از خورشید که در خانه های دنیوی وجود دارد بیشتر می باشد. بدین دلیل کسی که به قران عمل کند اجر آن را خودتان تخمین بزنید.

(سنن ابن داود، ۱، ۳۵۵).

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

در حقيقت كساني كه كتاب خدا را مي‌خوانند و نماز برپا مي‌دارند و از آنچه بديشان روزي داده‌ايم نهان و آشكارا انفاق مي‌كنند اميد به تجارتي بسته‌اند كه هرگز زوال نمي‌پذيرد. تا پاداششان را تمام بديشان عطا كند و از فزون‌بخشي خود در حق آنان بيفزايد كه او آمرزنده حق‌شناس است

(سوره فاطر، آیه ۳۰-۲۹).

موضوعاتی که قرآن در بر می گیرد

قرآن کریم بیان بخصوصی برای خود دارا می باشد. در آیات و سوره های قرآن به موضوعات زیادی پرداخته می شود. تمامی جوانب انسانی را که در بر می گیرد را با مفهومی خاص بیان می کند. از طرفی در حالی که عقل انسان خطاب می نماید، از طرف دیگر احساسات روانی و روحی و دنیوی را در نظر می گیرد. هدف قرآن تنها دادن دانش نمیباشد. قرآن به دانش، باور، رفتار متعقداتی و اخلاق زیبا را در نظر می گیرد.

قرآن کریم قبل از هر چیز می خواهد هر کس دارای اعتقاد درست و صیحح را دارا باشد. هدف از وجود جهان و خداشناسی را بر ما می آموزاند. رفتارمان در برابر پدر، مادر، دیگران و سایر موجودات زنده را بر ما یاد می دهد.

موضوعات اساسی که در قرآن به آن زیاد پرداخت شده است، اصول ایمان، عبادات و مبانی اخلاقی می باشد. به همراه این موضوعات ارتباطات انسانی برای ما به عنوان راهنما در بسیار از موارد آیات وجود دارد. قصص پیامبران و حوادثی که برای اقوام قبلی روی داده عبرت آمیز، برای ما نقل گردیده است.

در بررسی قرآن کریم خطوط اصلی موضوعات و راهنمایی از طریق این موضوعات را مشاهده می کنیم.

موضوعات اصلی قرآن کریم

- ☑ مبانی ایمان
- ☑ دعا
- ☑ عبادات
- ☑ مبانی اخلاقی
- ☑ آفرینش و کائنات
- ☑ حلال و حرام
- ☑ پیامبران و ملل گذشته
- ☑ ارتباطات اجتماعی

مبانی ایمان

یکی از ویژگی های اساسی قرآن کریم شناختن خداوند می باشد. یکتایی و وحدانیت خداوند را بر ما معرفی می کند. او را با صفات و اسماء خود آشنا می کند.

تمامی آموزه های اصول ایمان در قرآن با ایمان به خداوند ارتباط دارد. یعنی در نظر قرآن اصول ایمان یک پارچه می باشد. شخصی که به خداوند معتقد می باشد به فرشتگان، کتاب های که فرستاده، پیامبران و روز قیامت ایمان می آورد. باور به اینکه هر چیز در تقدیر الهی بوده و با اختیار او به وجود آمده است را شامل می گردد.

عبادات



قرآن کریم بندگی به خداوند را امر می کند. عبادات بطور جداگانه شرح داده و ارتباط بین ایمان و عبادات را مورد توجه قرار می دهد. دوری از تزویر در عبادات و انجام آن تنها برای رضای خداوند را توصیه می نماید.

قرآن کریم در مورد عباداتی همچون نماز، زکات، روزه و حج اهمیت خاصی را قائل گردیده است. هر رفتاری که سبب خشنودی خداوند می گردد، نشانه های بنده خوب را مورد قبول قرار میدهد. تمام تلاشهایی که برای مردم می باشد، چهره بشاش، زبان نیک و عباداتی که برای کسب دل می باشد را ارزش قرار میدهد.

مبانی اخلاق

قرآن کریم به اخلاق نیک اهمیت زیادی قائل می باشد. برای همگان اخلاق خوب، حیات اخلاقی در همه حالات را مورد هدف قرار می دهد. بدین سبب، قرآن، در بسیاری از آیات در مورد مبانی اخلاق بحث می نماید. مردم را به خوبیها، زیبایی ها و درستی سوق می دهد. نیکی به پدر و مادر، نزدیکان و اشخاص نیازمند را توصیه می کند. اسراف کردن، آسیب به مال و جان دیگران را حرام و ممنوع کرده است. انجام قول، امانت داری و رفتار نیک با مردم را نمونه های زیبای اخلاقی مورد توجه قرار داده است. این رفتارهای خوب مردم را در دنیا و آخرت شاد و مسرور گردانده و بر آن تاکید کرده است.

آفرینش و کائنات



قرآن کریم آفرینش انسان، موجودات و کائنات را مورد توجه قرار داده است. به اندیشه در مورد هدف آفرینش انسان، موجودات و کائنات دعوت کرده است. آفرینش عالم و کائنات را از هیچ خداوند متعال بسیار و بطور تکرار تاکید کرده است.

نظم و نظام کاملی که در کائنات موجود در قرآن بیان شده است. آفرینش انسان، گیاهان، حیوانات ، آسمان و خورشید و ماه و سایر آفریده ها را مورد توجه قرار می دهد. هر موجودی که در جهان وجود دارد خالقی را مالک بوده و یگانگی و وحدانیت خداوند را تاکید میکند. هنگامی که این موضوعات را مورد بررسی قرار میدهیم به قدرت و مهربانی بی انتهای خداوند پی می بریم.

دعا

دعا، اصل عبادت محسوب میگردد. دعاهای که انجام می دهیم خداوند را مورد شکر قرار می دهیم. هنگامی که در مشکلات قرار داریم، و یا زمانیکه دلتنگ می گردیم، بر در مغفرت و رحمت او پناه می بریم. دستانمان را به درگاه او گشوده و از او یاری می طلبیم. به رحمت و بخشش او پناه می بریم.

دعا دیگر پیامبران از درون دل و بسیار با صمیمیت نمونه های دعا در قرآن کریم جایگاهی ویژه ای را به خود اختصاص داده است. خداوند در قرآن کریم به چگونگی دعا را بر ما نشان می دهد. دعا به درگاه خداوند، قبول شدن آنها از طرف او را اظهار می کند.

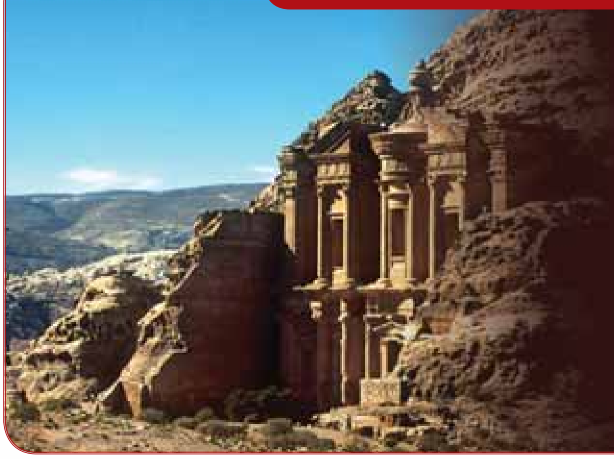
حلال و حرام

رفتارهای که در دین مان آنها منع نگردیده حلال، و آنها منع گردیده است حرام خوانده می شود. قرآن کریم، رفتارهای حلال و حرام را شرح می دهد. چیزهای مفید و پاک و خوب را حلال می داند. آنچه را که برای مردم حلال است کافی دانسته و آنچه را که حرام است نشان داده آن به مردم حلال را منع نموده است. خون، گوشت خوک، گوشت حیوان مرده، نوشیدنی های الکلی که برای انسان مضر می باشد خوردن و نوشیدن آن را حرام کرده است. هر آنچه آرامش و امنیت مردم را به خطر بیندازد، دزدی و گناهان بزرگی که بر علیه مردم انجام می گیرد را حرام قرار داده است. امثال زیادی در مورد عاقبت کسانی که حق دیگران را پایمال کرده اند راارائه نموده و عاقبت آنها را هشدار داده است.

ارتباطات اجتماعی

هدف اصلی قرآن کریم ایجاد جامعه ای سالم، اتحاد صحیح، افرادی که زیبایی اخلاقی را دارا می باشند است. جامعه ای که از اینگونه اشخاص با شخصیت به وجود آمده را خواهان است. مبانی و اصولی که ارتباطات صحیح انسانی را در جامعه می تواند به وجود آورد در قرآن ذکر شده است. از این روی، در قرآن ازدواج، طلاق، تجارت، خرید و فروش، میراث، مدیریت و آموزش در ارتباطات اجتماعی در بسیار از آیات وجود دارد. این آیات که در قرآن کریم ذکر شده اند همزمان ارتباط انسانی و اجتماعی را تاکید کرده. کشتن انسان، دزدی، آسیب به ناموس اشخاص و یا افترا در قرآن از گناهان کبیره شناخته شده است. در مورد اشخاصی که اینگونه رفتارها را در پیش می گیرند چگونگی جزاء آنها نیز در قرآن با آیات متعدد بیان شده است.

پیامبران و ملل گذشته



تاریخ انسان از آفرینش حضرت آدم شروع و پر از عبرت می باشد. قرآن کریم، تا روز قیامت هر آنچه را که برای انسان درس عبرت محسوب می گردد را در قصص پیامبران و سایر امت ها بیان کرده است. در مورد اجتماعات خوب و بد بحث نموده و به انسانها در مورد عبرت گرفتن از گذشتگان را یاد داده و در مورد آن اندیشه کردن را خواستار شده است.

پیامبر اکرم و قرآن کریم

پیامبر اکرم قرائت قرآن را بسیار دوست می داشت. قرآن را با تمنینه و به آهستگی می خواند. صدا و صوت پیامبر نیز جلوه ای زیبا به تلاوت قران می افزود. هنگامی که قرآن تلاوت می فرمود شنوندگان آن تحت تاثیر قرار می گرفتند. در روزی به هنگام نماز خفتن پیامبر سوره تین را تلاوت می فرمود. یکی از صحابه که از تلاوت و خواند آن بسیار تحت تاثیر قرار گرفته بود گفت که کسی دیگر را با این صوت زیبا نشنیده است.

پیامبر درمواقعی برروی مرکب نیز قرآن تلاوت می کرد. روز فتح مکه هنگامی که برروی شتر بود از سوره فتح اولین آیات را تلاوت می فرمود. صدای و تلاوت زیبایی او صحابه ای که به او گوش فرا می داند هرگز از دل و جان آنها پاک می گردید و این موضوع را به کرار اظهار نموده بودند.

پیامبر اکرم برروی آیاتی که تلاوت می کرد تفکر نموده و متناسب با مفهوم و معنی آن دعا و نیازهای خود را بر زبان می راند. در آیاتی که در مورد تسبیح خداوند بود به هنگام تلاوت دوباره تسبیح و شکرانه آن را بجای می آورد. در مواقع برروی آیه ای شبانه روز به تفکر فرو می رفت و تا صبح برروی آن فکر می نمود. اگر عذابشان كني آنان بندگان تواند و اگر بر ايشان ببخشايي تو خود توانا و حكيمي(سوره مائده، آیه ۱۱۸) را به دفعات تلاوت نموده و به دنبال آن عشقی که به امت خود داشت و از اندیشه اینکه در عذاب باشند به درگاه خداوند نیاز می نمود و برای بخشش امت خود را دعا و طلب می کرد.



هنگامی که پیامبر اکرم آیات قرآن کریم را می خواند، دانهای اشک برروی صورت نورانیشان سرازیر می گردید. هر زمان به اصحاب خود توصیه می کرد تا قرآن را با آرامش کامل تلاوت و قرائت کنند.

روزی از حضرت عایشه سوال کردند:

عجیب ترین حالتی را که از پیامبر دیده ای اظهار نما.

حضرت عایشه نیز گفت:

«کدام یک از کارهای او تعجب بر انگیز نبود؟» گفت و ادامه داد:

«رسول الله سلام اله علیه شبی به هنگام استراحت به رخت خود آمد. کمی بعد از من اجازه خواست و برخواست. وضو گرفته و شروع به نماز نمود. به هنگام نماز شروع به گریستن کرد. بقدری گریست که اشک چشمانشان برروی سینه ایشان می ریخت. در این حال، سر را از روی سجده برداشت، و باز به گریستن ادامه داد. این حال تا هنگامی که حضرت بلال اذان صبح را می خواند ادامه یافت. بلال گریه حضرت را مشاهده نمود و گفت:

ای رسول خدا! گذشته و آینده تو مورد عفو و بخشش قرار گرفته است از چه روی گریه می کنید؟

پیامبر در پاسخ فرمود: باید بنده ای شکرگزارتر از آن باشم.

به هنگام شب آیاتی که بر او نازل شده بود را قرائت نمود و بر روی آن اندیشه کرد. سپس این آیات را خواند:

«مسلما در آفرينش آسمانها و زمين و در پي يكديگر آمدن شب و روز براي خردمندان نشانه‌هايي [قانع كننده] است، همانان كه خدا را [در همه احوال] ايستاده و نشسته و به پهلو آرميده ياد مي‌كنند و در آفرينش آسمانها و زمين مي‌انديشند [كه] پروردگارا اينها را بيهوده نيافريده‌اي منزهي تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار (آل عمران، آیات ۱۹۰-۱۹۱).»

پیامبر در ماه رمضان از سایر مواقع بیشتر قرآن تلاوت می فرمود. جبرئیل بیشتر از مواقع قبل به حضور پیامبر می رسید و آیاتی که تا بدان زمان نازل شده بود را مقایسه می فرمودند.

پیامبر قرآنی که توسط دیگران خوانده می شده را نیز بسیار دوست می داشت. از صحابه ای که صدا و صوت زیبا داشتند می خواست که برای او قرآن بخوانند. یک بار به عبدالله ابن مسعود(رض) فرمود:

برای من قرآن بخوان.

عبدالله بن مسعود گفت: ای رسول خدا! قرآن بر شما نازل شده من چگونه قرآن را بر شما بخوانم.

پیامبر اکرم در پاسخ فرمود: من از شنیدن تلاوت قرآن توسط سایرین بسیار شاد و مسرور می گردم.

عبدالله بن مسعود نیز شروع به خواندن سوره نساء نمود. هنگامی که به آیه ۴۱ این سوره یعنی، پس چگونه است حالشان آنگاه که از هر امتي گواهي آوريم و تو را بر آنان گواه آوریم ، رسید فرمود:

کافی است.

عبدالله نیز فرمان پیامبر را اطاعت کرده و خواند قران را قطع کرد.

عبدالله بن مسعود در باره این موضوع گفت که: در این حین به سیمای پیامبر نگریستم. اشک در چشمان مبارکشان جای بود.

پیامبر اکرم در هر زمان از حیاتش قرآن را میزان قرار میداد. تمامی رفتار، اخلاق و تفکر ایشان را آیات قرآن تشکیل می داد. زمانی که اخلاق ایشان را از حضرت عایشه می پرسیدند حضرت عایشه به شکل زیبا بیان کرده:

«شما هیچ قرآن نمی خوانید؟ اخلاق ایشان قرآن بود.»

حضرت عایشه می گفت این حال و هوای پیامبر اکرم را در رفتارهای خود بکار می گرفت، او همچون قرآن زنده محسوب می گردید. خداوند متعال این خصوصیات پیامبر را

برای سایر انسانها اینگونه شرح می دهد. قرآن تنها زندگی پیامبرمان را شامل نمیگردد، به همراه آن زندگی مسلمین را نیز شکل می دهد. اولین نسل مسلمین، زندگی شخصی و اجتماعی نسبت به نیازهای قرآن حرکت می نمودند. با الگو قرار دادن پیامبر اولین کسانی بودند که آیات قرآن را به .اجرا می گذاردند

شبی بعد از نماز خفتن حضرت عایشه از مسجد به خانه دیر بازگشت. پیامبر دلیل دیر آمد او را پرس و جو نمود. ایشان نیز در پاسخ فرمود:

ای رسول خدا! در مسجد شخصی بود که از او زیباتر کسی قرآن نمی خواند.

پیامبر در مورد کسی که قرآن را به این زیبایی تلاوت می نمود علاقمند شد تا بشناسد و زود به مسجد رفت. حضرت عایشه نیز ایشان را تعقیب می کرد. پیامبر بعد از استماع شخصی که با صوت زیبا قرآن می خواند رو به حضرت عایشه کرد و فرمود:

– او، غلام ابو حفیظ، سالم می باشد. حمد خدایی را که در میان امت من چنین بندگانی قرار داده است(ابن ماجی، اقامه، ۱۷۶).



سوالات

حل جدول

۱. شخصی که تمام قرآن کریم را حفظ می کند «..................»

۲. شرح و توضیحات مفصل که در باره آیات قرآن ارائه می گردد «..................»

۳. آخرین کتاب الهی که نازل شده است «..................»

٤. بزرگترین سوره قرآن کریم «..................»

۵. فرشته ای که وحی را به پیامبر می آورد «..................»

٦. خواندن کل قرآن «..................»

۷. ویژگی کلی قرآن کریم که برای تمامی انسانیت می باشد «..................»

۸. کتابی که برای حضرت عیسی فرستاده شده «..................»

۹. کتاب مقدسی که به حضرت داود نازل شد «..................»

۱۰. پیام و دانشی که از طرف خداوند به واسطه پیامبران بر مردم می رسد «..................»

۱۱. آخرین سوره قرآن کریم «..................»

۱۲. اولین سوره قرآن کریم «..................»

۱۳. کتاب مقدسی که به حضرت موسی فرستاده شده «..................»

١٤. خواندن متقابل قرآن کریم «..................»

۱۵. شبی که قرآن کریم در آن نازل گردید «..................»

١٦. ترجمه قرآن کریم به سایر زبانها «..................»

۱۷. بیست صفحه ای از قرآن «..................»

جملات ذیل را به هم وصل کنیم

۱	دانشی که خداوند متعال از طریق پیامبران بر ما میرساند		بدون تغییر تا بدین روز بر ما رسیده است
۲	پیامبران از طریق وحی		امر و نهی های الهی را بر ما نشان می دهد
۳	به فرمانی که در کتب الهی وجود دارد گردن می نهد		به زیبایی و درستی در خود جای داده است
٤	کتابهای مقدسی که از طرف خداوند معرفی شده		انسان ها به عقاید اشتباه منحرف می شوند
٥	قرآن کریم		بطور مستقیم و یا از طرف فرشتگان می باشد
٦	کتب الهی		برای خشنودی خداوند تلاش می کند
۷	کتب الهی به دلیل اینکه اصل آنها تحریف شده		دانشی را که دریافت نموده اند را به مردم می رسانند
۸	قرآن کریم، تمامی کتابهای الهی قبل از خود را		تمام آنها را قبول می کنیم

خود آزمایی

۱. به کسانی که در دوران پیامبر قرآن را مندرج می کردند چه گفته میشد؟

الف)صحابه　　ب) مهاجر

ج) کاتبان وحی　　د) انصار

۲) کدام مورد از موارد زیر درباره قرآن گفته نمیشود؟

الف)از طرف جبرائیل وحی شده است

ب) به زبان عربی نازل شده

ج) در شب معراج نازل شده است

د) تا بدین روز تغییر و تحریف در آن راه نیافته است

۳. لقمان به فرزندش نصیحت می داد و گفت: ای فرزندم! بر خداوند شریک قرار نده! به راستی شرک ظلمی بزرگ محسوب میگردد. فرزندم نماز اقامه کن و بر نیکی ها امر بنما، سعی کن انسان ها را از بدی ها نهی کنی، بر آنچه بر سرت می آید صبور و از اشخاصی که تو را خرد می کنند دوری کن، با غرور راه مرو و در راه رفتن عادی باش و صدایت را بلند نکن(سوره لقمان)

کدام یک از موارد زیر با آیات ذکر شده مغایرت دارد؟

الف) بر آنچه بر سرت می آید صبور باش

ب) به کسی که دروغ می گوید راستی را توصیه کردن

ج) بجای آوردن نماز در سر وقت

د) بر خداوند جل جلاله شریک قرار دادن

٤.
۱) حفظ کردن آن آسان شده است
۲) نوشتن آن را فراهم نموده است
۳) تمام حوادثی را که سبب نزول وحی شده به یکباره به حقیقت رسانده است

موارد مذکور با کدام یک از موارد زیر می تواند واقعی باشد؟

الف) بخش-بخش نازل شدن قرآن
ب) نزول قرآن به زبان عربی
ج) نزول قرآن از طرف حضرت محمد
د) رساندن قرآن از طرف جبرائیل

٥. اهداف اولیه نزول قرآن کریم چیست؟

الف) خواندن در نماز
ب) اتحاد مسلمین
ج) قرائت برای مردگان
د) بکارگیری در زندگی

٦. کدام یک از موارد زیر هدف نزول کتابهای آسمانی نیست؟

الف) امر و نهی گذاردن
ب) ارائه اطلاعات دانشنامه
ج) گذاردن احکام اخلاقی
د) ارائه اطلاعات در مورد آخرت

؟ جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

(خداوند، نور، قرآن، احکام، تورات، مردم، حفاظت خواهیم کرد، تدریج، کتاب، تاج، انجیل، راست)

۱. عیسي پسر مریم را به دنبال آنان درآوردیم در حالي که تورات را که پیش از او بود تصدیق داشت و به او .... را عطا کردیم که در آن هدایت و ....است و تصدیق‌کننده تورات قبل از آن است.(سوره مائده، آیه ۴۶).

۲. بی‌تردید ما این .... را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعا از آن .... (حجر، آیه ۹).

۳. این کتاب را در حالي که مؤید آنچه .... پیش از خود مي‌باشد به حق [و به تدریج] بر تو نازل کرد و .... و انجیل را (آل عمران، آیه ۳).

۴. قرآني بر تو نازل کردیم تا آن را به آرامي برای .... بخواني و آن را به .... نازل کردیم (سوره الاسراء، آیه ۱۰۶).

۵. بر شما دو چیز مهم اعطا کردم. یکی از آنها کتاب .... است. آن ریسمان خداوند می باشد و هر آنکس که به آن بگرود راه .... را می یابد. (مسلم، فضائل صحابه۳۷).

۶. کسی که قرآن کریم را بخواند و به .... آن عمل نماید، در روز قیامت بر سر پدر و مادرش .... می گذارند. نور آن تاج از نور خورشید نیز تابناک تر است. کسانی که به قرآن عمل می کنند پاداش آن را خود فرض کنید. (سنن ابن داود، ۱، ۳۵۵).

پاسخ ها

حل جدول

۱. حافظ
۲. تفسیر
۳. قرآن کریم
۴. بقره
۵. جبرائیل
۶. ختم
۷. جهانی
۸. انجیل
۹. زبور
۱۰. وحی
۱۱. ناس
۱۲. فاتحه
۱۳. تورات
۱۴. مقابله
۱۵. قدیر
۱۶. معال
۱۷. جزء

جملات ذیل را به هم وصل کنیم

١	دانشی که خداوند متعال از طریق پیامبران بر ما میرساند	٥	بدون تغییر تا بدین روز بر ما رسیده است
٢	پیامبران از طریق وحی	٦	امر و نهی های الهی را بر ما نشان می دهد
٣	به فرمانی که در کتب الهی وجود دارد گردن می نهد	٨	به زیبایی و درستی در خود جای داده است
٤	کتابهای مقدسی که از طرف خداوند معرفی شده	٧	انسان ها به عقاید اشتباه منحرف می شوند
٥	قرآن کریم	١	بطور مستقیم و یا از طرف فرشتگان می باشد
٦	کتب الهی	٣	برای خشنودی خداوند تلاش می کند
٧	کتب الهی به دلیل اینکه اصل آنها تحریف شده	٢	دانشی را که دریافت نموده اند را به مردم می رسانند
٨	قرآن کریم، تمامی کتابهای الهی قبل از خود را	٤	تمام آنها را قبول می کنیم

.جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید

١) نور–انجیل
٢) قرآن–حفاظت خواهیم کرد
٣) کتاب–تورات
٤) مردم–تدریج
٥) خداوند–راست
٦) احکام–تاج

خود آزمایی

١) ج
٢) ج
٣) الف
٤) الف
٥) د
٦) ب





انسانهای نمونه، ایمان به پیامبران

- پیامبران و صفات پیامبران
- پیام مشترک پیامبران
- آنچه که ایمان به پیامبران بر ما می تواند ارمغان داشته
- زندگی پیامبران برای ما الگوهای بسیاری دارد
- پیامبر اکرم و پیامبران





پیامبران (فرستاده های خداوند)

تکلیف دینی حسین در مورد پیامبران بود. حسین با مطالعه کتابهای مختلف بسیار آماده بود و دوستانش نیز از او سوالاتی که دلشان می خواست می پرسیدند. هنگامی که درس شروع شد، برای او دو سوال ارائه شده و پرسیدند:

حسین، پیامبر به چه مفهوم می باشد؟ او نیز در پاسخ گفت:

پیامبران کسانی هستند که اوامر الهی را به انسانها می رسانند.

معلم از این تعریف خوب خوشش آمد و رو به دانش آموزان کرده و گفت:

– شما می توانید سوال کنید! هر آنچه که دوست دارید بپرسید.

سلیمان پرسید:



آیا هر کس می تواند پیامبر بشود؟

حسین در پاسخ گفت:

پیامبر شغلی نیست که با کار زیاد و یا عبادت زیاد بدست آید. خداوند بین بندگان آنکس را که مناسب بداند انتخاب می کند. پیامبری شغلی بسیار مشکل و سخت می باشد که خداوند متعال به کسی که به بهترین نحو از عهده آن بر می آید محول میکند.

احمد دستش را بلند کرد و پرسید:

– پیامبری همچون پادشاهان و یا شاهان به فرزندانش به ارث می رسد؟

– اینگونه قانونی وجود ندارد. اما پیامبرانی هستند که بعد از خود وظایفشان را به فرزندانشان محول می کنند. برای مثال بعد از حضرت ابراهیم پسرش حضرت اسماعیل و اسحاق پیامبر شدند. بعد از پیامبر یعقوب پسر کوچکش یوسف به پیامبری رسید. بعد از حضرت داود پسرش حضرت سلیمان به پیامبری برگزیده شد. خداوند چون مناسب دیده بود اینگونه رفتار کرد.

بتول گفت:

– پس، فرزندان پیامبران نیز همچون خودشان انسانهای خوبی می شوند. حسین در پاسخ گفت هر زمان اینگونه نیست، همچون مردم کسانی زیادی بودند که پیامبران را قبول نداشتند. مثلا پسر حضرت نوح، پیامبری پدرش را قبول نکرد و همچون دیگر کسان که به خداوند ایمان نداشتند در آبهای خروشان عرق شد.

زینب پرسید:

پیامبران باید اشخاص ثروتمند و با نفوذ باید باشند. در غیر این صورت کسی به حرف آنها گوش فرا نمیدهد؟

حسین در جواب زینب گفت:

– پاسخ این سوال را ما در زندگی پیامبر نمیبینم. پیامبر از یک خانواده اصیل بود، اما ثروتمند نبود. بعضی از آنها که باور نداشتند، تفاوتهای خود را پیش کشیده می گفتند اگر به پیامبر احتیاج داشتیم، یکی از اشخاص غنی را از بین خود انتخاب می کنیم. می گفتند. فرشته ای که پیام خداوند را می آورد بر چشم شخصی فقیر دیده نمی شود. در حالی که در برابر وظیفه پیامبری مال و ملک چه عرضی دارد؟

عبدالرحمن پرسید:

– آیا تعداد پیامبران را می دانیم؟

در قرآن کریم نام ۲۵ پیامبر آورده شده است.

معلم سخنان حسین را اینگونه ادامه داد:

در طول تاریخ بشری پیامبران زیادی آمده اند. بسیاری از پیامبران که در قرآن از آنها نام برده شده یا یکدیگر نزدیکی داشتند. در این صورت پیامبران، در شبه جزیره عربستان و در و در دورانهای مشخص کسانی بودند که وظیفه آن را عهده دار می شدند. بی شک، برای مردم سایر قاره ها نیز پیامبر فرستاده شده. پیامبر اکرم، تعداد پیامبران را که فرستاده شده اند صد بیست چهار هزار گفته است.

عایشه اینگونه سوال کرد:

– برای تمام پیامبران قران کریم نازل شده است؟

حسین خندید: – سوال شما غلط است، قرآن کریم کتاب پیامبر اکرم می باشد. در این صورت باید بگویی آیا برای تمام پیامبران کتاب همچون قرآن کریم فرستاده شده است؟ در پاسخ باید بگویم: خیر. پیامبرانی که به آنها کتاب فرستاده شده است را در کتاب «ایمان به کتاب» یاد گرفتیم.

علی سوال کرد که:

– آیا مسیحیان و یهودیان نیز به پیامبر ما اعتقاد دارند؟ ما نیز به پیامبران آنها ایمان داریم؟ حسین فورا نتوانست جواب بدهد و معلم به داد حسین رسید،

– تفاوت آنها با ما در این است که، ما به پیامبر آنها اعتقاد داریم، قرآن کریم به همراه دیگر پیامبران نام حضرت موسی و حضرت عیسی نیز آورده شده و در مورد زندگی آنها آیات متعدد دارد. در این رابطه نمیتوان ادعا داشت. ما بدون اینکه بین پیامبران تفاوت قائل شویم به همگی آنها اعتقاد داریم.

فاطمه پاسخ داد:

بزرگترین پیامبر کیست؟

حسین در جواب گفت:

پیامبر ما حضرت محمد(ص).

فاطمه نیز علت آن را جویا شد و گفت:

برای چه حضرت محمد بزرگترین پیامبر محسوب می گردد؟

حسین نیز گفت:

آموزگار عزیزم این را لطفا شما پاسخ دهید.

معلم نیز گفت:

– بزرگی پیامبر، در کارهای که انجام داده، تلاشهای که در راه دین نموده، و زحماتی که در راه ترویج دین انجام داده است خود را بروز می کند.

برای مثال حضرت نوح، همانگونه که در قرآن کریم آمده است ۹۵۰ سال زندگی نموده است. در آن دوران انسانها عمر طولانی داشتند. حضرت نوح تلاش زیادی برای راهنمایی قوم خود انجام داده بود ولی نتوانسته بود تعداد زیادی را به راه راست آورد. سپس خداوند کسانی را که ایمان نیاورده بودند را در طوفان بزرگ نابود نموده.

حضرت ابراهیم را در نظر بگیرید... کسانی که او به خداوند دعوت کرده بود می خواستند او را در آتش بسوزانند و مجازات کنند. ولی خداوند به این کار اجازه نداده بود و او را از آتش رهانی داده بود.

حضرت موسی، حضرت عیسی و پیامبر عزیز ما حضرت محمد سختی ها و اذیت های که کشیده بودند را نمیتوان بر زبان آورد. اما آنها در برابر تمامی سختی و مشکلات برای رضای خداوند سینه سپر کرده بودند. در برابر کتک ها، نازساها و حتی دور از موطن خود صبر و بردباری نمودند.

بزرگواری حضرت محمد را می توان و دلایل آن را اینگونه می تواند اظهار کرد،

او آخرین پیامبر می باشد،

رسالت او ۱۴ قرن است که ادامه دارد و تا روز قیامت دوام خواهد یافت. او فرستاده برای تمام انسانها محسوب می گردد. در حالی که پیامبران قبل از او، برای یک جامعه کوچک فرستاده شده بودند.

آنطوری که از سخنان خودمان پیداست پیامبر محبوب ترین بنده ی خداوند است.

مریم:

– اما آموزگارم' امروز میلیون ها مسیحی وجود دارد. اگر نسل های گذشته را هم در نظر بگیریم' حضرت عیسی هم مانند پیامبر ما انسان بزرگی بود.

آموزگار اینگونه جواب داد:

– زمانی که پیامبر جدیدی می آید' مسئولیت پیامبر قبلی به پایان می رسد. در طول تاریخ همیشه اینگونه بوده است. حضرت عیسی به پیامبر بعد از خود اشاره کرده بود. اگر باز از حضرت عیسی پیروی کنیم مانند این است که بعد از اختراع برق دوباره از شمع استفاده می کنیم. و همچنین این وضعیت حضرت عیسی را هم ناراحت می کند.

زینب دست بلند کرد و سوال متفاوتی پرسید:

–آیا واقعاً نیازی به پیامبر هست؟ اگر پیامبران نباشند انسان مسیر درست را پیدا نمی کرد؟

آموزگار به حسین اشاره کرد، و حسین ادامه داد:
– اگر پیامبر نبود انسانها بعضی از واقعیت ها را درک می کردند. می توانستند درک نمایند که آفریننده ای وجود دارد. اما چگونگی ارتباط با او را نمی دانستند. وجود فرشتگان، ایمان به آخرت و چگونگی حساب پس دادن انسانها از کارهای انجام داده خود را هرگز نمیفهمید ند . اگرچه بعضی از رفتارهای ناشایست را می فهمیدند ولی آنچه را که پیامبران آنها را از بدی ها نهی می کرد را نیمدانستند.



خداوند برای اینکه ما را بسیار دوست دارد، پیامبران و رسولان خود را به ما فرستاده است. همزمان رفتارهای خوب پیامبران الگو برای سایر مردم محسوب می گردد.

رقیه گفت:

– من اینگونه تصور می کنم که، اگر خداوند متعال بجای پیامبران فرشتگان را برای ما می فرستاد بهتر نبود؟

حسین نمیدانست به این سوال عجیب چه جوابی بدهد، و گفت:

ما این را نمیدانیم، اگر این راه درست بود خداوند این راه را انتخاب می کرد.

معلم موضوع را بیشتر بسط داد و ادامه سخن را به دست گرفت و گفت:

حسین راست می گوید. از دیگر رو این سوال را اینطور نیز می توانیم پاسخ دهیم که، اگر خداوند از طریق فرشتگان رسالت را به مردم ابلاغ می کرد این بار مردم میگفتند:

فرشتگان را هر زمان نمیتوانیم ببینیم، و سوالاتمان را چگونه باید از آنها بپرسیم، نمیتوانسیتم آزادانه با آنها سخن بگویم. وقتی فرشته ای میگویند: گناه نکنید بسیار آسان است چون فرشتگان گناه نمیکنند. می گفتند آنها انسان نیستند که کارهای ما را انجام دهند، کارهای که ما انجام می دهیم آیا آنها هم می توانند انجام بدهند؟

کسانی که این سخن را میگفتند نیز حق داشتند. زیرا گفتن انجام دادن و یا ندادن کار بسیار آسان است، اما بکارگیری این کارها سخت و مشکل است. به این دلیل پروردگار، انجام اوامر در برابر همگان و دوری از نهی های

او، و الگو بدون برای سایر مردم پیامبران را فرستاده است.

عاکف دستش را یک بار بلند کرد و پایین آورد. سپس مثل اینکه از سوال کردن شرمنده بود. به این سبب معلم گفت:

مثل اینکه تو هم سوال میخواستی بکنی؟

–بلی اما... عاکف ساکت شد.

–عزیزم بپرس!

– پیامبران در مقابل کارهای خود مزد می گرفتند؟ اگر می گرفتند از چه کسی و به چه طریقی؟

معلم لبخند زد. عاکف در فکر بود. فکر می کرد سوال نا مربوط پرسیده و بسیار شرمگین شده و عرق بر پیشانیش نشست. سایر دانش آموزان



هم منتظر بودند که معلم در برابر این سوال چه پاسخ خواهد داد.

–آفرین، عاکف، سوال بسیار خوبی پرسیدی. در قرآن کریم پاسخ این سوال آمده و مزد کسانی که مردم را به دین دعوت می کنند اینگونه است که، در برابر کاری که انجام می دهی از من طلب مزد نمیکنم، زیرا مزد و اجرت مرا خداوند خواهد داد. پاداش خداوند نیز رضایت از بندگان خود می باشد. کارهای بزرگ و ماندگار کارهای هستند که بدون مزد انجام میگیرند.

در این هنگام صدای زنگ به گوش رسید.

معلم از حسین که بسیار خود آماده شده بود و به سوالات جواب داده بود تشکر کرد و حسین نیز گفت:

در واقع من از شما تشکر می کنم، تمامی چیزهای را که می دانم از شما یاد گرفته ام و مرا در آماده کردن این تکلیف کمک کردید

راهنمایان راه

خلیج استانبول که در محل تلاقی آسیا و اروپا قرار دارد، دارای زیبایی بسیار وصف ناپذیر می باشد. این خلیج دریایی مرمره را به دریای سیاه وصل می نماید از این خلیج صدها کشتی عبور میکنند. ولی عمق این خلیج در همه جا یکسان نیست امکان اینکه کشتی ها به نقاط کم عمق برخورد کنند زیاد است. مخصوصاً محموله های نفت و تانکرهای بار در هنگام گذر با دیگر کشتی های بزرگ مسافربری باید بیشتر دقت به خرج دهند. به این دلیل برای پیشگیری از تصادفات و برخورد با نقاط کم عمق تنگه٫ کاپیتانهای کشتی ها هنگام عبور از خلیج از راهنما استفاده می کنند. ترافیک خلیج را به وسیله، راهنماهای دقیقی که تهیه شده بدون خطر با امنیت کامل عبور می کنند.

زندگی دنیا نیز همچون کشتی می باشد. ما انسانها نیز همچون مسافرانی هستیم که از عالم ارواح به سوی آخرت رهسپاریم. اگر ما بخواهیم همچون یک کاپیتان از خلیج استانبول عبور کنیم به یک راهنمای کاپیتان نیاز داشتیم. برای اینکه در جهان زندگی زیبا داشته باشیم، و به بهشت برویم به راهنما نیاز داریم.

پرودگار متعال در قرآن می فرماید:

و آنان را پيشواياني قرار داديم كه به فرمان ما هدايت مي‌كردند

(سوره انبیاء، آیه ۷۳).

راهنمایانی که از طرف پروردگار بر ما فرستاده شده اند پیامبران می باشند.

هدف آفرینش انسان بندگی به خداوند و کسب رضایت او می باشد. دنیا که محل امتحان الهی برای انسانها می باشد، می بایست با شیاطین ، دروغ گفتن، خساست، دعوا کردن بدور باشیم. خداوند متعال انسانها را در این راه بدون راهنما نگذارده است. برای آنها راه راست را نشان داده و عقل به آنها عطا کرده است. در دیگر سو از بین آنها رهبرانی برای راهنمایی به راه راست برگزیده است.



پیامبران و صفات پیامبران

ایمان به پیامبران از شش اصل اساسی ایمان محسوب می گردد. ایمان به پیامبران، اعتقاد انتخاب آنها از طرف خداوند به عنوان رسول و قبول درستی تمام علوم آنها می باشد. انکار پیامبران، همچون انکار دین می باشد. زیرا که دین می آموزاند، در کتب الهی و اخباری است که از طرف پروردگار بر ما از طریق پیامبران رسانده شده است.

رسولانی که از طرف پروردگار برای رساندن امر و نهی بر مردم فرستاده شده اند پیامبر گفته می شود. پرودگار متعال، اولین انسان را به عنوان اولین پیامبر رسالت داد. حضرت آدم، فرامین پروردگار را به مردم می رساند. در طول زمان خداوند و آخرت را فراموش کردند و از راه راست خارج شدند. خداوند، برای آگاه کردن آنها پیامبران جدیدی را فرستاد. بعد از حضرت آدم(ع) آخرین پیامبر حضرت محمد (ص) پیامبران بسیاری فرستاده شده است. در حدیث شریف تعداد پیامبران ۱۲۴ هزار فرستاده شده است. در قرآن کریم تنها نام ۲۵ پیامبر آمده و زندگی عبرت آمیز آنها نیز شرح داده شده. اسامی پیامبرانی که در قرآن نام آنها آمده عبارت اند از:

آدم، ادریس، نوح، هود، صالح، لوط، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، شعیب، موسی، هارون، داود، سلیمان، ایوب، یونس، الیاس، ذوالقرینین، زکریا، یحیی، عیسی و محمد سلام علیه اله و سلم.

خداوند متعال پیامبران را از میان مردم انتخاب کرده است. آنها نیز همچون ما می خورند و می آشامند. ازدواج کرده و صاحب فرزند می شوند. بیمار شده و فوت می کنند. اما از دیگر رو پیامبران، از نظر گرفتن وحی از خداوند از ما متفاوت می باشند. آنها به سبب رسول بودن از طرف پروردگار به صورت ویژه انسانهای مبارک می باشند. برای زنده نگهداشتن دین و رساندن این رسالت به مردم مسئول می باشند.

خداوند به هنگام انتخاب پیامبران ویژگی های بخصوصی را به آنها عطا کرده است. در سایه این خصوصیات پیامبران مسئولیتهای محوله را به نحو احسن به انجام می رسانند. تمامی پیامبران صاحب این ویژگی هستند. ویژگی های صفات پیامبران عبارتند از:

پرودگار متعال در قرآن می فرماید:

و برای هر امتی حجتی قرار داده و فرستادیم

(فاطر، آیه ۲۴)

پرودگار متعال در قرآن می فرماید:

پیامبراني كه بشارتگر و هشداردهنده بودند تا براي مردم پس از [فرستادن] پيامبران در مقابل خدا بهانه و حجتي نباشد و خدا توانا و حكيم است

(سوره نساء، آیه ۱۶۵)

صدق	رفتارشان درست و راستگو می باشند.	پیامبران کسانی هستند که در طول زندگی خود دروغ نمیگویند. راستی، خصوصیت اخلاقی می باشد که از طرف انسانها مورد قبول میباشد. اگر دوستمان به ما دروغ بگوید دیگر به او اعتماد نمیکنیم و به او احترام قائل نمیشویم. پیامبرانی که سخنان خداوند را به مردم می رسانند نمیتوانند دروغ بگویند. زیرا کسی که به مردم دروغ بگوید و رفتارش با کردارش مطابق نباشد نمیتواند اعتماد مردم را کسب کند.
امانت	پیامبران قابل اعتماد می باشند	پیامبران امین می باشند یعنی میتوان به آنها اعتماد قائل شد. این خصوصیت خاص سبب اعتماد آنها در این جهان و باور آنها به جهان آخرت را می گردد. اعتماد به رفتار و گفتار می تواند سبب باور آنها به دین و رفتارهای نیک آنها را می گردد.
فطانت	پیامبران دارای عقل و درک والاتر می باشند	در سایه قدرت ذکی پیامبران وحی های که به آنها فرستاده شده را بخوبی درک مینمایند. در برابر پرسشهای که از آنها میگردد میتوانند آنها را قانع و توجیه کنند
عصمت	گناه نکردن پیامبران می باشد	در سایه قدرت ذکی پیامبران وحی های که به آنها فرستاده شده را بخوبی درک مینمایند. در برابر پرسشهای که از آنها میگردد میتوانند آنها را قانع و توجیه کنند
تبلیغ	رساندن امر و نهی که از طرف پروردگار فرستاده شده را بدون کم و کاست را شامل می گردد	هر پیامبر تمامی اوامری را که به او میرسد را بدون کم و کاست به مردم می رساند. پیامبران، با اینکه با مشکلات و سختیها رودررو شده اند ولی با این حال از وظیفه خود دست بردار نبودند. ذاتا اکثر پیامبران در راه رسالت به مرگ تهدید شده اند. حتی حضرت زکریا و حضرت یحیی در این راه جان خود را از دست داده اند و به شهادت رسیده اند.

پیام مشترک پیامبران

بعد از حضرت آدم اولین انسان و اولین پیامبر تا آخرین پیامبر حضرت محمد سلام اله علیه و سلم تمام پیام و رسالتی که پیامبران با خود آورده اند دارای اصول مشترک می باشند. تمامی آنها خداوند، فرشتگان، آخرت، پیامبران و ایمان به قضا و قدر را نشان داده اند. راستگویی، یاری و کمک نمودن و نیکی به مردم و خلق را به گونه عبادت معرفی نموده و وجه مشترک آنها در معرفی اصول اخلاق نیکو میباشد. دروغگویی، حقه بازی، قمار، دزدی، قتل، آسیب به مردم و جامعه در تمامی جوامع ناپسند و رفتار ناپسند محسوب گردیده و قبول می شود.

اصول اولیه و مبانی که پیامبران به آنها اشاره نموده اند عبارتند از:



حفظ دین	دین مهمترین عنصر حافظ هستی جامعه محسوب می گردد. اولین شرط یک دین محکم و سالم باور به خداوند یکتا می باشد. به این دلیل تمامی پیامبران امت خود را یکتا پرستی و بندگی تنها به درگاه او را دعوت نموده اند. توحید، یعنی وحدانیت خداوند، پیام مشترک تمام پیامبران میباشد.
حفظ زندگی	طول عمر انسان بسیار کوتاه می باشد. قتل بدون گناه هر موجود گناه بسیار بزرگ محسوب میگردد. در قرآن کریم «قتل یک شخص، قتل یک جامعه محسوب میگردد» اظهار شده است
حفظ عقل	هرگونه خوراکی و نوشیدنی که سبب ذایل شده عقل و سلامتی گردد ممنوع شده است. اینگونه خوردنی و نوشیدنی ها حرام می باشند.
حفظ نسل	رشد نسلهای معتقد و اخلاقی، از طریق حفظ خانواده امکان پذیر میباشد. از این رو گناهانی همچون زنا، فاحشگی و رفتارهای ناشایست که سبب از هم پاشیدن خانواده می گردد را ممنوع گردانده است.
حفظ اموال	پیامی که پیامبران آورده اند کار و عرق جبین را مقدس می دانند. دست مزد کاری شخص و اموالی که کسب می کند و حق آن را به دست خود سپرده است. رفتارهای همچون دزدی، غصب، راهزنی، رشوه را منع نموده است.

آنچه ایمان به پیامبران برای ما به ارمغان می آورد

پیامبران

- خداوند متعال را می شناسد
- چگونگی عبادت به درگاه خداوند را برای ما می آموزاند
- درمورد آخرت جایگاه ابدی ما آگاهی می دهند
- در ایجاد تمدن قدم پیش نهاده اند
- الگوی زیبا در مورد رفتار و اخلاق نیکو برای ما میباشند

وقتی جهان هستی را مورد بررسی قرار میدهیم در آن نظم و نظامی دقیق را مشاهده می کنیم. می دانیم که این نظام بسیار دقیق بطور اتفاقی به وجود نیامده است. از این طریق می توانیم نتیجه بگیریم که کائنات و موجودات آن از طرف خالقی بزرگ خلق گردیده است. اما از چگونگی این خالق، ویژگی ها و خصوصیات او و مرحمت، کمک او بی اطلاع میباشیم. پیامبران اشخاص برگزیده ای هستند که برای راهنمایی و دادن آگاهی به ما در این زمینه از طرف خداوند انتخاب شده اند و راهنمایان الهی محسوب می گردند. ما پروردگار متعال را از طریق آنها می شناسیم.

خداوند متعال می فرمایند

{ابراهیم به قوم خود چنین گفت} قطعا همه آنها جز پروردگار جهانیان دشمن من هستند ' آن کس که مرا آفریده و او مرا راهنمایی مي‌کند و آن کس که او به من خوراك مي‌دهد و سيرابم مي‌گرداند و چون بيمار شوم او مرا درمان مي‌بخشد و آن كس كه مرا مي‌ميراند و سپس زنده‌ام مي‌گرداند

(سوره شعراء، آیه ۸۱-۷۷)

هدف از آمدن به این جهان و شناخت خداوند و سایر موجودات را خواهانیم. اما چگونگی عبادت به درگاه خداوند را نمیدانیم. به این سبب خداوند، پیامبران را بر ما مبعوث نمود و راههای بندگی به خداوند را پیامبران بر ما آموختند. چگونگی عبادت به درگاه پروردگار را آنها به ما یاد می دهند.

پیامبر اکرم می فرماید

چگونگی خواندن نماز مرا می بینید، شما نیز همچون من نماز بجای آورید.

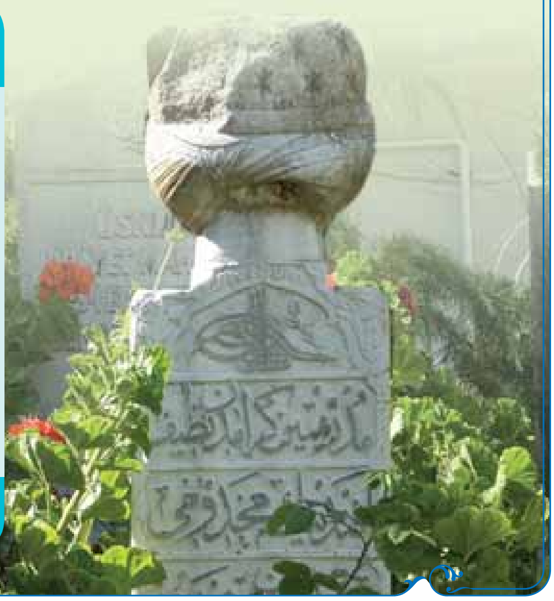
(بخاری، احاد، ۱)

در مورد زندگی بعد از مرگ تنها منابع موثق کتابهای الهی و پیامبران می باشند. خداوند متعال برای ما در مورد زندگی بعد از مرگ از طریق پیامبران آگاهی می دهد. پیامبران در مورد چگونگی موضوعاتی که بعد از مرگ با آنها رودررو خواهیم شده خبر میدهند. در مورد پاداش و اجری که از طریق رفتارهای نیک و خوبمان به ما تعلق خواهد گرفت مطلع خواهند نمود. پیامبران در جهان برای ما راهنمایی کرده و در مورد جایگاه ابدی ما خبر می دهند.

پیامبر عزیز می فرماید

خداوند، بدون بکارگیری مترجم با شما سخن خواهد گفت. شخص به سمت راست و چپ خود می نگرد، و کارهای که انجام داده را مشاهده می کند. به روبرو نگاه می کند و تنها جهنم را می بیند، اگر با نصف خرما هم که شده از جهنم دوری برگزینید

(بخاری، زکات ۹).



پیامبران، مردمی پیشرو می باشند و رهبری آنها از طریق وحی پشتیبانی می گردد. با هنر، کشاورزی، تجارت و سایر مشاغل مشغول بودند. در به وجود آمدن تمدنها و آرامش دادن به مردم پیش قدم بودند. بطور کلی تلاش دارند هم در این جهان و هم در آن جهان آنها را خوشبخت نمایند. ساختن کشتی توسط نوح، ذوب آهن توسط حضرت داود و استفاده از آن در قرآن کریم به عنوان نمونه ارائه شده است.

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

به راستي داوود را از جانب خويش مزيتي عطا كرديم و گفتيم اي كوهها با او در تسبيح خدا همصدا شويد و اي پرندگان هماهنگي كنيد و آهن را براي او نرم گردانيديم كه زرههاي فراخ بساز و حلقهها را درست اندازهگيري كن و كار شايسته كنيد زيرا من به آنچه انجام ميدهيدبينا هستم

(سوره سبا، آیات ۱۰-۱۱).



خداوند متعال می فرماید:

و زير نظر ما و به وحي ما كشتي را بساز و در باره كساني كه ستم كردهاند با من سخن مگوي چرا كه آنان غرق شدنياند

(سوره هود، آیه ۳۷).

خانواده و اطرافیانمان در ایجاد رفتار و اخلاق ما بسیار تاثیر گذار می باشند. از زمان کودکی پدر و مادرمان، معلمین، بزرگان و مردمی که آنها را دوست می داریم می توانند به عنوان الگو باشند. از رفتار آنها تحت تاثیر قرار می گیریم، افراد خوب را خداوند متعال به عنوان الگو پیامبران را بر ما مبعوث نموده است. پیامبران، حق، عدالت، راستی، تلاش و خوشبینی، عفو، مهربانی و محبت را به ما یاد می دهند. رفتار و اخلاق نیک آنها برای ما بهترین الگو محسوب می گردد.

خداوند متعال می فرماید

سوگند یاد کنیم که در پیامبران الگویی زیبا برای شما وجود دارد

(سوره ممتحنه، آیه ۶)

در زندگی پیامبران الگوهای بسیار زیبا وجود دارد

خداوند متعال زندگی، و اخلاق نیک پیامبران را برای انسانها نمونه و الگو قرارداده است.

قصص پیامبران در قرآن، همچنین، پیامبر اکرم سلام اله علیه را برای سایر پیامبران دلیل قرار داد. زیرا، او، پیامبر اعم بود. فردی که سواد خواندن و نوشتن را دارا نمیباشد، نمیتواند زندگی سایر پیامبران را به نحو مناسب شرح دهد. این دانش را یا از منبعی کسب نموده و یا این موضوعات از طریق دیگر به او آموخته شده است. این منبع لایزال از طریق خداوند و وحی است که از طرف او نازل شده. این واقعت در قرآن به ما اینگونه شرح داده شده است:

«ای محمد! پیش از تو چندین پیامبر مبعوث نمودیم. کسانی از آنها را برتو شناساندیم و کسانی دیگر را نشناساندیم». (سوره مومن، آیه ۷۸).

حال بعضی از پیامبرانی که در قرآن از آنها یاد شده و بخش کوتاهی از زندگی آنها را برایتان به عنوان نمونه ارائه می کنیم:

خداوند متعال می فرماید

سوگند یاد می کنیم که به راستی در قصص پیامبران برای صاحبان عقل سلیم عبرتهای بسیار وجود دارد

(سوره یوسف، آیه ۱۱۱).

حضرت آدم (ع)

اولین انسان و پیامبر می باشد. خداوند، سخن گفتن و نام نهادن بر چیزها را آموخت. خداوند متعال، بر فرشتگان به عنوان احترام امر فرمود که بر او سجده نمایند. بغیر از ابلیس، تمام فرشتگان بر او سجده کردند. ابلیس، سوگند یاد کرد که انسانها را از راه راست خارج نماید. و پروردگار نیز تا روز قیامت به او اجازه زندگی و حیات داد. و انسان را از انحرافاتی که از طرف شیطان به او وارد می شود هشدار داد. حضرت آدم و حضرت حوا که در بهشت زندگی میکردند با وسوسه شیطان از میوه ممنوعه تناول کرده و از بهشت به زمین هبوط نمودند. حضرت آدم و همسرش، با اطاعت حرفهای شیطان رفتار ناپسندی را در پیش گرفتند. ولی هنگامی که از کار خود پشیمان شدند فورا توبه نمودند. سالهای طولانی گریه و زاری نمودند. پروردگار توبه حضرت آدم و حوا را قبول نمود و آنها را عفو کرد.

زندگی حضرت آدم علیه سلام، به عنوان اشرف مخلوقات و جای گرفتن در درگاه خداوند متعال بسیار مهم می باشد. عفو، آدم بعد از خوردن میوه ممنوعه، رحمتی است از طرف خداوند بر بندگان خود. بدین ترتیب خداوند، تا روز قیامت توبه را به انسان و بشر یاد داد.

حضرت آدم، با توبه از گناهان کرده خود و مورد عفو قرار گرفتن او برای ما الگویی بسیار نیک محسوب می گردد.

حضرت نوح (ع)

یکی دیگر از پیامبرانی که برای راهنمای بشریت مبعوث گردیده حضرت نوح می باشد. قوم نوح، از راه راستی که پیامبران قبل از او نشان داده بودند خارج شده و راه پلیدی سوق یافته بودند. ظالمان مظلومان را تحت ستم قرارداده و مردم بتهای که به دست خود ساخته بودند را می پرستیدند. نوح پیامبر، مردم را به خداوند وحدانیت دعوت نمود. آنها را به راه راست و بندگی تنها به خداوند را توصیه نمود و تلاش بسیار در این راه نمود. آنها حضرت نوح را مورد تمسخر قراردادند. اما او، دست از دعوت بر نداشت. ۹۵۰ سال مردم را به دین خداوند دعوت کرد. شبانه روز راه راست را نشان داد. اما تعداد کسانی که به او ایمان آوردند بیش از صد نفر نگردید.

کافران با حضرت نوح بحث بسیار می کردند. دست به هرگونه آزار و اذیت بر او میزدند. هنگامی که حضرت نوح از عذاب الهی آنها را می ترساند می گفتند: ای نوح! آن عذابی را که می گوییم نشان ده! چه عذابی منتظر ماست!». و مورد تمسخر قرار میداند.

نوح علیه سلام، از کرده قوم خود بسیار ناراحت بود. در نهایت، خداوند بر نوح امر فرمود تا کشتی بزرگی را بسازد، هر کس که به او ایمان آورده بود و از هر حیوان دو جفت را کشتی نشاند. ماهها زیادی باران بارید. و سطح زمین را آب پوشاند. نوح و کسانی که به او ایمان آورده بودند نجات یافتند. کافرانی که می گفتند ، عذاب نوح کجاست؟ و مردمی که ایمان نیاورده بودند در آب غرق شدند. بعد از قطع باران کشتی نوح برروی کوه جودی نشست. حضرت نوح و کسانی که با او همراه بودند به سلامت از آن فرود آمدند. انسانها و حیواناتی که بعد از نجات یافتن از طوفان برروی زمین پراکنده شدند. به این دلیل حضرت نوح را »پدر دوم انسان« نیز میخوانند.

تلاش و صبری که حضرت نوح در راه تبلیغ دین از خود نشان داد برای ما الگو بسیار نیک محسوب می گردد.



ابراهیم (ع)

ابراهیم پیامبر، از پیامبران بزرگی می باشد که خداوند او را با عنوان «خلیل(دوست)» یاد کرده است. حضرت ابراهیم، در اوان جوانی به وحدانیت و یکتایی خداوند ایمان آورده بود. اما پیش از همه پدرش آذر، مردم بابل، به سخنان حضرت ابراهیم ایمان نداشتند. با این حال ابراهیم پیامبر، با پدر خود رفتار خوب داشت.

حضرت ابراهیم، با نمرود پادشاه آن دوران نیز مبارزه بسیار کرد. نمرود، با قدرت و ثروتی که داشت خود را خدا و رب می دانست. کسانی که به او باور نداشتند به عنوان مختلف مورد شکنجه قرار میداد. حضرت ابراهیم نمرود را به دین حق دعوت نمود و به او گفت از خدایی دست بردارد. از او خواست تا به کسی که هر چیز را هیچ آفرید و مرگ و زندگی بخشیده است ایمان آورد. نمرود نیز این ادعا را به خود مختص دانست. و برای اثبات آن دو نفر را پیش خواند. یکی را کشت و دیگری را آزاد نمود. و گفت: ببین، من نیز مرگ و زندگی مردم را در دست دارم.

این بار حضرت ابراهیم گفت:

-خداوند خورشید را از شرق طلوع می کند، تو نیز خورشید را از غرب طلوع نما. نمرود متعجب گردید.

در روز عید، مردم به محل جشن رفته بودند. ابراهیم از این فرصت استفاده کرده و به بتخانه وارد شده و تمام بتها را شکست و تبر را بر گردن بت بزرگ گذارد.

مردمی که از جشن باز می گشتند بتخانه را همچون خرابه دیدند و عصبانی شدند. در حال به نظرشان ابراهیم (ع) و سخنان ایشان رسید. ابراهیم را فراخواندند. ای ابراهیم! آیا تو اینکار را انجام داده ای؟

حضرت ابراهیم نیز گفت:

در این صورت آنچه که برای خود و شما فایده ای ندارد را چرا می پرستید؟ شما خداوند را رها کرده، بر شما چه شده؟ آیا به عقل خود رجوع نمی کنید؟

بت پرستان در برابر پاسخ منطقی حرفی برای گفتن نداشتند. اما از راه راست بدور بودند و تصمیم گرفتند حضرت ابراهیم را در آتش نیندازند.



آتش فراهم کرده، حضرت ابراهیم را کافران با منجنیق به آتش انداختند. اما خداوندی که بر هر چیز مالک و صاحب است گفت: ای آتش! در برابر ابراهیم سرد و بدون ضرر باش(سوره انبیاء، آیه ۶۹). آتش این امر را اطاعت کرد و ابراهیم بدون اینکه بسوزد از آن خارج گردید. مردم وقتی دیدند که آتش بر ابراهیم اثر نکرد بسیار متعجب گردیدند.

بعد از این اتفاق، از بابل خارج شد. به مصر و قدس سفر کرد. با همسر خود هاجر در قدس سکنا گزید. با همسر دیگر خود سارا در مکه و فرزندش اسماعیل سکنی گزید. سپس در شهر مکه با پسرش اسماعیل کعبه را بنا نهاد. دینی که حضرت ابراهیم با خود آورده بود دین وحدانیت و یکتا پرستی بود.

حضرت ابراهیم نیز گفت:

بلکه این کار را این بت بزرگ کرده است! اگر می تواند سخن بگوید از او بپرسید.

مردم گفتند: بتها بیجان هستند و نمی توانند سخن بگویند. حضرت ابراهیم، باور توحید را دوباره بر آنها گوشزد کرد و گفت:

در این صورت آنچه که برای خود و شما فایده ای ندارد را چرا می پرستید؟ شما خداوند را رها کرده، بر شما چه شده؟ آیا به عقل خود رجوع نمی کنید؟

بت پرستان در برابر پاسخ منطقی حرفی برای گفتن نداشتند. اما از راه راست بدور بودند و تصمیم گرفتند حضرت ابراهیم را در آتش نیندازند.

آتش فراهم کرده، حضرت ابراهیم را کافران با منجنیق به آتش انداختند. اما خداوندی که بر هر چیز مالک و صاحب است گفت: ای آتش! در برابر ابراهیم سرد و بدون ضرر باش(سوره انبیاء، آیه ۶۹). آتش این امر را اطاعت کرد و ابراهیم بدون اینکه بسوزد از آن

حضرت ابراهیم با بررسی نظام و نظمی که در کائنات وجود دارد به وجود خداوند متعال اندیشه نمود که این رفتار خوب برای ما الگو می باشد.

خارج گردید. مردم وقتی دیدند که آتش بر ابراهیم اثر نکرد بسیار متعجب گردیدند.

بعد از این اتفاق، از بابل خارج شد. به مصر و قدس سفر کرد. با همسر خود هاجر در قدس سکنا گزید. با همسر دیگر خود سارا در مکه و فرزندش اسماعیل سکنی گزید. سپس در شهر مکه با پسرش اسماعیل کعبه را بنا نهاد. دینی که حضرت ابراهیم با خود آورده بود دین وحدانیت و یکتا پرستی بود.



حضرت یوسف(ع)

حضرت یوسف، یکی از فرزندان یعقوب پیامبر بود. بسیار عاقل و دوست داشتنی بود. در سنین کودکی، به دلیل حسادت به او برادرانش او را در چاه انداخته و به دروغ گفتند که «گرگ او را خورد است». کاروانی که از چاه آب می کشید او را پیدا کرده و به کاخ بزرگ مصر راه یافت و در آنجا برده گردید. در کاخ با افترا رودررو گردید و به زندان افکنده شد. حضرت یوسف در سنین جوانی مدتهای مدید در زندان حسب گردید.

خداوند متعال به حضرت یوسف توانایی تعبیر خواب داده بود، در زندان خواب دوستانش را تعبیر می کرد، آنها را به وحدانیت و احدیت خداوند دعوت می کرد. روزی او را برای تعبیر خواب پادشاه به کاخ فرا خواندند و از او تعبیر خواب پادشاه را جویا شدند. یوسف پیامبر گفت تعبیر خواب تو این است که هفت سال در کشور رفاه و محصول زیاد خواهد بود و بعد از هفت سال قحطی بسیار شدید کشور را فرا خواهد گرفت. از تعبیر خواب یوسف پادشاه بسیار خوشنود گردید و دید که او را بدون گناه به زندان انداخته است. او را از زندان بدر آورد و به خزانه داری مصر برگزید.

در سالهای قحطی یوسف برادران خود را که برای گرفتن سهمیه گندم آمده بودند شناخت. پدر و مادر و برادرانش را به مصر دعوت کرد و برادران خود را عفو نمود. به آنها نیکی بخشش و عفو را نشان داد.

زندگی حضرت یوسف از قصص بسیار زیبای قرآن محسوب می گردد. در سوره یوسف جدایی و وصال که برای هر انسان می تواند روی دهد به بهترین نحو شرح داده شده است. حس حسادت چگونه انسانها را به ورطه فلاک می تواند بکشد را نیز در این داستان به خوبی می توانیم درک نماییم.

> عفو و بخشش در برابر بدیها از طرف حضرت یوسف بهترین الگو برای ما می تواند محسوب گردد

حضرت موسی (ع)

از پیامبرانی که خداوند بر قوم بنی اسرائیل مبعوث نمود حضرت موسی می باشد.

فرزندان اسرائیل که از نسل حضرت یعقوب بودند که در زمان او در مصر سکنی گزیدند. در طول زمان احترام خود را از دست دادند و به عنوان برده به کار مشغول گردیدند.

به فرمانروایان مصر «فرعون» گفته میشد. به هنگام تولد حضرت موسی فرعون فرمان ظالمانه ای داد. دستور داد تا تمام نوزادان پسر از قوم بنی اسرائیل بر کشند. خداوند متعال به مادر حضرت موسی فرمان داد تا او را در صندوقچه ای گذارده و در آب رود نیل رها کند. او می دانست که در آینده پسرش یکی از جادوگران و پیامبران مصر خواهد شد. صندوق رها شده به حال خود در رود نیل، از طرف همسر فرعون پیدا و به کاخ فرعون آورده شد. بدین ترتیب فرعون به دست خود پیامبر و شخصی که مردم را از دست فرعون رها خواهد کرد را پرورش داد.

حضرت موسی کودکی خود را در کاخ گذراند. در دوران جوانی از مصر خارج شده و به مدین کنار حضرت شعیب آمد. در مدین با دختر حضرت شعیب ازدواج نمود و با خانواده خود به مصر بازگشت و در کوه تور از طرف خداوند به پیامبری مبعوث گردید. در کوه طور از طرف خداوند به او وحی نازل گردید و امر گردیده تا فرعون را به دین و وحدانیت خداوند دعوت کند. برادر خود را به عنوان کمک برای خود انتخاب نمود.

حضرت موسی به همراه برادر خود هارون به پیش فرعون آمد و اوامر خداوند را بر او بازگو کرد. فرعون شخصی خودپسند و متکبر بود.

او فکر می کرد که تمام قدرتها در دست اوست و به خداوند نافرمانی می کرد. حضرت موسی برای او چندین



معجزه از خود نشان داد تا او نیز خداوند را بپذیرد. فرعون گفت که همگی اینها سحر و جادو می باشد و او را به مسابقه با سایر جادوگران دعوت کرد. حضرت موسی این موضوع را قبول نمود. جادوگران فرعون، طناب و چوب دستی های خود را بر زمین افکندند. با سحر خود به مار بدل کردند. حضرت موسی نیز به امر خداوند بر زمین افکند و تبدیل به مار بزرگی شد که همه مارهای دیگر را بلعید. بدین ترتیب سحر بازان به خداوند ایمان آوردند. فرعون آنها را تهدید نمود اما آنها از ایمان خود روی گردان نشدند. دست و پای آنها را بطور چپ و راست بریده و آنها را به شهادت رساند.

فرعون می خواست حضرت موسی و کسانی که به او ایمان داشتند را از بین ببرد. زمانی که این موضوع برای مشخص گردید بنی اسرائیل به همراه حصرت موسی از مصر خارج شد. بنی اسرائیل و حضرت موسی در مقابل با دریا و در پشت با لشکر فرعون مواجه بودند. خداوند با معجزه ای، دریا را باز کرد و راهی از آن برای قوم بنی اسرائیل فراهم نمود. وقتی مردم از آن عبور کردند دریا دوباره به حالت اول خود بازگشت. لشکر فرعون که آنها را تعقیب می نمود در آب غرق گردید.

حضرت موسی با فرعون مجادله و مبارزه نمود. بنی اسرائیل، از ظلم فرعون رهایی یافته و حضرت موسی تا پایان عمر به آموزه های تورات و هدایت مردم مشغول بود.

حضرت موسی برای نشان دادن مبارزه با ظالمان و کسانی که نعمت خداوند را پیمال می کنند الگویی خوب و زیبایی بشمار می آید.

حضرت عیسی(ع)

مادر حضرت عیسی الگوی زیبا بود و از خانواده عمران بشمار می آمد. همسر عمران حانی، فرزند خود را برای خدمت به خداوند احسان نمود. هنگامی که کودک به دنیا آمد نام او را مریم نهاد. برای اطاعت از فرمان خداوند برای خدمت کاری او را به مسجد اقصی گذارد. حضرت مریم، تحت نظر شوهر عمه خود حضرت زکریا مشغول خدمت در معبد گردید و به دور از هر گونه پلیدی و با پاکی تمام در آنجا زندگی نمود.

حضرت مریم در مسجد اقصی در اتاقی که مخصوص به وی بود مشغول عبادت شده و تمیزی مسجد را عهده دار گردید. روزی حضرت جبرئیل بر حضرت مریم نازل شد و مژده اینکه او صاحب فرزند پسر خواهد شده را به او داد. حضرت مریم عفت خود را به او خاطر نشان کرد و در مورد اینکه ازدواج نکرده و فرزند دار شدنش بسیار نگران بودن خود را گوشزد نمود. جبرئیل علیه سلام، در مورد اینکه هر آنچه که خداوند می خواهد اتفاق خواهد افتاد به او یادآور گردید. بدین ترتیب حضرت عیسی بدون اینکه پدر داشته باشد با معجزه ای به دنیا آمد.

بنی اسرائیل، در مورد اینکه حضرت عیسی بدون پدر می باشد را باور نکردند و با گفتن اینکه حضرت مریم «کاری بسیار ناپسند انجام داد است» او را مورد شماتت قرار دادند. حضرت مریم، با نشان دادن کودک تازه متولد شده از آنها خواست تا با کودک سخن بگویند. بنی اسرائیل به او گفتند که کودک چگونه می تواند حرف بزند! ولی به معجزه خداوند کودک در آغوش مادر شروع به حرف زدن نمود و اینگونه گفت:

حضرت عیسی بین مردم به اخلاق نیک، مهربان و برداری، دوری جستن از کارهای بد، مشهور بود.

کودک گفت منم بنده خدا به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم مرا با برکت‌ساخته و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است و درود بر من روزي كه زاده شدم و روزي كه مي‌ميرم و روزي كه زنده برانگيخته مي‌شوم اين است [ماجراي] عيسي پسر مريم [همان] گفتار درستي كه در آن شك مي كنندخدا را نسزد كه فرزندي برگيرد منزه است او چون كاري را اراده كند همين قدر به آن مي گويد موجود شو پس بي‌درنگ موجود مي‌شود و در حقيقت‌خداست كه پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستيد اين است راه راست(سوره مریم، آیات ۳۰-۳۶).

همانگونه که خداوند حضرت آدم و حوا را بدون پدر و مادر از خاک آفرید، حضرت عیسی را بدون پدر خلق نمود. حضرت عیسی، هنگامی که به سن سی سالگی رسید از طرف خداوند به مقام پیامبران العظم رسیده و معجزات بیشماری از خود نشان داد. با این حال مردم بسیار کمی که به آنها حواریان گفته می شده کمتر کسی به او ایمان آورد.

یهودیان، حضرت عیسی و حواریان را مورد اذیت و آزار قرار داده و آنها را تا حد مرگ تهدید کردند. ولی خداوند حضرت عیسی را از دست آنها نجات داد. یهودیان، شخص دیگری را که شبیه حضرت عیسی بود به صلیب کشیدند. و گفتند: «عیسی پسر مریم را گشتیم». در حالی که حضرت عیسی را نه بلکه فرد دیگری را کشته بودند. خداوند متعال، حضرت عیسی را به بارگاه خود رساند.



حضرت محمد(ع)

آخرین و ختم رسل حضرت محمد علیه سلام میباشد. خداوند در سوره احزاب آیه ۴۰ می فرماید: او آخرین پیامبر و رسول خداوند می باشد» و آخرین و ختم رسالت بودن او را بر ما تاکید کرده است.

مردم قبل از آمدن پیامبر از راه حق دور شده بودند. اخلاق از هم پاشیده بود. ظلم و نا عدالتی بسیار بود. کسانی که دارای قدرت بودند ضعفا را تحت ستم قرار می داند. خوردن مشروب و قمار رواج داشت. دزدی و تعرض به حقوق دیگران از کارهای روزانه مردم بود که در حق یکدیگر انجام می داند. انسانها به دنبال کسی بودند که آنها را از راه نادرست و غلط رهایی دهد. در این چنین زمانی حضرت محمد سلام اله و علیه پیامبری که برای تمام ابنا بشری بود مبعوث گردید.



حضرت محمد در سال ۵۷۱ در مکه به دنیا آمد. نام مادر بزرگوارش آمنه و نام پدرشان عبدالله بود. پدرش قبل از تولد او چشم از جهان بسته بود و بعد از تولد پیامبر به زنی به نام حلیمه به عنوان مادر شیری داده شد. پیامبر در کنار مادر شیری خود روزهای بسیار خوبی را گذراند. در شش سالگی مادرش آمنه وفات نمود. بعد از وفات مادرشان پیامبر پیش پدربزرگ عبدالمطلب ماند. بعد از دو سال او نیز وفات نمود و ابو طالب عموی پیامبر عهده دار تربیت او گردید. پیامبر دوران کودکی را پیش عموی خود گذراند. پیامبر به او کمک می کرد و در مواقعی چوپانی می کرد.

از سایر کودکان بسیار متفاوت بود. از راه راست جدا می شد. بتها را پرستش نمیکرد. برای همه کمک و یاری می رساند. اعتماد مردم را به خود جلب نمود بود. به این دلیل به محمد امین مشهور گردیده بود.

پروردگار در قرآن می فرماید:

ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداشهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی، ولی اکثر مردم نمیدانند

(سوره سبا، آیه ۲۸)

پیامبر به همراه عموی خود ابوطالب به تجارت مشغول بود و در سن ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه ازدواج نمود.

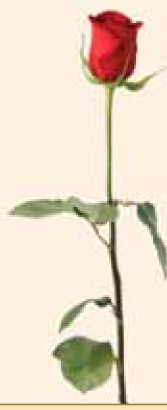
هنگامی که پیامبر به سن ۴۰ سالگی رسید به کوه حرا در نزدیکی مکه می رفت. در یکی از ماههای رمضان هنگامی که در غار حرا بود جبرئیل علیه سلام بر او نازل شد. به او مژده پیامبری داد و پیامبر این وضعیت را به همسر خود حضرت خدیجه شرح داد. حضرت خدیجه فورا پیامبری او را قبول نمود. بعد از او حضرت علی و حضرت زید و حضرت ابوبکر مسلمان شدند.

پیامبر بعد از آن مردم مکه را به اسلام دعوت نمود. بعضی از آنها اگرچه مسلمان شدند ولی بسیاری او را قبول نداشتند. حتی در مواقعی به شکنجه کردن مسلمانان مشغول شدند. در طول این مدت پیامبر و اصحاب او تحت شکنجه و مشکلات بسیاری قرار گرفتند. مدت زمان دعوت در مکه ۱۳ سال طول کشید.

برای ترویج و گسترش اسلام پیامبر و اصحاب او در سال ۶۲۲ از مکه به مدینه کوچ کردند. پیامبر در مدینه به مدت ۱۰ سال زندگی نمود. در دوران مدینه مسجد ساخت. به کسانی که در مدینه بودند انصار و به مردم مکه مهاجران گفته می شد. تمامی آیات قران در طول این مدت برای پیامبر نازل گردید.

پیامبر برای حکمرانان کشورهای اطراف نیز پیام فرستاده و آنها را به دین اسلام دعوت نمود. در سال ۶۳۰ مکه را فتح نمود و کعبه را از بتها پاک نمود و اسلام در تمامی شبه جزیره گسترش یافت. در سال ۶۳۲ حج وداع را به جای آورد و سخنانی که برای تمامی بشریت دارای اهمیت بود را در آنجا بیان نمود. و در همان سال در سن ۶۳ سالگی در مدینه وفات نمود.

پیامبر اکرم، دوست داشتنی ترین بنده خداوند بود. خداوند اخلاق زیبای او را بدین صورت شرح داده است که «ای رسول خداوند، در پیامبر بهترین الگو وجود دارد(سوره احزاب، آیه ۲۱).



پیامبر اکرم، تمامی اخلاق زیبای دیگر پیامبران در او جمع بود و رفتار ایشان الگوی بشری محسوب می گردد.

ای پرورد گاری که آفریننده تمامی هر آنچه که در زمین و آسمان است! تو از میان مردم پیامبران را انتخاب نمودی و آنها را برای ما به عنوان الگو قرار دادی، ما نیز دست نیاز به سوی تو باز نمودیم، پرورد گارا ما را همچون

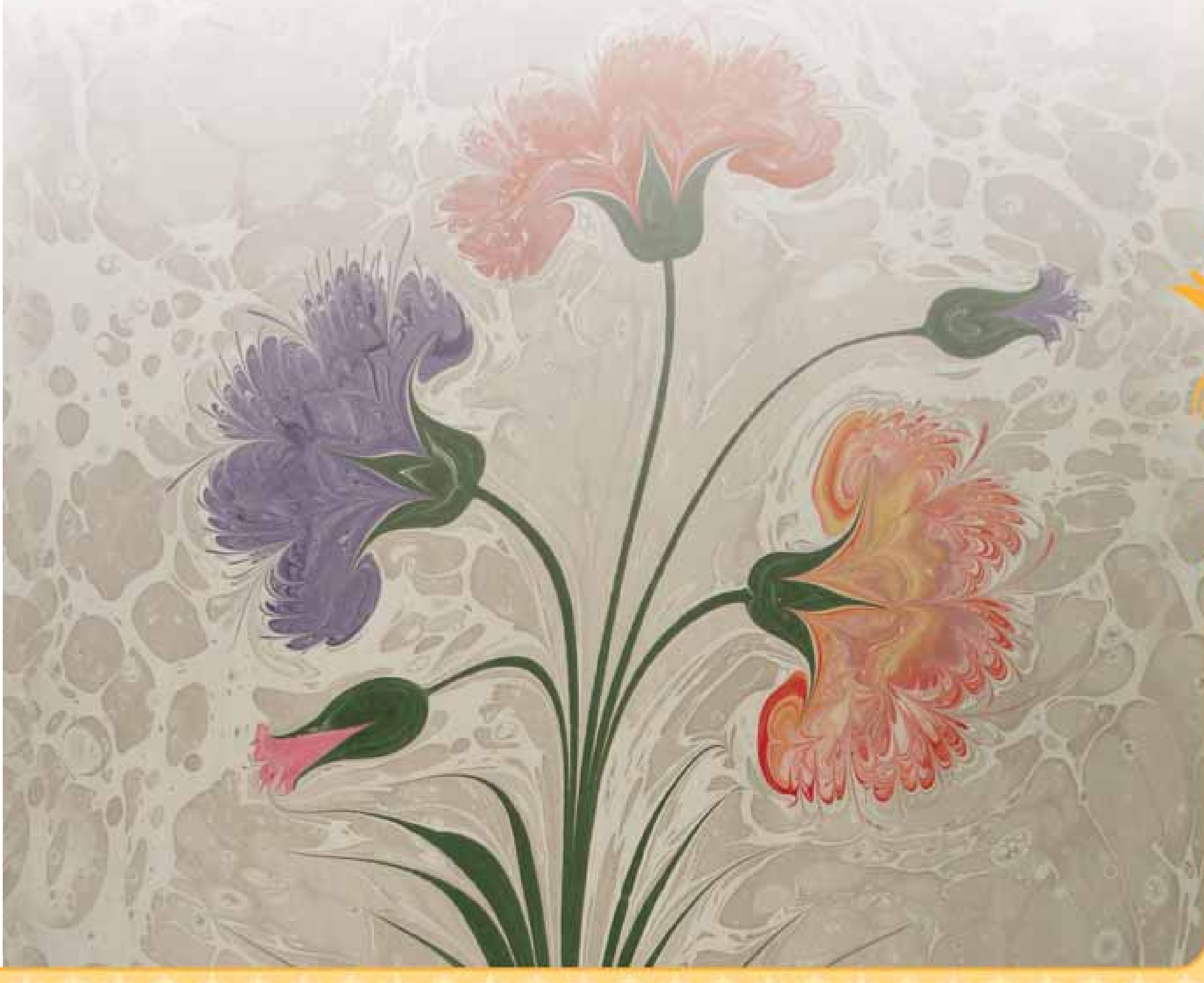
آدم	علیه سلام	توبه کننده از گناهان با صدق دل	بند گانی قرار ده
ادریس		جای گرفتن در مرتبه ای از مراتب تو	
نوح		برای درک دین تو تلاش و جد تمام	
هود		در صف مدافع ستمدید گان در برابر ستمکاران	
صالح		عادت بیماران و پناه مظلومین و ضعفا	
لوط		تلاش در برابر بد اخلاقی	
ابراهیم		اطاعت از اوامر تو	
اسماعیل		جسارت و فدا نمودن جان برای کسب رضای تو	
اسحاق		راهنمای مردم به راه راست	
یعقوب		نا امید نبودن از درگاه تو	
یوسف		پاکدامن	
شعیب		درست	
موسی		استوار در نشان دادن راه راست به ظالمان و کافران	
هارون		کمک به مردمی که به راه راست می روند	
داود		عاشق عبادت کردن تو	
سلیمان		اعطا کردن مال و جان در راه تو	
ایوب		صبور	
ذو الکفل		جای گرفتن در درگاه تو بین انسانهای خوب	
یونس		یاد تو در غنی بودن و نداری	
الیاس		یاد امور خیر	
الیِسّا		از صالحین بودن	
زکریا		دعا از جان و دل	
یحیی		شهادت در راه تو	
عیسی		دوری از هواهای نفسانی پلید	
محمد		دارا بودن اخلاق قرآنی	

پیامبر اکرم و پیامبران

محمد مصطفی صلی الله‌علیه‌وآله‌وسلم، آخرین پیامبری است که به بشریت فرستاده شده است. در حالی که پیامبران قبلی به جوامع و نژادهای مشخصی در دوران حیات خود مبعوث شده بودند پیامبر ما به تمای انسانها که تا قیامت خواند آمد فرستاده شده است. به همین سبب پیامبر ما هنوز در زمان حیات خود جهت تبلیغ دین اسلام نامه ها و نمایندگانی به کشورها و مناطق مختلف گسیل داشته اند. پادشاهان دو امپراطوری بزرگ آن زمان یعنی ایران و بیزانس را به اسلام دعوت نموده است، مسلمان شدن آنها به همراه مردمانشان را خواستار شده اند. امروز هم گسترش این دعوت مقدس وی به جهان و رسانیدن آن به انسانها، وظیفه مسلمانان است.

پیامبران منتخب خداوند، برای شادی انسانها تلاش نموده اند. با گفتن جمله "پاداش ما را فقط خداوند می دهد" به خاطر وظیفه ای که انجام می دهند پاداشی از کسی طلب نکرده اند. پیامبر عزیز ما نیز رسالت پیامبری خود را کاملا بجای آورده و سبک زندگی ذکر شده در قرآن مبارک را داشته است. در این راه هر گونه تلاش و فداکاری را انجام داده است. در پرتو آیات قرآن کریم، جامعه ای الگو و با آرامش تشکیل داده است.

رسالت پیامبران، دعوت انسانها به خداوند و نشان دادن راه درست به آنهاست. در قرآن کریم زندگی پیامبران و تلاشهایی که برای انسانها انجام داده اند را مطالعه می نماییم. حقیقتها و رفتارهای زیبای غیر قابل تغییر در طی



اعصار را می آموزیم. تمامی پیامبران سفیرانی هستند که از یک منبع واحد آمده و همه را به یک دعوت واحد فرامی خوانند. پیامبر عزیز ما "تمامی پیامبران را از یک منبع، تمامی ادیان را دین واحد و وجه تقارب ادیان را همانند کودکان یک مادر" می دانند. به همین سبب تمامی پیامبران از حضرت آدم تا حضرت محمد با تایید و حمایت یکدیگر پا به منصه ظهور گذاشته اند. هیچ پیامبری سایر پیامبران را تکذیب نکرده است. آمدن مبلغان دین حق یعنی پیامبران ضمن حمایت یکدیگر را پیامبر عزیز ما با مثالی این چنین بیان می کند:

«وضعیت من و سایر پیامبران شبیه این است: یکی خانه ای بسیار زیبا می سازد. خانه به پایان می رسد؛ تنها در گوشه ای از خانه جایی به اندازه یک آجر خالی می ماند. افرادی که بعدا به بازدید از خانه پرداخته و متحیر در آن می مانند با نشان دادن محل ناقص در آن می گویند: کاشکی این یک جای آجر هم اینجا خالی نمی ماند!. همان آجر ناقص من هستم، من آمدم و خاتم پیامبران شد.(بخاری، مناقب، ۱۸).»

پیامبر عزیز ما همیشه از پیامبران پیش از خود با محبت و احترام یاد می کرد. با بر زبان آوردن نام آنها عبارات "پیامبر خدا" و یا "برادرم" را اضافه می نمود. مثلا به هنگام بحث در مورد حضرت موسی با گفتن "برادرم موسی" شروع به سخن می گفت.

در برگشت از طائف از غلام مسیحی عداس ولایتش را پرسیده بود. عداس با گفتن اینکه من از نینوا (موصل) هستم، چنین پرسیده بود: "آیااز شهر برادرم یونس هستی؟". سپس عداس غلام را مورد لطف خود قرار داده و سپس وی را به باور توحیدی حضرت یونس دعوت کرده بود. عداس غلام با پاسخ مثبتی که به دعوت پیامبرمان داده مسلمان شده بود.

پیامبر عزیز ما از رفتارهای پیامبران پیش از خود مثال می زد. امت خود را به الگوبرداری از اخلاق پسندیده آنها و داشتن زندگی تمیز مانند آنها تشویق می کرد. با

خداوند متعال می فرماید:

بگو از خدا و رسول اطاعت کنید، پس اگر روی گردانید، شما مکلف به تکلیف خود بوده و او نیز مکلف به تکلیف خویش می باشد و اگر او را اطاعت کنید، هدایت می شوید و جز ابلاغ آشکارچیزی بر عهده پیامبر نیست

(سوره نور' آیه ۵۴).

مثال زدن حضرت داود که از دسترنج خود امرار معاش می نمود "بهترین سود بودن سود حاصل از دسترنج خود انسان" را بازگو می نمود. به کسانی که به غیر از ماه رمضان می خواستند روزه بگیرند روزه گیری همانند حضرت داود را توصیه می کردند. چون که حضرت داود یک روز در میان روزه می گرفت.

پیامبر عزیز ما به اصحابش سرگذشت پیامبران قبل از خود را نقل می فرمود. توصیه می کردند که از احوال آنها و رفتار انسانها در مقابل دعوت آنها عبرت بگیرند. زحمات و سختی هایی که پیامبران در حین انجام وظایف خود متحمل می شدند را بازگو می کردند، از شکیبایی و مبارزه آنها مثال می زدند. مسلمانانی را که به خاطر دینشان به سختی افتاده و شکنجه می شدند را تسلی میدادند. خودشان نیز در مقابل اذیتها و سختی ها، سرگذشت پیامبران را به یاد آورده، خود را تسلی می دادند. پس از جنگ حنین، در حین تقسیم غنایم در مورد پیامبر عزیزمان صحبت شده و کسانی بودند که به پیامبرمان گفتند تا عادلانه رفتار کند. پیامبر ما که از این سخنان رنجیده شده بود فرمودند: "من اگر عادل نباشم چه کسی می تواند عادل باشد!". سپس فرموده بود : "خداوند به موسی رحمت کند، او با مواجه با سختی های بیش از این صبر پیشه کرده بود" و خود را تسلی داد.

پیامبر عزیز ما می فرمود که وظیفه پیامبران تلاش برای نجات انسانها می باشد. در مورد اهمیت اطاعت از پیامبران و تبعیت از فرمان الهی که توسط آنان آورده شده است بحث می نمودند. با تشبیه کردن پیامبران به وضعیت شخصی که در جامعه زندگی می کند چنین فرموده بود:

وضعیت من و اسلامی که خداوند از طریق من فرستاده است همانند وضعیت شخصی است که به یک اجتماع آمده و چنین می گوید:

"ای مردم من، حقیقتا من با چشمان خود لشکری را دیدم که بسوی شما می آید. من رسولی هستم که شما را بطور واضح از این خطر آگاه می کنم. به همین سبب زندگی خود را نجات دهید!

پس از این سخنان بخشی از افراد از آن پیروی کردند و عصر هنگام عازم شده و با سرعت معمولی محل های خود را ترک کرده و رفتند. بدینسان زندگی خود را نجات دادند. بخشی از مردم نیز آن را دروغ پنداشته در محل خود ماندند. لشکر نزدیک صبح به آنها شبیخون زد و همه آنها را تار و مار کرد. حالا وضعیت کسانی که از من پیروی کرده و کسانی که بر اسلامی که از جانب خدا آورده شده عین همین داستان است. (بخاری، اعتصام ۲)"

پیامبر عزیزمان برای بیان اینکه خودش و تمامی پیامبران برای صلاح امت خود تلاش می کردند مثالی این چنین آورده است:

"وضعیت من و شما همانند کسی است که آتش روشن کرده و با برخورد پروانه ها و جیرجیرکها با آتش می خواهد مانع آن شود. من به منظور حفظ شما از آتش کمربندهای شما را می گیرم. شما تلاش می کنید که از دسمت من رها شده و به داخل آتش بیافتید.(مسلم، فضایل ۱۹)"



سوالات

حل جدول

۱. غاری که اولین وحی بر پیامبرمان نازل شد «..................»

۲. پیامبری که با صبر خود الگوی تمامی انسانهاست «..................»

۳. نامی که به افراد معتقد به حضرت عیسی داده شده است. «..................»

۴. پیام مشترک تمامی پیامبران که یکتا بودن خدا را بیان می کند «..................»

۵. مورد اعتماد بودن پیامبران «..................»

۶. مادر حضرت عیسی «..................»

۷. لقبی که اهالی مکه به پیامبر اکرم مان به سبب مورد اطمینان بودن و صداقت وی داده بودند «..................»

۸. مسلمانان اهل مدینه که به اهالی مهاجر مکه کمک نمودند «..................»

۹. موجودی که به دلیل عدم سجده به حضرت آدم از بهشت و رحمت خدا طرد شد. «..................»

۱۰. اسمی که به حکمرانان مصر داده می شد «..................»

۱۱. پیامبری که انسانها را از طوفان رهانید و به عنوان "دومین پدر انسانها" شناخته می شود. «..................»

۱۲. دارا بودن نیروی درک بالا و عقلمند بودن پیامبران «..................»

۱۳. پیامبر بزرگی که خداوند متعال او را "خلیل (دوست)" خطاب می کند «..................»

۱۴. رسولی که وظیف دارد تا دستورات و ممنوعیت های خداوند را به انسانها برساند «..................»

۱۵. اولین انسان و اولین پیامبر «..................»

۱۶. عدم ارتکاب گناه توسط پیامبران «..................»

۱۷. رساندن بی کم و کاست دستورات و ممنوعیتهای خداوندی توسط پیامبران به امت خود «..................»

۱۸. کوهی که با فروکش کردن طوفان کشتی نوح در آن نشست «..................»

۱۹. پادشاهی که در زمان حضرت ابراهیم با تکیه بر ثروت و سلطنت خود را خدا خواند «..................»

۲۰. راستگو و درستکار بودن پیامبران در سخن و عمل «..................»

جملات ذیل را به هم وصل کنیم

۱	انکار پیامبران		تنها برای عبادت به او دعوت می کنند
۲	پیامبران دین خدا را برای زندگی کردن و		با محبت و احترام یاد می کرد
۳	پیامبران، حتی در مواردی که در معرض سختی ها و اذیت ها قرار می گرفتند،		رحمت خدا به بندگانش است
٤	پیامبران امتهای خود را به اعتقاد به یکتا بودن خداوند و		در انجام نیکی در عوض بدی الگویی زیبا برای ماست
٥	الله (ج)، به عنوان الگو		وظیفه دارند به انسانها برسانند
٦	بخشیده شدن حضرت آدم پس از خوردن میوه ممنوعه		پیامبران خود را فرستاده است
۷	پیامبر عزیز ما پیامبران قبل از خود را		از انجام وظایف خود نمی هراسند
۸	یوسف پیامبر، بخشیدن بدکاران و		به معنی انکار دین می باشد

خود آزمایی

۱. به شخصی که دستورات و ممنوعیتهای خداوند را به انسانها خبر می دهد و آنها را به راه راست هدایت کرده و به او وحی می شود چه گفته می شود؟

الف) استاد

ب) عالم

ج) پیامبر

د) اولیا

۲. "صدق" که از صفات پیامبران است به چه معنی است؟

الف) هرگز دست برنداشتن از درستکاری

ب) بی گناه بودن

ج) عاقل و باهوش بودن

د) مورد اطمینان بودن

۳. بزرگترین معجزه پیامبر اکرم چیست؟

الف) واقعه اسراء

ب) قرآن کریم

ج) شق القمر

د) واقعه معراج

۴. صفتی که مبین عاقل بودن، باهوش بودن و ادراک بالای پیامبران می باشد کدام است؟

الف) امانت

ب) فطانت

ج) عصمت

د) صدق

۵. به وقایع فوق العاده ای که پیامبران با کمک خدا برای اثبات دعوی خود نشان می دهند گفته می شود.

الف) معجزه

ب) سحر

ج) کرامت

د) کهانت

جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

(بشارت دهنده، شما، رهبران، عبرتهای، بهانه ای، عقل، نماز، به انسانها، اگر می بینید، مثال)

۱. ما پیامبران را طبق دستورمان .... و .... که راه راست را نشان می دهند فرستادیم (سوره انبیاء، آیه ۷۳)

۲. برای اینکه هیچ .... برای انسانها نماند که در مقابل خدا مطرح کنند ما پیامبران .... و بیم دهنده فرستادیم (سوره نساء، آیه ۱۶۵)

۳. قسم به .... پیامبران، که .... زیبا برای آن وجود دارد (سوره ممتحنه، آیه ۶)

۴. قسم به .... در قصص انبیاء، .... زیادی برای صاحبان آن وجود دارد. (سوره یوسف، آیه ۱۱۱)

۵. هر آنگونه که من .... می خوانم............ شما هم آنگونه نماز بخوانید. (بخاری، آحاد، ۱)

پاسخ ها

حل جدول

۱. حراء
۲. ایوب
۳. حواری
۴. توحید
۵. امانت
۶. مریم
۷. محمدالامین
۸. انصار
۹. ابلیس
۱۰. فرعون
۱۱. نوح
۱۲. فطانت
۱۳. ابراهیم
۱۴. پیامبر
۱۵. آدم
۱۶. عصمت
۱۷. تبلیغ
۱۸. جودی
۱۹. نمرود
۲۰. صدق

جملات ذیل را به هم وصل کنیم

١	انکار پیامبران	٤	تنها برای عبادت به او دعوت می کنند
٢	پیامبران دین خدا را برای زندگی کردن و	٧	با محبت و احترام یاد می کرد
٣	پیامبران، حتی در مواردی که در معرض سختی ها و اذیت ها قرار می گرفتند،	٦	رحمت خدا به بندگانش است
٤	پیامبران امتهای خود را به اعتقاد به یکتا بودن خداوند و	٨	در انجام نیکی در عوض بدی الگویی زیبا برای ماست
٥	الله (ج)، به عنوان الگو	٢	وظیفه دارند به انسانها برسانند
٦	بخشیده شدن حضرت آدم پس از خوردن میوه ممنوعه	٥	پیامبران خود را فرستاده است
٧	پیامبر عزیز ما پیامبران قبل از خود را	٣	از انجام وظایف خود نمی هراسند
٨	یوسف پیامبر، بخشیدن بدکاران و	١	به معنی انکار دین می باشد

جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

۱. به انسانها، رهبران
۲. بهانه ای، بشارت دهنده
۳. شما، مثال
٤. عقل، عبرتهای
۵. نماز، اگر می بینید

خود آزمایی

۱. ج
۲. الف
۳. ب
٤. ب
۵. الف





زندگی حقیقی ما

ایمان به آخرت

- حقیقت زندگی دنیا
- مرگ و قبر
- فرا رسیدن قیامت و رستاخیز دوباره
- زندگی آخرت
- مزایای ایمان به آخرت
- توازن دنیا و آخرت در زندگی پیامبر اکرم





زندگی بی پایان

یک روز پاییزی بود... درختانی که برگهای زرد شده خود را به بادهای موسمی می دادند نیمه عریان بودند. محمد با گوش دادن به صدای لذتبخش خش خش برگهای خشک زیر پایش به سمت ”بش چاملار“ می رفت. با ناراحتی روزهای پر از شادی با دوستش سامی که او را هفته گذشته به خاک سپرده بودند را به خاطر آورد. دردی عمیق به قلبش افتاد. چشمهایش از غم و اندوه تار شد. در بش چاملار خود را تک و تنها احساس کرد. چشمان محمد غرق در آسمانهای آبی شد و از لبهایش این دعا جاری گردید:

خداوند بلند مرتبه! دوستم سامی، به زندگی آخرت باور داشت:

”آغاز زندگی قبر با مرگ، اول از همه ملایکی به نامهای نکیر و منکر از انسان حساب خواهند پرسید، ”خدایت کیست؟ از کدام دین هستی؟ نام پیامبرت چیست؟“ خواهند پرسید. پاسخی که به ملایک خواهیم داد را با هم تکرار کرده ”خداوند من الله، دینم اسلام، پیامبرم حضرت محمد“ می گفتیم.





باور به این داشت که آغاز قیامت با دمیدن اسرافیل به صور و از بین رفتن همه چیز خواهد بود. می دانست که باز به امر تو اسرافیل بار دوم به صور خواهد دمید و انسانها همانند زنده شدن دوباره گلهای بهاری از قبر برخواهند خواست. پذیرفته بود که تمامی انسانها در محلی به نام محشر به منظور حساب دادن به تو جمع خواهند شد.

هنگامی که در این دنیا هستیم گناهان و ثواب های ما را ملایکی به نام کراما کاتبین در دفتر عمل می نویسند و در روز محشر دفتر اعمال هر کس به دست او داده خواهد شد. چند بار با سامی، در محضر تو دعا کرده بودیم که''خداوندا! ما را از بندگانی که دفتر اعمال آنها از سمت راست داده می شود قرار دهد! دفتر اعمال ما را از سمت چپ نده!''

معتقد بود که چگونگی آن را تنها تو می دانی و در میزان تو نیکی ها و بدی های ما سنجیده خواهد شد. به عبور از پلی بنام صراط باور داشت، اشخاص خوب به سرعت از روی این پل خواهند گذشت و به بهشت خواهند رسید و افراد بد نیز نمی توانند از روی پل گذشته و در جهنم خواهند افتاد.

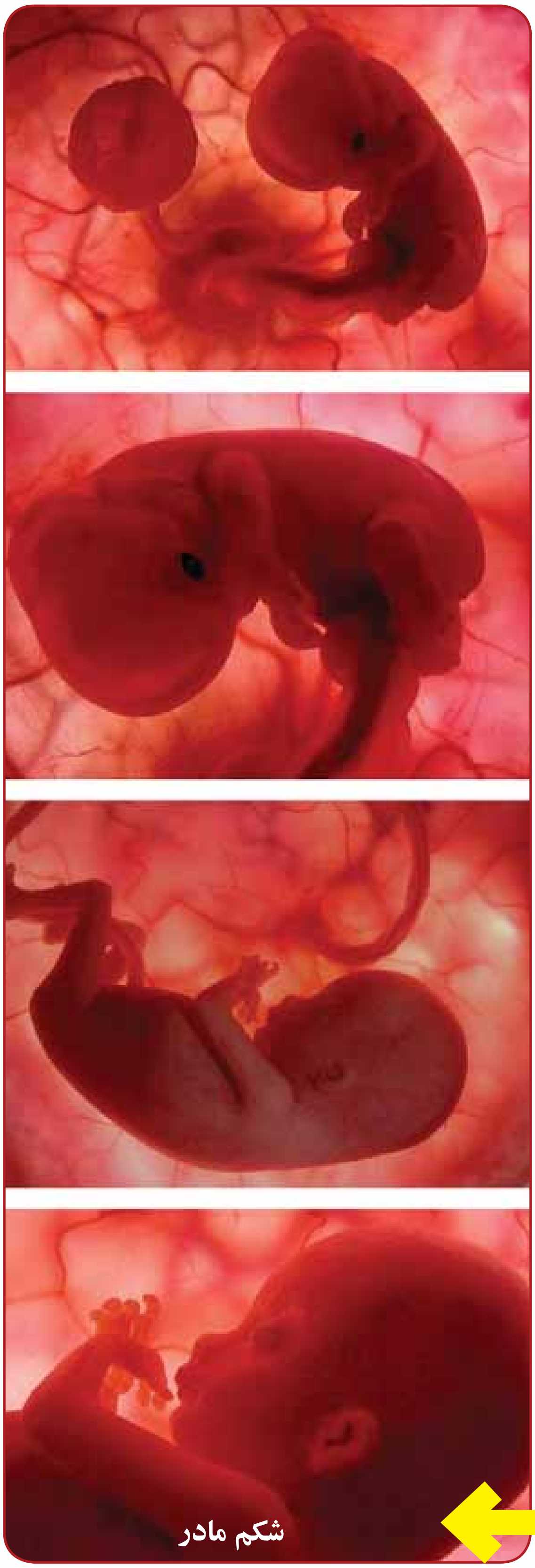
دوستم سامی؛ از اینکه می دانست مرگ شروع یک زندگی بی پایان است از آن هراسی نداشت. حسرت بهشت را می کشید و می خواست تا به نعمتهای آن برسد. رحم کن بر او! مهربانی کن بر او! خداوندا مزارش را بهشت بکن!

محمد، با گفتن ''آمین!'' دستانش را به صورتش کشید. احساس کرد که اضطرابی که قلبش را می فشرد و سینه اش را بدرد می آورد برطرف گردید. به هنگام برگشت از راهی که آمده بود، با خودش می گفت که ملاقات دوباره در بهشت با دوستانی که از ما جدا شده اند چقدر زیبا خواهد بود!''

م. یاشار کان دمیر

ماجرای زندگی ما






دنیا


آخرت

زندگی دنیا

بزرگترین نعمتی است که خداوند به ما ارزانی نموده است

زندگی دنیا یک سفر است

اکنون همه ما در حال ادامه سفری هستیم که از روز تولد ما آغاز شده است. این سفر برای برخی از ما طولانی و برای برخی کوتاه خواهد بود. اما حقیقتی قطعی وجود دارد و آن این که زندگی ما در دنیا تا ابد ادامه نخواهد داشت. چون که هیچ کدام از ما به منظور ماندن ابدی به این دنیا نیامده ایم.

زندگی دنیا، همانند محل استراحتی است که یک شخص مسافر در آن استراحت می کند. پیامبر عزیزمان برای بیان این حقیقت با دست زدن به شانه یکی از جوانهایی که او را بسیار دوست می داشت به نام عبدالله بن عمر فرمود: ”در دنیا همانند یک مسافر بیگانه باش!“. عبدالله بن عمر که پیامبر اکرم را با تمام قلبش گوش می کرد نصحیت زیبای زیر به ما هدیه کرده است که باید آویزه گوش قرار دهیم: ”در زمان تندرستی برای وقتی که بیمار هستی، و در طول زندگی خود نیز برای مرگت آماده باش (بخاری، رقاق، ۳)“

خداوند متعال می فرماید:

”جز این نیست که مثل زندگی دنیا مانند آبی است که (به صورت برف و باران) از آسمان فرو ریختیم که به سبب آن گیاهان زمین از آنچه مردم و چهارپایان می خورند به هم درآمیخت ، تا آن گاه که روی زمین زیبایی خود را فرا گرفت و آرایش یافت و ساکنان آن گمان بردند که خود بر (بهره برداری از) آن قادرند (به ناگاه) دستور ما (به صورت سرما یا گرما یا سیل یا تگرگ) در شب هنگام یا روز بر آن فرا رسید ، پس همه را به صورت علف های درو شده خشک درآوردیم به طوری که گویی دیروز سرپا نبوده است. این گونه ما نشانه ها (ی قدرت و غضب خود) را (در کتاب تکوین و کتاب تدوین) تفصیل می دهیم برای گروهی که می اندیشند.“



(سوره یونس، آیه ۲۴)

زیبایی زندگی دنیا زودگذر است

خداوند بلند مرتبه، زیباییها و نعمتهای بی شماری در دنیا به ما ارزانی فرموده است. زمین را برای ما به بهترین نحو مجهز کرده و در اختیار ما گذاشته است. از ما خواسته است تا از نعمتهای حلال استفاده کنیم و به کسی که این نعمتها را در اختیار ما گذاشته شکرگزاری کنیم.

نعمتهای دنیوی اماناتی هستند که به منظور استفاده موقتی به ما داده شده است. خداوند متعال چگونگی و محل استفاده از نعمتهایی مانند ثروت، سلامتی، علم و موارد مشابه را که در دنیا به ما داده مورد آزمایش قرار می دهد. اگر ارزانی کننده نعمتها را فراموش نکرده و متناسب با هدف ارزانی شدن آنها رفتار کنیم شکر کرده ایم. اگر نعمتها را از یاد برده و از آنها در جاهایی که خداوند نخواسته به منظور ضرر رسانی به سایر انسانها و موجودات استفاده کنیم ناسپاسی کرده ایم.

زندگی دنیا یک آزمایش است

دنیا برای ما یک محل امتحان و زندگی دنیا هم برای ما یک امتحان است. در امتحان به اندازه معلومات، استفاده از وقت نیز اهمیت دارد. استفاده بهینه از زمان در دنیا مهمتر است. زیرا به هنگام فرارسیدن اجل(زمان مرگ) که پایان امتحان زندگی را خبر می دهد بازگشتی نخواهد بود. انسانهایی که بی مهابا زمان داده شده در دنیا را خرج می کند و ارزش عمر خود را نمی دانند پشیمان خواهند شد. این حقیقت را خداوند بلند مرتبه اینگونه بیان می کند:

"هنگامی که مرگ هریک از آنان فرا رسد، می گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید»، «شاید در آنچه از خود به جای گذاشته‌ام، کار نیکی انجام دهم. هرگز ! این سخنی است که او به زبان می گوید و درپی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند. (سوره مومنون، آیات ۹۹-۱۰۰)"

لکن پشیمانی بعدی افرادی که زمان داده شده در دنیا را خوب استفاده نکرده اند فایده ای نخواهد داشت. خداوند بلند مرتبه با خاطرنشان نمودن فرصتهای دنیوی و زمان و عمری که به آنها داده بود چنین خواهد فرمود:

"و آنها در آنجا فریاد برمی کشند: پروردگارا ، ما را بیرون آر تا عملی صالح غیر از آنچه می کردیم به جا آوریم. (به آنها گفته می شود) آیا شما را آن قدر عمر ندادیم که هر که پندپذیر بود متذکر می شد و برای شما بیم دهنده نیامد؟! پس بچشید (عذاب جهنم را) و برای ستمکاران هرگز یاوری نیست. (سوره فاطر، آیه ۳۷)"

دنیا مزرعه آخرت است

دنیا فرصتی است برای بدست آوردن بهشت. واقعا هم بهشت را در دنیا بدست آورده و یا از دست می دهیم. هر کاری که در این دنیا انجام می دهیم بدون عوض نخواهد ماند. عوض تمام خوبی هایی که در دنیا انجام داده ایم را در آخرت دریافت خواهیم کرد. اگر در دنیا خوبی بکاریم در آخرت بیش از آن را دریافت خواهیم نمود. خداوند بلند مرتبه نیکی ها ما را چند برابر پاداش خواهد داد و البته که مجازات بدی هایمان را خواهد داد.

خداوند متعال می فرماید:

“همان که مرگ و زندگی را (برای شما آدمیان) پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید“

(سوره ملک، آیه ۲)

خداوند متعال می فرماید:

“هر کس کار نیکی به جا آورد او را ده برابر آن پاداش است ، (از پاداش هایی که برای طبع عمل به عنوان اوّلی آن طبق جعل ابتدایی الهی تعیین شده که حد اقلّ تفضل ده برابر و حد اکثرش نامحدود است) و هر کس کار زشتی انجام دهد جز مانند آن را کیفر داده نمی شود و بر آنان ستم نمی رود (نه از پاداش آنان کم می شود و نه بر کیفرشان اضافه می گردد) .“

(سوره انعام، آیه ۱۶۰)

لباس سبز

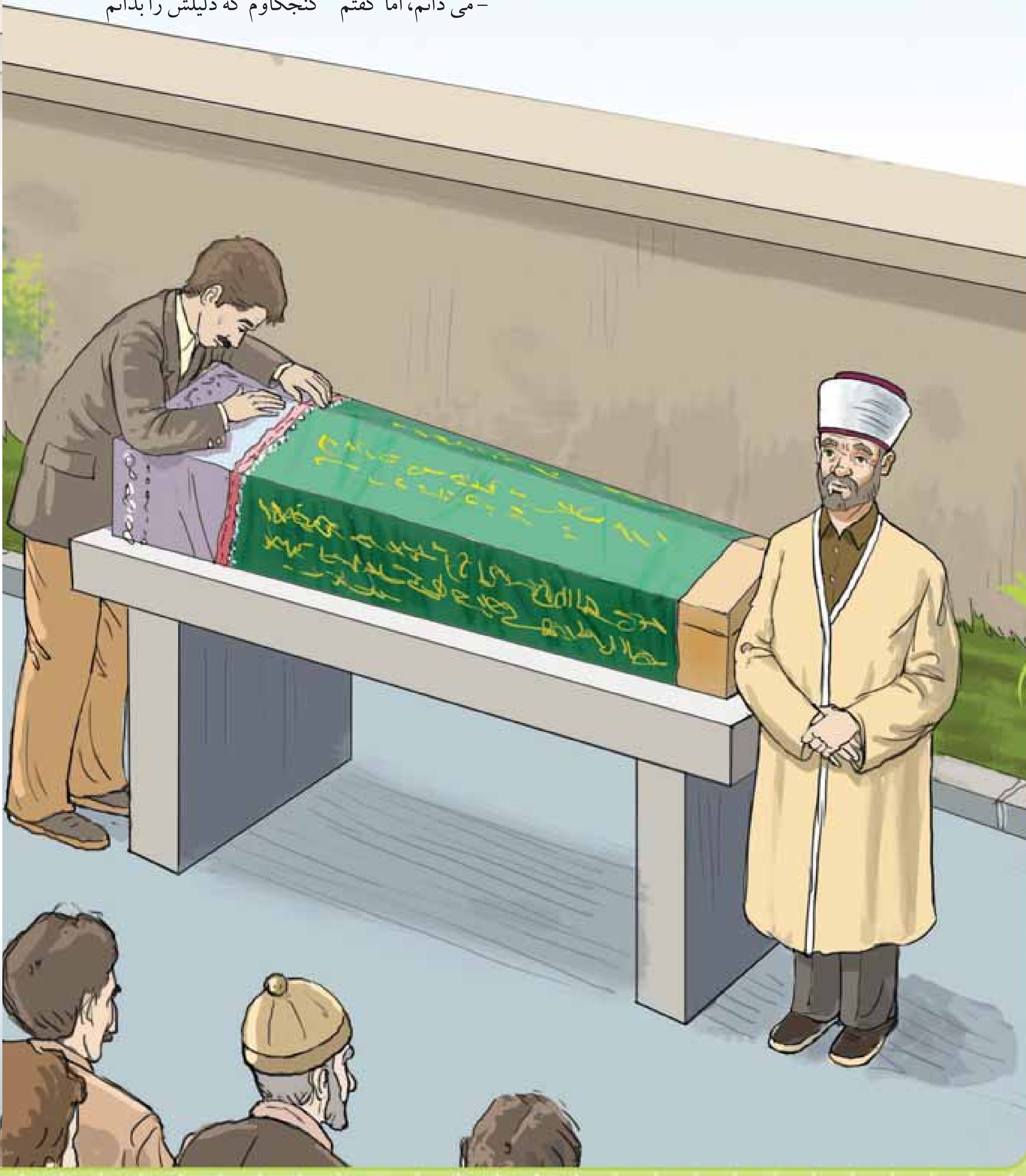
وقتی روبرو شدیم اذان خوانده می شد.

– گفتم بیا تو را به مسجد ببرم، "می دانی امروز جمعه است"

از آنجایی که پیشنهادهای قبلی مرا رد کرده ای،

– گفت می دانی که من به مسجد نمی روم.

– می دانم، اما گفتم "کنجکاوم که دلیلش را بدانم"





– جواب داد که چه بدانم نمی شود دیگر، ”بلکه اطرافیان تاثیر دارد. هم اینکه می ترسم اتوی شلوارم خراب بشه و زانوهایش ساییده بشه“

خواسته یا ناخواسته با خنده،

– گفتم: فکر کنم داری شوخی می کنی، ”مگر بخاطر این هم مسجد را ترک می کنند؟“

– گفت که جدی می گویم، ”می دانی که لباسم و مخصوصا رنگ سبز را خیلی دوست دارم.“

واقعا هم همانطور بود. لباسهایی را که می پوشید از یک طیف سبز رنگ متفاوتی انتخاب می کرد و همیشه اتوکشیده بودند.

– گفتم خب، ”اصلا در عمرت به مسجد رفته ای؟“

– گفت: وقتی بچه بودم چند بار به مسجد رفته ام. ”اما دیگر فکر نمی کنم که بتوانم بروم.“

چیزهایی را که گفته بود من را بسیار متعجب کرده و پشیمان شدم که سر این چنین موضوعی را باز کردم. بعدا دست داده و از هم جدا شدیم. دو ماه بعد از این ملاقات به من گفتند که او در مسجد است. فورا رفتم. در اولین صف نماز در حیاط می ایستاد و باز هم لباس سبز پوشیده بود. یواشکی رفتم کنارش و با صدای آرامی گفتم:

– کو می گفتی دیگر مسجد نمی آیم؟

– هیچ چیزی نگفت. زیرا بر روی سنگ مصلی داخل یک تابوت با پوشش سبز خوابیده بود.

جنید سوآوی



مرگ: زمان جدایی از لذاید دنیوی

در دنیا برای هر انسانی عمری داده شده است. با مرگ، مدت زمان زندگی را به پایان رسانده به عالمی دیگر نقل مکان می کنیم. مرگ؛ پایان زندگی دنیا و آغاز زندگی آخرت است.

در واقع، مرگ هم همانند زندگی برای ما یک نعمت است. مخصوصا برای بیماران و سالمندانی که امید بهبودی ندارند نعمت بزرگی است. مثلا فرض کنیم که پدربزرگ پدربزرگمان و اجداد آنها نمرده باشد. در چنین شرایطی چه کسی می توانست به چه کسی برسد و توجه کند؟ همه آنها مجبور به تحمل زندگی توام با بدبختی و سختی می ماندند. اگر حال پریشان آنها را می دیدیم، بهتر متوجه می شدیم که مرگ چه نعمتی است و زندگی چقدر درد آور و پر اضطراب است. در چنین شرایطی نه از مرگ بلکه باید از عدم انجام کارهای نیک ترسید. همچنین انکار آخرت و یا ترس از مرگ، نمی تواند مانع مرگ شود. عدم باور به آخرت؛ مانع وارد شدن به آخرت نشده بلکه مانع ورود به بهشت می شود.

برای ما معنی تولد هر چه هست معنی مرگ هم همان است. انسانها با جدا شدن از رحم مادر چشم به جهان می گشایند. از دنیا هم در آخرت متولد می شوند. با بستن چشمان خود در این دنیا چشمان خود را در دنیای دیگر باز می کنند. آمدن ما به دنیا بنا به دستور خداوند تحقق یافته است. جدایی ما از دنیا نیز باز با امر او خواهد بود.



مرگ همانند خواب است. به همین سبب خواب همانند "برادر کوچک مرگ است". انسانی که غرق در خواب مرگ شده است، چشمان خود را از این جهان بسته و در دنیایی دیگر چشمان خود را باز می کند.

مرگ؛ نابودی نیست، آغاز یک زندگی است. انتقال از یک زندگی به زندگی دیگر است. وقتی که می میریم یک مدت می آییم و از دنیایی که در آن امتحان می دهیم جدا شده به مسکن ابدی خود یعنی آخرت کوچ می کنیم. قبر هم اولین دری است که به سرزمین جدیدمان باز می شود.

خداوند متعال می فرماید:

"(هر نفسی مرگ را چشنده است و سپس بسوی ما باز گردانده می شوید)یعنی حیات دنیوی محدود به مدتی اندک است و سرانجام همه به طور یقین خواهندمرد و مرگ چشیدینی است که سرانجام همه آن را خواهند چشید و بدنبال آن همگی برای حساب به سوی خدا باز گردانده می شوید، پس بکوشید تا با ایمان و عمل صالح برای این لقاء الهی آماده شوید و مراقب باشید که زینتهای زندگی دنیا شما را از این راه مانع نشوند."

(سوره عنکبوت، آیه ۵۷)

خداوند متعال می فرماید:

"هر جا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد هر چند در برجهای محکم باشید!"

(سوره نساء، آیه ۷۸)



مرگ پاییزی

اول یک برگ از یکی از درختان افتاد. بعدا بقیه برگها از آن تبعیت ردند. تمامی برگها پشت سر هم افتادند. هر کدام که وقتش می رسید یا زیر خاک رفت و یا قاطی آب شد و رفت.

افراد بسیاری با این برگها از اینجا کوچ کردند. گلها پژمردند، پرندگان سکوت اختیار کردند و پروانه ها نابود شدند. درختان به اسکلت و جنگلها به قبرستان تبدیل شدند. اینجا که هر وجب ازآن چند ماه پیش بوی زندگی می داد هم اکنون پر از مامور جنازه است. در حالی که آنهای‌ای که از اینجا کوچیدند وقتی آمده بودند خندان بودند. همگی هم از اینجا بودن خوشحال بودند. اگر این چنین بود چرا رفتند؟ زیرا مجبور بودند تا بروند. باقی ماندن در اینجا دست خودشان نبود. چرا که به هنگام آمدن نیز دست خودشان نبود. کسی بود که آنها را فراخواند و فرستاد. وقتی به امر او آمدند روی زمین با هزار و یک زیبایی آراسته شده بود. اکنون از زینتهای خود تهی شده و به کفن کاملا سفید خود پیچیدند.

امید شیمشک

قبر: دروازه باز شده از دنیا به آخرت

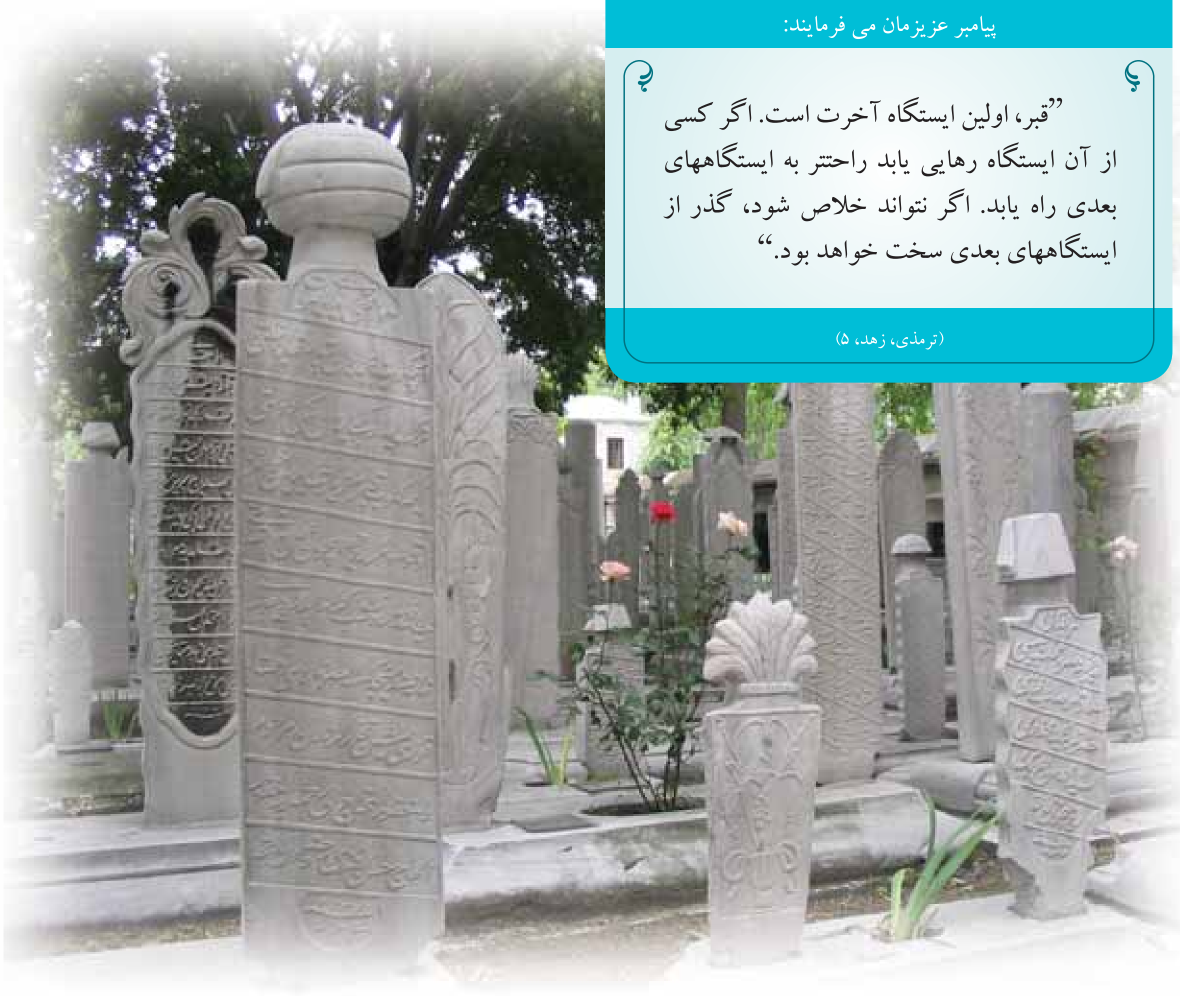
اولین ایستگاه زندگی آغاز شده با مرگ، قبر است. به زندگی ای که از مرگ تا زنده شدن دوباره خواهیم گذراند "زندگی قبر" گفته می شود. تمامی انسانها چه در قبر دفن شوند و چه دفن نشوند زندگی قبر را خواهند گذارند. به زندگی قبر، از آنجایی که به معنی پرده ای که مانع برگشت دوباره به دنیا می باشد "دنیای برزخ" گفته می شود.

در قبر به انسانها با در نظر گرفتن اعمال آنها در دنیا رفتار خواهد شد. به کسی که فوت کرده ملایکی به نامهای نکیر و منکر آمده و از او این چنین خواهند پرسید، "خدایت کیست؟ از کدام دین هستی؟ نام پیامبرت چیست؟". کسانی که ایمان داشته و اعمال خوبی انجام دهند به این سوالات پاسخ های درستی خواهند داد و پنجره ای از بهشت برایشان باز خواهد شد. قبر آنها نیز متناسب با اعمالشان در این دنیا تا جایی که چشم کار می کند فراختر خواهد شد. کافر، مشرک و منافقان نخواهند توانست به این سوالات پاسخ درست دهند، برای آنها هم پنجره ای از جهنم باز خواهد شد. قبر آنها تنگتر خواهد شد. روح کافران و منافقان، با درد و سختی در قبر عذاب خواهند دید. روح مومنان نیز در داخل نعمتها زندگی راحت و شادی خواهند داشت.

پیامبر عزیزمان می فرمایند:

"قبر، اولین ایستگاه آخرت است. اگر کسی از آن ایستگاه رهایی یابد راحتر به ایستگاههای بعدی راه یابد. اگر نتواند خلاص شود، گذر از ایستگاههای بعدی سخت خواهد بود."

(ترمذی، زهد، ۵)



آیا برای آخرت آماده ایم؟

برای آماده شدن به آخرت، چیزی را که بیش از موارد دیگر بایستی مورد توجه قرار دهیم استفاده بهینه از وقتمان است. زیرا تنها سرمایه ای که در دنیا داریم عمرمان است. خریدن تمامی چیزها ممکن است؛ اما خریدن زمان اصلا ممکن نیست. در این عمر محدود، ما تنها با ثوابها و گناهانمان به آخرت کوچ خواهیم کرد. بایستی بزرگترین هدفمان این باشد تا با ایمان بمیریم. خداوند بلند مرتبه که فرموده است: ” ای کسانی که ایمان آورده اید ، از خدا آن گونه که شایسته پروای اوست پروا کنید ، و هرگز نمیرید مگر در حالی که مسلمان باشید. (سوره آل عمران، آیه ۱۰۲)“ این را از ما طلب می کند. به همین سبب بایستی طوری زندگی کنیم تا در نفس آخر عمرمان با ایمان باشیم.

پیامبر عزیزمان می فرماید:

”هر طور زندگی کنید همانگونه هم می میرید. هر گونه بمیرید همانگونه هم در حضور خدا حاضر می شوید.“

(فیض القدیر، ۵، ۶۶۳)

پیامبر عزیزمان می فرماید:

”شخص عاقل، کسی است که قبل از مرگ حساب خود را بکند و برای زندگی بعد از مرگ آماده شود“

(ترمذی، قیامت ۲۵)

پیامبر عزیزمان می فرماید:

”قبر یا باغی است از باغهای بهشت و یا چاله ایست از چاله های جهنم“

(ترمذی، قیامت ۲۶)



کابوس

از کودکی از مکانهای تنگ دلتنگ می شدم و از این مکانها با فریاد دور می شدم. وقتی بزرگتر شدم فهمیدم که این یک بیماری است اما نتوانسته بودم از این مشکل رهایی پیدا کنم. در حالی که اینک در این مکانها خواسته یا ناخواسته باید داخل می شدم. مرا پیچیده و در در تابوت قرار داده بودند. صدای کسانی که در اطراف می چرخیدند را بوضوح می شنیدم و علی رغم اینکه چشمانم بسته بود به نحوی می توانستم آنها را ببینم.

– می گفتن که بیچاره در سن جوانی فوت کرد. در حالی که کارهای زیادی بود که انجام دهد.

واقعا هم کارهای زیادی را نصف کاره گذاشته بودم. مثلا نتوانسته بودم برای پسرم یک محل کار روبراه کنم، اقساط ماشین و تلویزیون را نتوانسته بودم تمام کنم. تاسیس یک شرکت بزرگ و جمع ردن دوستانم در آنجا دیگر برایم یک خیال شده بود. همچنین در حالیکه زمستان نزدیک بود نتوانسته بودم کار هیزم و زغال را حل کرده و محل چکه ها ی

سقف را تعمیر کنم. با پیدن پشت سر هم کارهای نیمه تمام با صدایی که باعث زنگ زدن گوشهایم شد یکه خوردم. این صدا که مثل صدای گفته شده از طریق بلندگو بود در دورترین گوشه های مغزم طنین می افکند و

– می گفت که ”گذشت دیگر گذشت!“

از دلم می گفتم ”کاشکی نگذشته بود!“. آن حادثه از کجا سرم آمده بود؟ در حایکه خوب ماشین می راندم.

وقتی که تلاش می کردم وقایع را به یاد بیاورم متوجه شدم که دوستانم اطرافم جمع شده و مشغول بستن در تابوت هستند. در حالیکه می خواستم با فریاد بلند و حرکت مانع آنها شوم نه می توانستم حرکت کنم و نه می توانستم صدایم را دربیاورم. بعد از مدتی در تاریکی مانده و چشمانم را به سمت نوری که از لابلای تخته های تابوت می تابید برگردانده بودم. با وحشت گفتم: ”خدای من!“. الان حال من چگونه خواهد شد؟ از ترس ذهنم کار نمی کرد. در این حین شروع کردند به حمل من در سر شانه ها و تکان دادن من. از صداهای بیرون متوجه شدم که باران شروع به باریدن کرده و صدای قطرات باران، به صدای قرچ قرچ تابوت قاطی می شد. احتمالا برای انجام مراسم تشییع جنازه می رفتیم به مسجد.



به محض گفتن مسجد یادم آمد که علی رغم اینکه نزدیک ما بود و با وجود اینکه هر روز پنج بار دعوت به آنجا می شدم نتوانستم فرصت کرده و آنجا بروم. اما همانطور که همیشه گفته ام وقتی پنجاه ساله شدم شروع به نماز خواندن خواهم کرد و تمامی عادتهای بدی که همه از آن شاکی هستند ذا ترک خواهم کرد.

بلی بلی، اگر ان حادثه اتفاق نمی افتاد، در آینده بهترین می شدم. صدایی که قبلا شنیدم و نتوانستم حدس بزنم که از کجا می آید،

– تکرار کرد که گذشت دیگر گذشت. "تمام شد دیگر!"

در این حین نمازم خوانده شده و دوباره بر شانه ها حمل می شدم. به هنگام عبور از قهوه خانه ای که هر روز با دوستانم قمار بازی می کردم صدای قهقهه شاد دوستانم را شنیدم و فکر کردم که "احتمالا خبر مرگ من را نشنیده اند!". موقعی که صداها به خوبی دور شدند احساس کردم تابوت من کج شده و من را در سربالایی قبرستان حمل می کنند. بارانی که به شدت می بارید از منافذ تابوت داخل شده و کفنم را خیس کرده بود. با وجود این به گفتگوهای بیرون گوش کردم. برخی از دوستانم در مورد رکود بازار سخن می گفتند، برخی از آنها هم از بازی آخر تیم ملی تمجید می کردند. یکی دیگر هم که تابوت من را حمل می کرد در گوشی به بغلی گفت:

– عوضی بودن مرحوم از روزی که مرده معلومه. "برادر، خیس آب شدیم از باران".

اصولا چیزهایی که می شنیدم بایستی اشتباه بوده باشد. مگر اینها دوستان نبودند که بخاطر آنها خواب را بر خود حرام کرده بودم؟ سفرم یک مدت بعد تمام شده و تابوتم زمین گذاشته شده بود. درش دوباره باز شد و دستانی که بدن بی جان من را گرفته بودند به طرف یک چاله پایین آورده شد. از محلی که بر زمین گذاشته شده بودم به اطراف نگاه کردم. خدای من! این قبر که نبود؟ چرا تا این لحظه اصلا فکر نکرده بودم که وارد اینجا خواهم شد؟ نمی توانستم فریادهای بی صدای خود را به گوش کسی برسانم و احساس می کردم که دوستانم در پوشاندن من با همدیگر رقابت می کنند. دوباره در تاریکی مطلق فرو رفته و با تمام عجز خود شروع به دعا کردم.

– می گفتم ای خدا. آیا فرصت دیگری نیست که بنده ای همانند آنچه که تو می خواهی باشم. قبرم را تبدیل به باغی از باغهای بهشت کنم.

همان صدا شدیدتر از دفعات گذشته گفت:

– تکرار کرد که گذشت دیگر گذشت. "همه چیز دیگر گذشت!"

روی قبر من با تخته ها پوشیده شده بود. صدای خاکهایی که بر روی تخته ها ریخته می شدند، غرش آسمان را تداعی می کرد و تمام منیت من را می لرزانید. با تلاش نهایی با پریدن از جایم چشمانم را باز کردم. در تخت نرم اتاقم خوابیده بودم فقط کابوسی وحشتاک می دیدم. دوست دکترم در آپارتمان مجاور سکونت داشت تلاش می کرد تا من را بیدار کند. مدام فریاد می زد که:

– گذشت دیگر گذشت. "دیدی گذشت، مشکلی دیگر نداری"

از تخت خواب آرام بلند شدم. از عرق خیس آب شده بودم و مثل این بود که بیست کیلو یکجا کم کرده باشم. بیرون باران بصورت رگبار می بارید، از رعد و برق و صدای غرش آسمان خانه به لرزه در می آمد. هنگامی که در میان نگاههای متعجب می خواستم خودم را جمع و جور کنم. می گفتم:

– خدای من، هزاران شکر. اگر برای اینکه بنده خوبی باشم فرصتی دیگر نمی دادی...!؟

جنید سوآوی

آخرت: زندگی حقیقی و بی پایان ما

زندگی آخرت که به معنی پایان پذیرفتن و انتهای همه چیز است، اسمی است که به زندگی پس از مرگ گفته می شود. ایمان به آخرت، به همراه ایمان به خدا به وفور در قرآن آمده و اساس ایمان است. کسی که زنده شدن پس از مرگ، حسابرسی، بهشت و جهنم را منکر می شود؛ به دلیل عدم ایمان به آخرت، از دین خارج شده و کافر می شود.

آخرت و حوادثی که در آخرت بوجود می آیند، مسائل مختص غیب هستند. آنها را نمی توانیم با حواس پنجگانه ادراک کرده و با آزمایشات شرح دهیم. تنها منبع اطلاعات مربوط به آ خرت، قرآن کریم و احادیث پیامبر عزیزمان است. چیزی که بر عهده ماست تنها داشتن ایمان، پذیرفتن حقایقی که پروردگارمان خبر داده و فراموش نکردن روز حساب می باشد.

فرارسیدن قیامت

زندگی و نظم کائنات به پایان می رسد

همانگونه که هر موجود زنده ای که در دنیا زندگی می کند دارای عمری است دنیایی را هم که روی آن زندگی می کنیم دارای عمری می باشد. جاندارانی که اجلشان فرامیرسد می میرند. وقتی که اجل دنیا فرابرسد قیامت خواهد شد.

فرارسیدن قیامت، خاتمه زندگی و نظم موجود در کائنات است. با دمیدن بر وسیله ای بنام صور که از ماهیت آن بی خبریم توسط یکی از چهار ملك بزرگ بنام حضرت اسرافیل، قیامت اتفاق خواهد افتاد. این اولین دمش بر صور می باشد. با وقوع قیامت تمامی جانداران موجود در زمین خواهد مرد، نظم موجود در آسمانها بهم خواهد ریخت. آفتاب خاموش خواهد شد، ستارگان فرو خواهد ریخت، درها خروشیده و با هم قاطی خواهند شد، کوهها با هم برخورد خواهند کرد. آن روز همه چیز زیر و زبر شده تمام توازن کائنات بهم خواهد ریخت. زمان وقوع قیامت را هیچ کس به غیر از خدا نمی تواند بداند.



خداوند متعال می فرماید:

"در روز قیامت که آسمان شکافته و منشق می شود و ستارگان هر یك ازمدار خود خارج شده و پراکنده و متفرق می شوند و زمانیکه دریاها طغیان کرده و بهم متصل می گردند و آن زمانی که خاك قبرها منقلب و زیر و رو می شود وانسانهای مرده از گور بیرون آورده می شوند تا به جزای خود برسند، در آن زمان است که هر نفسی به آن اعمالی که خودش در دنیا انجام داده و سنتهایی که از خودش باقی گذاشته علم تفصیلی می یابد و حقیقت آن را درك می کند."

(سوره انفطار، آیات ۱-۵)

این را قرآن کریم و پیامبر عزیزمان بوضوح بیان کرده است. پیامبر اکرم فقط در مورد یک تعداد نشانه در مورد نزدیک شدن قیامت بحث نموده است. در اصل چیزی که برای ما لازم است دانستن زمان وقوع قیامت نمی باشد. وظیفه ما بدست آوردن آمادگی لازم برای زندگی آخرت ماست که با مرگ دروازه آن باز می شود. آمادگی برای آخرت همانند اینکه فردا خواهیم مرد.

رستاخیز دوباره

همانند بذری که بر خاک می افتد دوباره زنده می شویم

در دعای امنت که بصورت "البَعثِ بَعدَ المَوتِ" یعنی "رستاخیز پس از مرگ" آورده شده جوهر ایمان به آخرت را تشکیل می دهد. یک مدت بعد از وقوع قیامت خداوند بلندمرتبه طلب خواهد کرد که اسرافیل برای دومین بار بر صور بدمد. به این ترتیب، تمامی موجودات زنده که از روز آفرینش جهان تا وقع قیامت زندگی کرده و مرده اند زنده خواهند شد.

سوالاتی مانند "پس از مرگ چه خواهیم شد؟ آیا زنده شدن دوباره امکانپذیر است؟" ذهن انسان را همیه به خود مشغول کرده است. در حالیکه درختان در پاییز با ریختن برگهای خود سبزی خود را از دست داده و در بهار دوباره زنده می شوند. بذرهایی که همانند مرده به خاک انداخته می شوند جوانه زده و شروع به رشد می کنند. هسته های بی جانی که در خاک می افتند، به درختان زنده و بزرگ تبدیل می شوند. در بدن ما هزاران سلول مرده، بجای آن سلولهای جدید جایگزین می شود. اگر خود و کائنات را با دقت بررسی کرده بر روی آن به خوبی تفکر نماییم علامات بسیاری مبنی بر امکانپذیر بودن زنده شدن پس از مرگ خواهیم یافت.

خداوند بلند مرتبه که می میراند و زنده می کند، این حقیقت موجود در کائنات را با مثالهای زیبایی شرح می دهد. در هر لحظه از زندگیمان، زنده شدنی که بخشی از آن هستیم را در چشم و در ذهن ما بصورت زنده در می آورد:

"ای مردم ، اگر از برانگیخته شدن (پس از مرگ) در شکّید پس (در آفرینش خود دقت کنید که) ما شما را از خاک آفریدیم (جدّ و جدّه نخستین تان را بلاواسطه و به نحو اعجاز ، و نسل آن دو را با واسطه به جذب مواد اوّلیه خاک و انتقال آن به بدن) سپس از نطفه سپس از علقه (لخته خون مبدّل از نطفه) سپس از مضغه (پاره گوشتی مبدّل از علقه) که برخی دارای خلقت کامل و برخی غیر کامل است ، تا (کمال قدرت و حکمت خود را در این آفرینش تدریجی) برای شما روشن سازیم ، و ما آنچه را بخواهیم (از مضغه) در رحم ها تا مدت معینی (که جنین کامل شود) برقرار می داریم ، سپس شما را در حال کودکی بیرون می آوریم ، سپس (حفظ می کنیم) تا به کمال رشد بدنی و روحی خود برسید ، و برخی از شما (قبل از پیری) قبض روح می شود و برخی از شما به پایین ترین مرحله عمر بازگردانده می شود تا عاقبت بعد از دانش (فراوان) چیزی نداند. و (روی) زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می بینی ، پس چون آب را (به صورت باران و برف و تگرگ) بر آن فرو فرستیم می جنبد و بالا می آید و از هر نوع (گیاه و نهال) بهجت انگیز می رویاند. این (طرز خلقت انسان و نبات) بدان سبب است که خداوند حق و ثابت است و اوست که مردگان را زنده می کند و او بر هر چیزی تواناست. همانا قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست ؛ و خداوند تمام کسانی را که در قبرها آرمیده‌اند، زنده خواهد کرد (سوره حج، آیات ۵-۷)"

خداوند متعال می فرماید:

"و برای ما مثالی زد در حالی که آفرینش خود را فراموش نموده ، گفت: چه کسی این استخوان ها را زندگی می بخشد در حالی که چنین پوسیده و خاکستر شده است. بگو: همان کسی آنرا زنده میکند که نخستین بار آنرا آفرید، و او به هر مخلوقی آگاه است!"

(سوره یاسین، آیات ۷۸-۷۹)

زنده شدن در بهار

هیچ نشانی از زندگی در زمین و موجودات آن وجود نداشت. آخرین جانداری که در اینجا پناه می جست، ماهها پیش قاطی خاک شده؛ از برگهایی که افتاده بود نیز اثری نمانده است. تنها درختان خشک در میان بود. درختان خشک و بیجان همانند اسکلت. در آنها هم کوچکترین نشانی از زندگی نبود.

سپس یک مژده حشر و زنده شدن به زمین رسید. طنین آن مژده در آسمانها طنین انداز شد. آفتاب با آن مژده خندید. و زمین آرام آرام کفن خود را از تن درآورد.

رفتگان بدون اینکه از خود ردی بجا بگذارند رفته بودند. معلوم نشد که آنهایی که می آمدند از کجا می آیند. پشت سر هم همانند اینکه از عدم پدید می آیند بوجود می آمدند. ببین نشانه رحمت خدا را که مردگان را چگونه زنده می کند!

اسکلتها یک به یک زنده شدند. از هیزمهای کاملا خشک برگها سبز شدند، گلها شکفتند و میوه ها فوران کردند. هر کدام از آنها، با هزاران زبان شروع به ذکر جان دهنده خود کردند. آثار رحمت خدا را ببین که چگونه مردگان را زنده می کند، چگونه زینت می دهد و چگونه به سخن می آورد!

هر گل دعوت به عشق بود برای پروانه ها. هر کدام از آنها، هر روز صدها مهمان را در دل خود میزبانی کردند. به هر کدام ازخزانه رحمت خداوند شربتها دادند. پروانه ها هم به همراه خود آینده گلهایی که آنها را میزبانی کرده بودند را حمل کردند. برای اینکه در رستاخیز بعدی زمین با گلهای تازه تبسم نماید.

این گلها و این پروانه ها وقتی که شما آنها را تماشا می کنید بلکه خیلی وقت پیش می مردند. باشد. بجای آنها گل و پروانگان دیگری زنده خواهد شد. اول رفتگان و بعدا آیندگان؛ یعنی تمامی موجودات همیشه از یک دهان جان دهنده و آفریننده همیشگی را بیان خواهند نمود. خواهند گفت که "ما فانی هستیم!" و به آنهایی که با قلبشان می بینند خداوند باقی را نشان خواهند داد. و با هر زنده شدن زمین صدای قرآن در عوالم طنین انداز خواهد شد:

"پس بنگر به نشانه های رحمت خدا که چگونه زمین را بعد از مرگش زنده می سازد، همانا این خداست که مردگان را زنده می کند و او بر هر امری تواناست (سوره روم، آیه ۵۰)"



محشر

به منظور دادن حساب در محضر خداوند گرد هم می آییم

وقتی که دوباره زنده شدیم از قبرهایمان برخواسته به منظور دادن حساب اعمالمان در دنیا در محضر خداوند جمع خواهیم شد. به این جمع شدن "حشر"، به محلی که به منظور دادن حساب در آنجا جمع می شویم نیز "محشر" گفته می شود.

روز محشر، در دشتی بی انتها در محضر خداوند متعال، در زیر گرمای طاقت فرسا جمع شده منتظر خواهیم شد. خداوند آن روز برایمان چنین بیان می کند:

"روزی که کوهها را به حرکت آوریم و زمین را آشکار ببینی و همه آنهارا گرد می آوریم و هیچ یک از آنها را فروگذار نمی کنیم. و همگی آنها صف بسته بر پروردگار تو عرضه شوند. (به آنها گوییم) حقّا همان گونه که شما را نخستین بار (در دنیا تنها و تهیدست) آفریدیم (امروز) نزد ما آمدید. بلکه (در دنیا) گمان می کردید که هرگز برای شما وعده گاهی (برای حساب و جزا) قرار نمی دهیم! (سوره کهف، آیات ۴۷-۴۸)"

هر روحی در محشر به فکر خود خواهد بود. محشر برای انسانها روز بسیار سختی است. روزی سخت، ترسناک و وحشتناک می باشد. در آن روز حتی فرصت توجه کردن به نزدیکانمان و جویای حال شدن را نخواهیم یافت:

"در آن روز که انسان از برادر خود فرار می کند، و از مادر و پدرش، و زن و فرزندانش، در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملا به خود مشغول میسازد صورتهایی در آن روز گشاده و نورانی است، خندان و مسرور است و صورتهایی در آن روز غبارآلود است، و دود تاریکی آنها را پوشانده آنها همان کافران فاجرند (سوره عبس، آیات ۳۴-۴۲)"

پیامبر عزیزمان می فرماید:

"در روز قیامت که سایه دیگری نخواهد بود، خداوند متعال، هفت قشر از مردم را در سایه عرش خود پناه خواهد داد:

- حاکم عادل
- جوانی که ضمن بندگی به خدا زندگی پاکی داشته
- مسلمانی که به مساجد علاقه قلبی دارد
- دو انسانی که همدیگر را به خاطر خدا دوست دارند و باهم بودن و جدایی آنها به خاطر خداست
- جوانی که با گفتن"من از خدا می ترسم!" به دعوت زنی زیبا و صاحب منصب برای زنا نزدیک نشود
- کسی که چنان در خفا صدقه دهد که اگر با دست راستش دهد دست چپش متوجه نشود
- کسی که در خلوت خدا را بخاطر آورده و گریه کند. (بخاری، اذان، ۳۶)"

مردی که منکر خدا و آخرت بود

دو برادر بودند. یکی از اینها دارای کودکان تندرست و ثروت زیادی بود. این مرد دارای دو باغ بزرگ انگور بود. باغات او با درختان خرمایی که خوشه خوشه انگور داشتند احاطه شده بود. در میان باغات نیز رودی جاری بود کف مزارع وسیعی را آبیاری می کرد.



تابستان آمده بود و انگور باغها رسیده بودند و خوشه های خرما همانند مروارید می درخشیدند. مرد ثروتمند روزی دوست خود را دعوت کرد تا باغات و مزارع را برای آن نشان دهد. فرصت این را خواهد یافت تا در باغات بگردد و ثروتی را که دارد را به دوستش نشان دهد.

صاحب مزرعه، باغات و مزارعی را که مالك آنها بود را به دوستش نشان می داد. میوه ها و خصوصیات آن را تك به تك بیان می کرد. از نشان دادن مال و ملك خود احساس لذت می کرد. بقدری مفتون ثروت خود شده بود که خداوندی را که این همه نعمت را به او داده بود را فراموش کرده بود. در ذهنش فقط ثروت خود بود. با غرور به این ثروت به دوستش گفت:

– من صاحب مال و ملك بیشتری از تو هستم. گفت که از لحاظ فرزندان نیز دارای اعتبار بیشتری نسبت به تو هستم.

سپس در باغ دیگری وارد شدند. میوه های رسیده چشم را خیره می کرد. با دیدن اینها مرد ثروتمند دوباره دچار غرور و نخوت شد. در این حین این سخنان از زبانش جاری شد:

– اصلا فکر نمی کنم که این باغ نابود شود. دیگر باورم نمی شه که قیامتی هم در میان باشد. شاید اگر هم قیامت رخ دهد هم خدا به من بهتر از این باغ را بدهد. چون من مرد معتبر و ثروتمندی هستم. خداوند البته که به خاطر ثروتم به من خواهد داد.

دوستش که به آخرت و روز قیامت باور داشت، از سخنان مرد ثروتمند عصبانی شد و چنین تذکر داد:

– آیا تو خدایی را که تو را از خاک آفریده و به شکل انسان در شکم مادرت قرار داده را منکر می شوی؟



بدان که من؛ به خدا ایمان قلب داشته هیچ چیزی را شریک او قرار نمی دهم. عوض اینکه به هنگام دیدن باغ و نعمتهای موجود در آن به یاد خدایی که آنها را به تو ارزانی نموده بیافتی او را انکار می کنی. کاش به هنگام وارد شدن به باغت می گفتی "ماشاء الله! خدا چه زیبا آفریده است. این زیبایی ها تنها با قدرت خدا می تواند تحقق یابد." بلی، الان ثروت و فرزندان من کمتر از توست اما من امید ابدی دارم که خداوند باغهایی بهتر از تو را به من خواهد داد. نگاه کن! اگر چنین رفتار کنی و در مقابل نعمتهایی که داده به کفران نعمت اصرار کنی، خداوند نعمتها را از دستت می گیرد. با بلایی که نازل می کند باغ تو فورا محو و نابود می شود. و یا اینکه آبهای جاری آن خشک شده دیگر نمی توانی این آبها را پیدا کنی. این باغات و مزارع زیبا نابود می شود.

زمان زیادی از سخنان این مرد مومن نگذشته بود که گفته هایش به حقیقت می پیوندد. آبهای باغات ناگهان خشک شدند. باغها خشک شدند، مزارع از بی آبی ترک خوردند. به دلیل بلایی که باغات را به خاکستر تبدیل کرد میوه ها ریخته، درختان به اسکلت تبدیل شدند، محصولات خراب شدند. مرد ثروتمندی که مغرور شده بود؛ باز برای دیدن مزارع و باغات خود آمده بود. با دیدن نابودی آنها دیوانه شد. با ناراحتی شروع به ضجه و زاری کرد. آن همه زحمتی که کشیده بود به هدر رفت، تمام ثروتش نابود شده بود. این بار از زبان مردی که به خاطر اعمال و سخنان قبلی خود پشیمان شده بود، این سخنان جاری شد:

– ای کاش کسی را شریک خدا نمی کردم. کاش در مقابل نعمتهایی که او داده ناسپاسی نمی کردم. (نگاه کنید به سوره کهف، آیات ۳۲-۴۴)

داده شدن دفتر اعمال

دفتر اعمالی که اعمال دنیوی ما در آن ثبت شده را می گیریم

پس از گردآمدن در محل محشر دفتر اعمال ما را که اعمال دنیوی ما در آن ثبت شده را به ما خواهند داد. این دفتر اعمال که توسط کراما کاتبین ثبت شده، تمای خوبی ها و بدی های ما با کوچکترین جزئیات در آن ثبت شده گردیده است. تمامی ثواب و گناهان کوچک و بزرگ ما در آن نوشته شده است. خداوند بلند مرتبه مان حیرت و ترس گناهکارانی که دفتر اعمال خود را می گیرند را این چنین بیان می کند:

"و کتاب اعمال نهاده شود و گنه کاران را از مندرجات آن هراسان بینی و گویند: ای وای بر ما، این چه کتابیست که هیچ گناه کوچک یابزرگی نیست جز آنکه آن را به شمار آورده و هر چه انجام داده اند، حاضر می یابند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند (سوره کهف، آیه ۴۹)"

داده شدن دفتر اعمال از سمت راست یک مژده بوده، داده شدن آن از سمت چپ و یا عقب نیز قاصد عذاب است. دفتر اعمال برای بهشتیان از سمت راست و برای جهنمیان نیز از سمت چپ و یا عقب داده خواهد شد.

آن روز کسی نخواهد توانست مندرجات دفتر عمل خود را انکار نماید. هر کسی اعمال دنیوی خود را در آن دیده و خودش شاهد خود گردیده کارهایی را که انجام داده اعتراف خواهد نمود:

"و ما مقدرات هر انسانی را ملازم و طوق گردن او ساختیم و ما آن رادر روز قیامت بصورت کتابی که نامه اعمال اوست بر او بیرون می آوریم درحالیکه آن را گشوده ملاحظه می کند (به او گفته می شود) کتاب (اعمال قلبی و بدنی) خود را بخوان ، تو خود کافی هستی که امروز حسابرس نفس خود باشی. (سوره اسراء، آیات ۱۳-۱۴)"



حساب و سوال

حساب اعمال خود در دنیا را می دهیم

در محل محشر و در زیر گرمای طاقت فرسا، با بی قراری، ترس و هیجان منتظر شروع حسابرسی خواهیم بود. بالاخره حساب شروع شده و با در دست گرفتن دفتر اعمال خود در حضور پروردگار خواهیم ایستاد. همانگونه که آفتاب در یک لحظه موجودات بسیاری را روشن می کند ما هم در یک لحظه توسط پروردگار بلندمرتبه مان تک به تک حسابرسی خواهیم شد. از زمان مسئولیت (نوجوانی) تا زمان مرگ بخاطر اعمالمان حسابرسی خواهیم شد.

پیامبر عزیزمان فرموده که در روز محشر کسی نمی تواند یک قدم بردارد مگر اینکه به پنج مورد زیر درباره او حسابرسی شود. به همین سبب انسانها در مورد:

۱- عمر خود را به چه صرف کردی؟

۲- جوانی خود را چگونه گذراندی؟

۳- دارایی خود را چگونه کسب کردی؟

۴- دارایی خود را صرف چه چیزی کردی؟

۵- انجام و یا عدم انجام دانسته های خود

مورد حسابرسی قرار خواهند گرفت. (ترمذی، قیامت، ۱)

در حساب و استنطاق آخرت بی عدالتی در حق کسی انجام نخواهد گرفت. حق کسی در کسی نخواهد ماند، ظالمین و مظلومین با هم روبرو خواهند شد. حساب کسانی که در دنیا بر دیگران بدی و بی عدالتی کرده اند بسیار سنگین خواهد بود. حق مظلومان گرفته خواهد شد، ظالمان نیز مجازات بدی های خود را دریافت خواهند کرد.

پیامبر عزیز ما می فرماید:

اولین چیزی که از بنده پرسیده خواهد شد نماز است.

(ابو داود، صلاة، ۱۴۵)



”قبل از حسابرسی خود را مورد حسابرسی قرار دهید. خود را برای دادگاه بزرگ آماده کنید. حساب آخرت تنها برای کسانی سبک و آسان خواهد بود که خود را در دنیا مورد حسابرسی قرار داده اند“

(حضرت عمر)

میزان

در ترازوی عدالت خداوند ثواب و گناهان ما سنجیده می شود

از ماهیت میزان، بعنوان ترازوی عدالت تنها خداوند باخبر است. وسیله ای است که پس از حسابرسی، گناهان و ثوابهای ما در آن سنجیده می شود. به هنگام سنجیده شدن اعمالمان در میزان اگر تیکی های ما سنگین تر باشد به رستگاری خواهیم رسید. کسانی هم که بدی های آنها سنگین تر باشد پریشان خواهند شد. خداوند بلند مرتبه این وضعیت را چنین شرح می دهد:

"و ما در روز قیامت (برای سنجیدن عقاید و صفات و عمل های مکلفین) سنجش ها و ترازوهای عادلانه می نهیم ، پس به هیچ کس هیچ گونه ستم نمی شود و از استحقاقش کاسته نمی گردد ، و اگر (عمل مکلف در خردی) به وزن دانه خردلی هم باشد آن را می آوریم و همین کافی است که ما حسابگریم. (سوره انبیاء، آیه ۴۷)"

هیچ ترازویی مانند ترازوی میزان حساس نمی باشد. تمامی اعمال خوب و بد ما که در دنیا انجام می دهیم در میزان قرار گرفته و سنجیده خواهد شد. سنجش خوبی های خود را که با احساس قلبی مبادرت به آن کرده ایم در میزان خواهیم دید.

ادای جملاتی مانند "الحمد لله" و "سبحان الله" در میزان سنجیده خواهد شد. تلاشهایی که در راه خدا انجام داده ایم، خستگی و زحمتهایی که برای گسترش دینمان انجام داده ایم، حتی گردهای پایمان که در انجام کار نیک بر ان نشسته نیز در میزان سنجیده خواهد شد. گشاده رویی که برای انسانها کرده ایم، شکلاتی که برای دوستانمان داده ایم، یک لیوان آبی که برای بزرگانمان داده ایم و تکه نانی که با محبت جلوی یک گربه گذاشته ایم در کفه خوبی های میزان گذاشته خواهد شد.

چه کسی می داند بلکه یک عمل خوبی که در نظر ما بسیار کوچک است موجب سنگین تر شدن کفه اعمال خوب ما خواهد شد. به همین دلیل حالا که در دنیا هستیم اعمال صالح سنگین تر کننده کفه نیکی های میزان را بیشتر کنیم. کلمه توحید، استغفار، دعا و ذکر ورد زبان خود کنیم. هیچ عمل خوبی را کوچک ندانیم. در هر فرصتی رفتاری انجام دهیم که خداوند خشنود شود.



تو نیکی میکن و در دجله انداز

که ایزد در بیابنت دهد باز

صراط

از پل صراط که بر روی جهنم قرار دارد می گذریم

صراط پلی است که بر روی جهنم قرار دارد و تمامی انسانها از روی آن خواهند گذشت. گفته شده که این پل از مو باریکتر و از شمشیر برنده تر است. عبور ما از پل صراط بر اساس باور و رفتارهای ما در دنیا خواهد بود. بخشی از مومنین با سرعت نور، برخی با سرعت و بعضی ها دوان دوان و قسمتی از آنها هم قدم زنان از روی آن عبور خواهند کرد. حتی کسانی خواهند بود که چهار دست و پا و یا سینه خیز از روی آن خواهند گذشت. کافران و کسانی که کفه گناهان آنها در میزان سنگین تر شده نمی توانند از این پل عبور کرده پایشان لغزیده و در قعر جهنم خواهند افتاد.



بهشت

بهترین پاداش اعمال خود در دنیا را دریافت می کنیم

بهشت، پاداشی است که خداوند متعال برای بندگان مومن خود مهیا کرده است. سرزمینی است که بندگان با ایمان در آن بطور ابدی در شادی و زیبایی خواهند ماند. در بهشت مرگ وجود ندارد، زندگی بی پایان است. هر کسی که وارد بهشت گردد هر چیزی را اراده کند پیدا خواهد کرد. هر چیزی را که دلش بخواهد طعم آن را خواهد چشید، و به هر مقداری که بخواهد به او داده خواهد شد.

در بهشت مشابه نعمت های دنیوی؛ اما نه عین آنها، بسیاری میوه، سبزی، غذا، لباس، قصرهایی که از زیر آنها نهرهایی روان است وجود دارد. به همراه اینها نعمتها و زیباییهای بسیاری که در عقل و خیال نمی گنجد وجود خواهند داشت.

خداوند متعال، بهشت و زیبایی های موجود در آن را در بسیاری از آیات قرآن بیان کرده است. معانی برخی از این آیات این چنین است:

"به تقواپيشگان خطاب مي شود: اي بندگان من، امروز نه هيچ ترسي بر شما است و نه اندوهگين مي شويد. اي كساني كه به آيات ما ايمان آورديد و تسليم فرمان ما بوديد،شما و همسران با ايمانتان، شادمان و خندان به بهشت درآييد. كاسه هايي زرّين و جام هايي بر آنان مي گردانند تا از خوراكي ها و نوشيدني ها بهره برند، و در آن جا هر چه دل ها بدان رغبت كند و چشم ها از ديدنش لذّت برد وجود خواهد داشت و شما در آن جاودان خواهيد بود. و اين است آن بهشتي كه در برابر آنچه انجام مي داديد به شما داده شده است. در اين جا براي شما ميوه هاي فراوان خواهد بود كه تنها بخشي از آنها را مي خوريد؛ چرا كه پايان ناپذيرند. (سوره زخرف، آيات ۶۸-۷۳)"

پیامبر اکرم با بیان نعمتهای بهشت، زندگی آنجا را چنین خلاصه می کند:

"به هنگام ورود بهشتیان به بهشت کسی این چنین خطاب خواهد نمود: شما در بهشت بصورت ابدی زندگی کرده و اصلا نخواهید مرد. همیشه تندرست بوده و اصلا بیمار نخواهید شد. همیشه جوان مانده و اصلا پیر نخواهید شد. همیشه داخل نعمت و شادی زیسته و اصلا غم و سختی نخواهید کشید(مسلم، بهشت، ۲۲)"



ناراحتی، کینه، نفرت و دشمنی در بهشت وجود ندارد. هر کسی به یکدیگر محبت و احترام خواهد کرد. انسانها همدیگر را ملاقات خواهند کرد، با تکیه بر بهترین مبلها صحبتهای خوبی با هم نمود. به بیان پیامبر عزیزمان "قلب بهشتیان همانند قلب یک انسان واحد تپیده و احساسات مشترک داشته و هیچ اختلاف و نزاعی بوجود نخواهد آمد(مسلم، بهشت، ۱۷)"

جهنم

محلی که ظالمان و کافران به آنجا خواهند رفت

جهنم، محل عذاب و مجازات است. کافران، مشرکان، ظالمان و گناهاران در آنجا مجازات خواهند گردید. عذاب خداوند در جهنم وجود دارد. کسانی که به خدا و آخرت ایمان ندارند تا ابد در آنجا زندگی کرده به دلیل انکارشان از رحمت و رضای خداوند محروم

خواهند شد. مومنین گناهکار نیز مجازات گناهان خود را در جهنم خواهند کشید؛ ولی مانند کافران تا ابد در جهنم باقی نخواهند ماند. پس از مجازات شدن به بهشت وارد خواهند شد.

وقتی که گناهکاران به جهنم وارد می شوند، جهنم شراره های بزرگی را بر روی آنها خواهد پاشید صدای مهیب آن از دور بگوش خواهد رسید. به دوزخیانی که تشنه هستند خون و خونابه بجای آب داده خواهد شد و آبهای جوشانی داده خواهد شد که روده های نوشنده آن را تکه تکه خواهد کرد.

در جهنم خنک بودن وجود ندارد. چیزی را که انسانها به عنوان سایه تلقی خواهند کرد و در پی آن خواهند دوید نیز چیزی جز آتش نخواهد بود. در آنجا یا برودت منجمد کننده و یا آتش سوزاننده وجود دارد. در جهنم پوست کسانی که می سوزند دوباره تازه شده و به کرات طعم عذاب آتش برای آنها چشانده خواهد شد.

دوزخیان احوال خوب بهشتیان را دیده و طلب کمک از آنها خواهند نمود. اما این خواسته آنها رد خواهد شد:

"واهل آتش ،اهل بهشت را ندا می دهند که از آن آب یا از آن چیزهایی که خدا روزیتان کرد بر ما بریزید، اما بهشتیان می گویند: بدرستی خدا اینها را بر کافران حرام کرده است (سوره اعراف، آیه ۵۰)"

جهنمیان به اعمالی که در دنیا انجام داده اند بسیار پشیمان خواهند شد. بزرگترین آرزوی آنها مردن و یا برگشت مجدد به دنیا خواهد بود. آنها آرزو خواهند کرد که دوباره به دنیا برگشته، ایمان آورده، فرایض عبادت را انجام داده و زندگی با اخلاق پسندیده و بدست آوردن این چنینی بهشت را خواهند خواست. اما چنین چیزی برای آنها ممکن نخواهد بود. دیگر آنها نه می توانند بمیرند و نه به دنیا باز گردند.

کسب رضا و محبت خداوند و رسیدن به رحمت او بعنوان بنده ای که علم بر بهشت و جهنم دارد بایستی بزرگترین هدف زندگی ما باشد. تحقق این چنین هدفی نیز با زندگی با ایمان و انجام اعمال خوب میسر خواهد شد. اگر چنین است تمام زندگی خود را مومنانه زندگی کنیم. مطابق دستورات و محرمات خداوند زندگی نماییم. عبادات خود را بجای آوریم. اخلاق حسنه داشته باشیم. مراقب خقوق خدا، انسانها و دیگر موجودات باشیم. بدون فوت وقت برای گناهانی که مرتکب شده ایم توبه کنیم و از خدا مغفرت بطلبیم. بدین ترتیب خود را از عذاب جهنم برهانیم. در آخرت از رحمت و مهربانی بی کران خداوندی محروم نشویم.



رحمت و مهربانی خدا بی پایان است



وقتی که سوره حمد را با بسم الله الرحمن رحیم شروع می کنیم نام خدا را به همراه صفات "رحمن" و "رحیم" با هم می آوریم.

بلی خداوند رحمان است. به همین سبب به تمام موجودات جهان مرحمت می کند. بدون تبعیض بین کافر و مسلمان به همه کس لطف می کند. رحمت خداوند شامل همه چیز می شود. دادن نعمتهای بی شمار خداوند با وجود ارتکاب گناه توسط بندگانش، گستردگی رحمت او را نشان می دهد.

خداوند رحیم است. روز آخرت، رحمتش به مومنین بی کران خواهد بود. پیامبر بلند مرتبه ما به بندگان مومنش همانند دنیا در آخرت هم مرحمت خواهد فرمود. همچنین رحمت خداوند در آخرت به مراتب بیشتر از مرحمت آن در دنیا خواهد بود. کسی که در قلب خود ذره ای ایمان داشته باشد از رحمت خداوند مستفیض شده و وارد بهشت خواهد شد. پیامبر عزیزمان وسعت رحمت خداوند را این گونه بیان می کند:

"خداوند متعال صد رحمت دارد. یکی از اینها را میان انسانها، اجنه، حیوانات و حشرات فرو آورده است. به همین دلیل است که آنها یکدیگر را دوست داشته و به هم رحم می کنند. حیوان وحشی به همین دلیل به بچه خود مهربانی می کند."

خداوند متعال می فرماید:

”بگو اي بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روي روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را مي آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است“

(سوره زمر، آیه ۵۳)

خداوند، نود و نه رحمت باقیمانده را برای مرحمت به بندگانش در روز قیامت نزد خود نگه داشته است. (بخاری، ادب ۱۹؛ مسلم، توبه ۱۷)

اگر یک صدم از رحمت خداوند بلند مرتبه این چنین باشد بقیه اش را شما فکر کنید. اگر این همه محبت و رحمت موجود در جهان از یک تکه از رحمت خداوند نشات گرفته باشد کسی چه می داند که رحمت او در آخرت چه وسعتی خواهد داشت. باز هم این مژده و رحمت وسیع خداوندی نباید ما را دچار اشتباه کند. نباید که موجب فراموش شدن این شود که مرگ با ایمان در گرو زندگی با ایمان است. در غیر اینصورت شیطان و نفسمان، با وسوسه هایی مانند "تو ایمان داری، بالخره خدا تو را می بخشد. در جهنم کمی سوخته و نجات پیدا می کنی" می تواند ما را از عبادت و رفتار پسندیده باز دارد. می تواند موجب سوق به ارتکاب گناه شود. حتی خدایی نکرده بدون اینکه متوجه شویم می تواند سبب خارج شدن از محدوده ایمان کند.

از سویی دیگر نبایستی از انسان بودن و توانایی انجام گناه را هم نبایستی اغماض کنیم. نباید امید رحمت خدا را به خاطر گناهانی که مرتکب شده ایم از خود قطع کنیم. هر چه باشد باید به خداوند متعال روی آورد و از او طلب عفو کنیم.

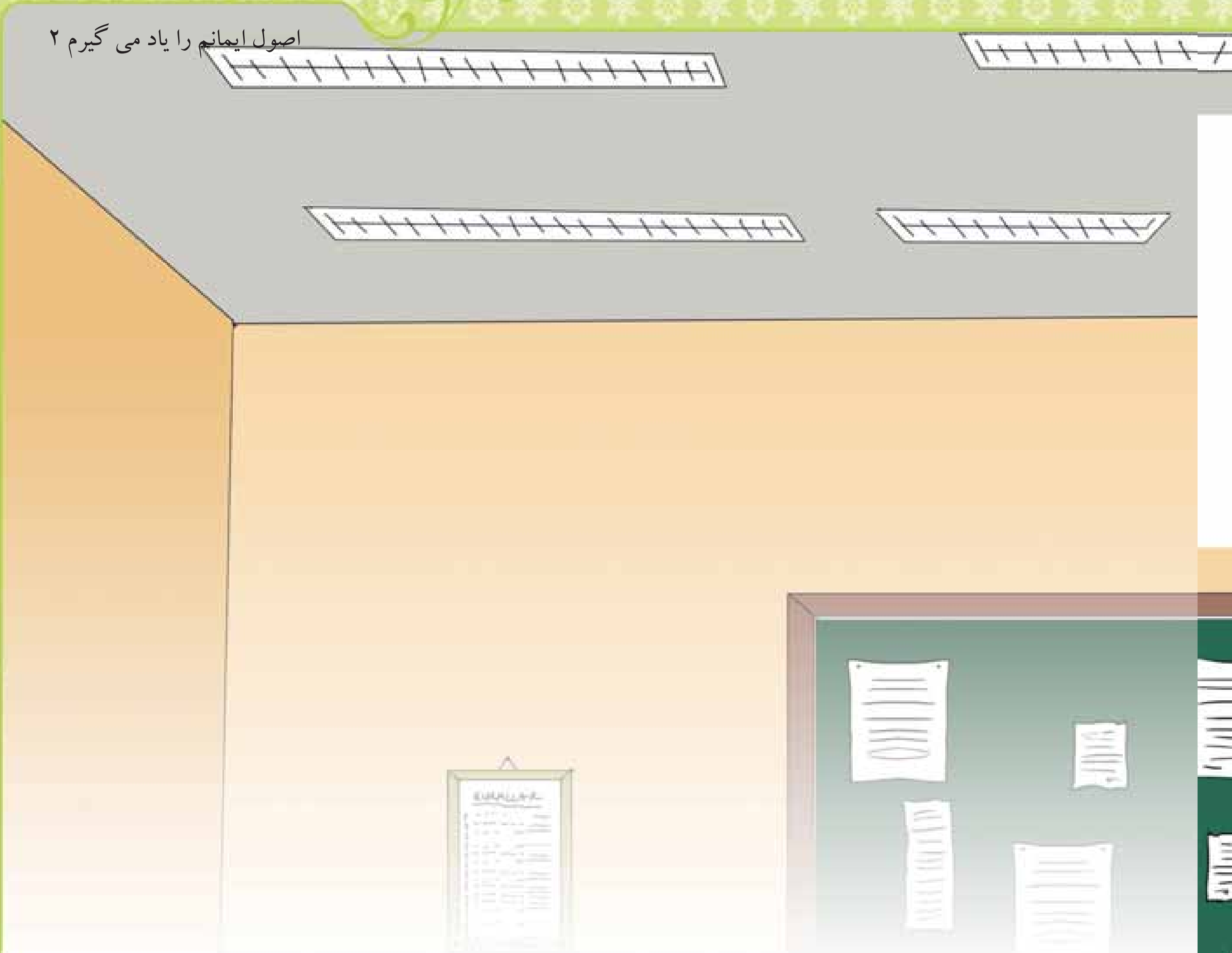
در آن صورت به عنوان یک مومن بین خوف و رجا زندگی کنیم. مدام نگرانی از دست دادن مهر خداوندی و دچار عذاب وی شدن را در قلبمان داشته باشیم. همزمان با آن داشتن رحمت و مرحمت بی پایان او و بی اندازه بخشاینده و آمرزنده بودن او را فراموش نکنیم. بخاطر خطاها و گناهانمان اصلا دچار نا امیدی نشویم.



مشکل ابراهیم

ابراهیم به هنگام خارج شدن از کلاس متوجه شد که پول سلیم از جیبش افتاد. اما این را به او نگفت. منتظر شد تا همه از کلاس خارج شوند. به محض خالی شدن کلاس فورا پول را برداشت، برای اینکه کسی متوجه نشه آن را با عجله در جیبش گذاشت. اما از آن لحظه به





بعد عدم آرامش قلبش را فرا گرفت. کمی بعد زنگ زده شد. همه داخل شدند. سپس معلم وارد شد و درس شروع شد. اما ذهن ابراهیم همه اش درگیر پول سلیم بود. در حالیکه معلم درس را شروع کرده بود نمی توانست اصلا به آن گوش دهد. زیرا فکر می کرد که "اگر بفهمند که پول را من برداشته ام"، هر چه فکر می کرد آرامشش بهم می خورد.

زمانی سخنان معلم در مورد ایمان به آخرت نظر ابراهیم را به خود جلب کرد. زیرا معلم، اظهار می کرد که هر کس بخاطر اعمال خود در دنیا در آخرت حساب پس خواهد داد و عوض اعمال خود را در آخرت خواهد دید. ابراهیم که این حرفها را شنید آرامش خود را بکلی از دست داد. دیگر در جای خود آرام نداشت.

شروع کردن به فکر کردن در مورد اینکه"کاش که این درس تمام شود و پول سلیم را داده و از این مشکل رهایی پیدا کنم". در پایان دقایقی که به سختی گذشت بالاخره زنگ زده شد. ابراهیم یک هو هیجانی شد. عدم آرامشی که عمل انجام شده در طول درس به او داده بود او را بسیار آشفته کرده بود.

همه کس که در حال خارج شدن از کلاس بودند ابراهیم با صدایی گرفته و لرزان گفت:

– سلیم! این پول در زنگ سیاحت قبلی از جیب تو افتاده بود. "من برداشتم؛ اما همان لحظه نتوانستم به تو بدهم، ببخش!

سلیم از اینکه ابراهیم پولش را داد از او تشکر کرد. ابراهیم هم بخاطر رهایی از این حالت سخت خدا را شکر کرده و یک آه عمیق کشید. همزمان با آن متوجه تاثیر باور مسئول بودن در آخرت به دلیل اعمال انجام شده در دنیا گردید. به خودش قول داد که دیگر از این کارهای اشتباه انجام ندهد.

م. یاشار کان دمیر

مزایای ایمان به آخرت

ایمان به آخرت

- احساس مسئولیت به ما می دهد
- حاکم شدن تفکر حق و عدالت در جامعه را تامین می کند
- ما را از غرور نجات می دهد
- ما را ازمحرمات دور کرده، و ما را به کسب روزی حلال و پاك رهنمون می شود

اعتقاد به آخرت، به معنی باور دادن حساب تمامی کارهایی که در دنیا کرده ایم در آخرت می باشد. در چنین شرایطی، معتقد می شویم که از یک امتحان بزرگ خواهیم گذشت. متوجه می شویم که وظایف و مسئولیتهایی در قبال خدایی که ما را از عدم بوجود آورده، جامعه ای که در آن زندگی می کنیم و سایر موجودات بر عهده داریم. بر این باور می رسیم که نیکوکاران پاداش گرفته و بدکاران نیز مجازات می شوند. چنین ایمانی، به ما حس مسئولیت می دهد. سبب می شود تا بتوانیم احساسات، افکار و رفتارمان را کنترل کنیم.

هنگامی که با آگاهی مسئولیت حرکت می کنیم، برای آماده شدن برای امتحان محشر تبلش می کنیم. وظایف خود را به بهترین نحو انجام می دهیم. به گفته ها و رفتارمان توجه می کنیم. تلاش می کنیم که بهشت را بدست آورده و خود را از جهنم حفظ کنیم. عبادات خود را بجای می آوریم. با خانواده و دوستانمان خوب رفتار کرده، بی عدالتی در حق کسی انجام نمی دهیم. تبدیل به انسان درستکاری می شویم.

خداوند متعال می فرمایند:

”آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است (علاوه بر خود آنها) ملك حقیقی خداست ، و اگر آنچه در دل دارید (از عقاید فاسده و ملکات رذیله ، نه مجرد خطورات و نه ملکات غیر اختیاری) آشکار نمایید یا پنهان سازید خدا شما را به آن محاسبه می کند ، پس هر که را بخواهد (به اقتضای رحمتش) می بخشد و هر که را بخواهد (به اقتضای عدلش) عذاب می کند ، و خدا بر هر چیزی تواناست.“

(سوره بقره، آیه ۲۸۴)

اطمینان انسانها به یکدیگر در جامعه اهمیت بسیار دارد. اطمینان میان افراد نیز با حق و عدالت به تحقق می پیوندد. این، در جامعه ای که از مومنان دارای باور قوی و محکم به آخرت آسانتر میسر می گردد. زیرا اعتقاد به دادن حساب برای اعمالمان در آخرت، زاویه نگرش ما را به انسانها و دیگر موجودات عمیقا تحت تاثیر قرار می دهد. به روابط ما با آنها جهت می دهد. حاکم شدن تفکر حق و عدالت در جامعه را تامین می کند.

اگر دارای باور قوی و محکم به آخرت باشیم حق مردم را نمی خوریم. به سخنان و رفتارمان توجه می کنیم. از سخنان زشت و آزرده کننده پرهیز می کنیم. بی عدالتی در حق کسی روا نمی داریم. با ایتام و فقرا رفتار پسندیده ای می کنیم. به اندازه ای که به حق خود توجه می کنیم مراقب حقوق دیگران هم بوده و به آنها احترام می گذاریم. چیزهایی که متعلق به ما نیست را برنمی داریم. به دارایی، زندگی، ناموس و حق و آزادی دیگران آسیب نمی رسانیم. خیانت در امانت نمی کنیم. بطور خلاصه انسان مورد اطمینانی می شویم که از دست و زبانش ضرری به کسی نمی رسد.

رسول الله صل الله علیه و سلم، پرسیدند:

"آیا می دانید ورشکسته کیست؟" اصحاب گفتند:

- ورشکستگی ای که ما می دانیم؛ کسی است که پول و دارایی نداشته و تمام چیزهایی را که بدست آورده را از دست داده است.

رسول الله صل الله علیه و سلم فرمودند:

"کسی در روز قیامت با ثوابهای نماز، روزه و ذکات آمده. ولی به کسی ناسزا گفته، به کسی تهمت زنا زده است. دارایی کسی را گرفته، خون کس دیگر را ریخته، شخص دیگری را هم مورد ضرب و شتم قرار داده است. به همین سبب ثواب کارهای خوبش از او گرفته شده و به کسانی داده شده که حق آنها را پایمال کرده است. اگر قبل از تمام شدن حقوق اشخاصی که بر گردن وی می باشد ثوابهای او تمام شود خداوند گناهان صاحبان حقوق را بر او خواهد گذاشت. سپس به جهنم انداخته می شود. کسی که از امت من ورشکسته است این چنین خواهد بود."

(مسلم، بر' ۵۹)



یکی از مهمترین عناصری که آرامش و صلح را در یک جامعه تامین می کند همیاری است. کمک به دیگران، برطرف کردن گرسنگی و مشکلات آنها، پل محبتی بینمان ایجاد می کند.

وقتی به آخرت ایمان داشته باشیم به هنگام رفتار کردن تنها به فکر خود نبوده به دیگران هم خواهیم بود. ایمان به آخرت، ما را از غرور نجات می دهد. انسانهایی را که خدواند به بهترین نحو آفریده را دوست داشته و به آنها کمک می کنیم. تلاش می کنیم تا خوبی هایی انجام دهیم که نه فقط در زمان حیات ما بلکه پس از مرگ ما هم ادامه داشته باشد. با ذکات و صدقات خود به کمک فقرا و نیازمندان شتافته نیازهای آنها را برطرف می کنیم.

مسلمانان با تاثیر ایمان به آخرت یک تمدن وقف را ایجاد کرده اند، آثار جاودانه ای را خلق کرده اند. حق استفاده از اینها را برای رضای خدا به دیگران داده اند. نوانخانه ها، بیمارستان ها و سفاخانه هایی برای رفع نیازهای فقرا، بیوگان، ایتام و نیازمندان ساخته اند. وقف های ویژه ای برای مداوای حیوانات بیمار و برطرف کردن نیاز آب حیوانات تشنه تاسیس کرده اند. وقتی زنده بودند فکر بعد از مرگ خود را کرده اند، اعمالی را انجام داده اند که بعد از خود هم برایشان کسب ثواب کند. تنها چیزی که این احساس و تفکر را به انسان می دهد فقط ایمان به آخرت است.

پیامبر عزیزمان می فرماید:

”وقتی انسان می میرد به غیر از سه عمل او ثواب بقیه اعمال او قطع می شود: اینها صدقه جاریه، علمی که از خود آن استفاده می شود و فرزند صالح است که پشت سر خود دعا به همراه دارد“

(به اعمال نیکی که مدام از خود بهره می گیرند ”صدقه جاریه“ گفته می شود. مثلا ساختن مسجد، مدرسه، راه و سقاخانه؛ درختکاری و وقف اموال در راه خدا یک صدقه جاریه می باشد.)

(مسلم، وصّیت' ۱۴)



افرادی که مرگ را فراموش کرده و یوم الحساب را انکار می کنند، از ارتکاب حرام ابایی ندارند. زیرا چنین انسانهایی زندگی را فقط در خوردن و آشامیدن و گردش و تفریح می بینند. رفتار حریصانه داشته، به چیزهایی که دارند بسنده نمی کنند. برای بدست آوردن پول، مقام و شهرت هر نوع کار بد را انجام می دهند. بدون توجه به حلال و حرام بودن فقط به فکر جمع کردن هستند. می توانند دزدی کرده، به خاطر چند قران پول خون ریخته و آدم کشی کنند.

ایمان به آخرت، به ما قناعت پیشگی را با داشته هایمان می آموزد. برکت درآمد حلال را به زندگی ما به ارمغان می آورد. قدرت تحمل بر سختی های کسب روزی حلال را به ما نصیب می کند. احساس گرفتن عوض اینها در آخرت را به قلب ما می نشاند. ما را از چیزهای حرام دور کرده ما را به کسب روی پاک و حلال رهنمون می شود. ما را از احساسات منفی مانند طمع و عدم قناعت دور می کند. فکر نیکی و خدمت به دیگران را در ما تقویت می کند.

خداوند متعال می فرماید:

”... و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند. و او را از جائی که گمان ندارد روزی می‌دهد، و هر کس بر خداوند توکل کند کفایت امرش را می‌کند، خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند، و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.“

(سوره طلاق، آیات ۲-۳)



توازن دنیا و آخرت در زندگی پیامبرمان

پیامبر عزیز ما، در مورد موضوع درک دنیا و آماده شدن برای آخرت بهترین الگو برای ماست. نگاه او به دنیا و آخرت این چنین بود:

پیامبر اکرم، از نعمتهای زیبا و پسندیده در دنیا استفاده می نمود. ولی به دنیا و مسائل دنیوی دل نمی بست. ضمن حرکت با آگاهی "خداوندا! زندگی حقیقی فقط زندگی آخرت است. (بخاری، رقاق، ۱)"، دنیای خود را نسبت به آخرت خود شکل می داد. حساب دادن به خدا را فراموش نکرده و رفتارهایی انجام نمی داد که نتواند در درگاه خداوند پاسخگو باشد. مسئولیتهای خود را در قبال خدا می دانست خللی در عبادات خود راه نمی داد. با رفتارهای خود الگو برای ما می شد.

پیامبر عزیز ما کسی را رنجیده نمی کرد، ناعدالتی در حق کسی نمی کرد، و راضی به انجام بی عدالتی نمی گردید. به حق الناس بسیار اهمیت می داد. در روز قیامت با داشتن حق الناس به گردن خود هراس داشت و توصیه



می کرد که تا فرصت وجود دارد این حقوق را در دنیا بدهید و از صاحبان حق حلالیت بطلبید و این چنین می فرمود: "هر کسی که بر گردن وی ظلم و یا بی عدالتی بر شرف، ناموس و یا اموال برادر دینی خود وجود دارد قبل از اینکه روز قیامتی که در آن طلا و نقره وجود ندارد بیاید، از آن شخص حلالیت بطلبید. در غیر اینصورت اگر اعمال صالحی داشته باشد به اندازه بی عدالتی که انجام داده از ثواب آن برداشته شده و به صاحب حق داده می شود. اگر اعمال صالحی نداشته باشد از گناهان برادری که به وی بی عدالتی نموده است برداشته شده و بر وی تحمیل می گردد. (بخاری، مظالم ۱۰، رقاق ۴۸)"

حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم، مطابق آیات قرآن زندگی نمود. دستور "تا زمانی که مرگ بر تو نرسیده عبادت خداوند را بکن!" (سوره حجر، آیه ۹۹) خداوند متعال، از اصول اساسی زندگی وی بود. تا آخرین نفس خود به عبادت خداوند پرداخت و وظایف بندگی خود را به انجام رساند. زندگی دنیوی وی متناسب با آیه "بگو: نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است." (سوره انعام، آیه ۱۶۲) بود. حتی در بیماری آخرش به عبادات، انجام رسالت پیامبری خویش و آموزش دوستان خود پرداخت.

پیامبر اکرم بر این باور بود که زندگی و مرگ تنها در دست خداوند است. هیچ موقع امید و جسارت خود را از دست نمی داد. معتقد بود که تا زمانی که خدا نخواهد به کسی فایده یا ضرری نمی رسد. به دلیل همین باور خود از مرگ نترسیده، در سختترین مواقع جنگها در صفوف نخست مبارزه می نمود.

پیامبر عزیز ما تعادل دنیا و آخرت را نگاه می داشت. با تمایل کامل به دنیا، از آخرت غفلت نمی کرد. با تمایل کامل به آخرت، دنیا را ترک نمی کرد. دور شدن کامل از نعمتهای دنیوی را مناسب نمی دید. به اصحاب خود نیز در حفظ توازن بین دنیا و آخرت توصیه می نمود. یکبار سه صحابه بین خود در مورد عبادت مستمر توافق کرده بودند. بنا بر این یکی از آنها روزه گرفته و دیگری شبها بطور مستمر نماز خواهد خواند. دیگری هم اصلا ازدواج نخواهد رد. پیامبر ما که از تصمیم دوستانش آگاه شد، با دادن تذکر به آنها این چنین فرمود:

"آیا شمایید که این چنین و آن چنان می گویید؟ به شما اخطار می کنم! قسم به خداوند که من بیش از شما از خدا می ترسم و بیش از شما او را محترم می شمارم. ولی من بعضا روزه گرفته، بعضا نمی گیرم. شبها هم نماز خوانده و هم می خوابم. با زنان نیز ازدواج می کنیم. کسی که از سنت من روی گرداند از من نیست. (بخاری، نکاح، ۱)"

پیامبر عزیز ما هیچ نیکی انجام شده در دنیا را حقیر نمی دید. خبر از حفظ انسانها در برابر جهنم توسط نیکی ها را می داد. اذعان می نمود که کوچترین خوبی هم در آخرت بی جواب نمی ماند، می فرمود که "که اگر با نیم خرما هم شده خود را از آتش حفظ کنید. (بخاری، ذکات، ۹)". مژده می داد که هر نوع نیک بزرگ و یا کوچک انجام شده از ته دل و برای رضای خدا موجب رفتن به بهشت می شود و مثالهای متنوع و جذابی را ایراد می فرمود. یکی از این مثالهای زیبا چنین بود: "یک مرد، سر راه درختی دید، گفت: به خدا قسم می خورم که این درخت را برای اینکه مسلمانان را اذیت نکند از سر راه بر می دارم. شاخه درخت را برداشت و از این رو به بهشت رفت. (بخاری، اذان ۳۲، مظالم ۲۸)".

رسول اکرم از تلاش، مبارزه و انجام کار نیک باز نمی ایستاد. همیشه توصیه می کرد که امیدوار و تلاشگر بوده و کار نیک انجام دهید.

حدیث "اگر به هنگام قیامت نهالی دست شما باشد و توانایی آن را داشته باشید که قبل از وقوع قیامت آن را

بکارید، حتما آن کار را بکنید. (احمد بن حنبل، مسند، ۳، ۱۹۱)" در این رابطه مثالی بسیار زیبا برای ماست.

پیامبر عزیز ما از خدا سلامتی و آفیت طلب نموده و تمیز و منظم زندگی نموده است. اما در مواقع بیماری و سختی ها نافرمانی نمی کرد. مژده می داد که کسانی که در بیماری ها شکیبایی پیشه کرده و منتظر پاداش آن از خداوند هستند؛ این درد، سختی و اضطرابی که تحمل کرده و بلا و مصایبی که شخص با آنها مواجه شده موجب عفو گناهان وی خواهد شد. عیادت بیماران و شرکت در مراسم تشیع جنازه یک مسلمان را به عنوان وظیفه خطیر مسلمانان نسبت به یکدیگر خاطرنشان می فرمود. خود وی نیز این وظیفه را با دقت انجام داده، به عیادت بیماران رفته، برای آنها دعا می نمود. به صبر دعوت نموده و پاداش آن را در قیامت مژده می داد و با سخنان زیبا روحیه به بیمار می داد.



پیامبر عزیز ما، می فرماید: "مرگ را که لذاید را همچون چاقو می برد را بسیار یاد کنید (ترمذی، زهد ۴)"، توصیه می نمود که بدون فراموش کردن مرگ و آخرت زندگی کنید. خود ایشان نیز حقیقت مرگ را همیشه در خاطرشان داشتند و همیشه بصورت آماده به مرگ زندگی می فرمودند. به بیمارانی که در بستر مرگ بودند وحدت، رحمت و وسعت مرحمت خداوند را خاطر نشان کرده به سبک زیبایی کلمه وحدت را تلقین می نمودند. با این روش به با ایمان رخت بربستن آنها کمک می نمودند. به اصحاب خویش نیز چنین می فرمودند: "به اشخاصی از خود که در بستر مرگ هستند گفتن لا اله الا الله را تلقین نمایید (مسلم، جنایز، ۱)".

پیامبر اکرم در مواجه با مرگ نزدیکان و عزیزانش بسیار صبور بودند. این وقایع را از جانب خدا دانسته و پاداش شکیبایی خود را از خداوند داشت. او با بسیاری از وقایع مرگ که مهمترین آنها مرگ همسر گرانقدرش حضرت خدیجه بود روبرو گردیده و درد فراق و مرگ بسیاری را تحمل نمود. سه پسر و سه دخترش در زمان حیات وی وفات نمودند. خویشاوندان و دوستانی مانند حضرت حمزه و جعفر طیار که آنها را بسیار دوست می داشت شهید شدند. به هنگام از دست دادن آنها ناراحت شده و اشک از چشمانشان سرازیر گشت. اما علی رغم تمامی رنج ها و ناراحتی هایی که تجربه نمود، قدرت تحمل خود را از دست نداد. در مقابل مرگ،الگویی زنده برای رفتار یک مسلمان گردید. فراموش ننمود که بخشنده و گیرنده جان خداوند تعالی می باشد. با داد و فریاد در مقابل خدا عصیان ننمود.

پیامبر اکرم به هنگامی که در بالین در حال مرگ پسرش ابراهیم حاضر شد اشک از چشمانشان سرازیر شد. عبدالرحمن بن عوف که از این صحنه تعجب کرد، پرسید:

– ای رسول خدا! آیا شما هم گریه می کنید؟



حضرت پیامبر به وی فرمود:

- "ای ابن عوف! این اشکانی که تو می بینی اثر رحمت و شفقت است." سپس این چنین به سخنان خود ادامه داد:

- "چشم تر گشته و قلب محزون می شود. ما فقط سخنانی را بر زبان می آوریم که خداوند راضی به آن است. ای ابراهیم! به خاطر اینکه تو را از دست می دهیم واقعا ناراحتیم. (بخاری، جنایز، ۴۳)"

پیامبر عزیز ما، می فرمودند که برخی رفتارها مانند سخن چینی بین افراد و عدم دقت در پاکیزگی دستشویی موجب مجازات قبر خواهد شد. از عذاب قبر به خداوند پناه می بردند. وی ضمن خاطرنشان کردن تنها ماندن شخص با اعمالش در قبر چنین می فرمود: "متوفی را تا قبر سه چیز تعقیب می کند: خانواده، دارایی و عمل وی. دو تای اینها برگشته و یکی باقی می ماند. خانواده و دارایی اش برگشته و عملش با وی می ماند. (بخاری، رقاق، ۴۲)"

پیامبر عزیزمان که می فرمود: "هر کسی که می خواهد به زیارت اهل قبور رود برود. زیرا زیارت قبور موجب خاطرنشان شدن آخرت به ما می گردد" (ترمذی، جنایز، ۶۰)، به کرات به زیارت اهل قبور می رفت. زیارت قبور را به عنوان تداعی کننده مرگ و آخرت تلقی می نمود. به قبرستان جنت الباقی رفته و به مومنین متوفی دعا می نمود. به هنگام ورود به قبرستان با گفتن "سلام بر شما ای کسانی که در این قبور خفته اید" سلام داده و با ذکر "خدواند ما و شما را ببخشاید" آنها را دعا می فرمود. سپس با سخنان "شما قبل از ما رفتید. ما هم دنبال شما خواهیم آمد. (ترمذی، جنایز، ۵۹)" مرگ را تداعی نموده و در رابطه با قبر و آخرت تفکر می نمود.

پیامبر عزیز ما هم در این دنیا و هم در آخرت از خداوند متعال نیکی و زیبایی طلب می نمود. در دعاهایش تنها به فکر خود نبوده و برای تمام امت خود دعا می

کرد. آسان سپری شدن حساب آخرت و نجات از جهنم و ورود به بهشت را طلب می نمود. عفو و مغفرت خداوند را خواسته و امید بخشایش داشت. با تکیه بر مرحمت بی کران خداوند، از آماده شدن به مرگ، حساب و آخرت غفلت نمی نمود. می فرمودند که افراد عاقل کسانی هستند که قبل از مرگ به حساب خود رسیدگی رده و برای زندگی بعد از مرگ آماده می شوند.

روزی شخصی از انصار نزد پیامبر اکرم رفتند. پس از دادن سلام چنین پرسیدند:

– ای رسول الله! کدام مومن با فضلیت تر است؟

پیامبر صل الله علیه و سلم چنین پاسخ دادند:

– "مومنی که اخلاق او بهترین باشد".

– پرسید: "یا رسول الله! کدام مومن عاقلتر است؟"، پیامبر در پاسخ به این فرمودند:

– "کسانی که بیشتر به فکر مرگ باشند و برای حیات بعد از مرگ خود را آماده می کنند اشخاص عاقلی هستند." (ابن ماجه، زهد ۳۱).

پیامبر اکرم، می دانست که تمامی کارهای مفیدی که در دنیا انجام می شود را خدا می پسندد و طبق آن رفتار می نمودند. این را به عنوان روشی برای کسب رحمت و مغفرت خداوند ارزیابی می نمودند. برای اصحابش از زیبایی های بهشت و عذاب جهنم سخن می گفتند. مثالهایی در رابطه با نشان دادن اندازه اهمیت اعمال دنیوی در کسب رضای خدا را ارائه می کردند، رابطه بین دنیا و آخرت مورد تاکید قرار می دادند. یکی از این مثالها هم چنین بود:

"خداوند متعال در روز قیامت چنین می فرماید:

– ای بنی آدم! مریض شدم، به عیادتم نیامدی.

بنی آدم:

– خداوندا! تو در حالیکه خداوند عالم ها هستی من چگونه زیارتت کنم؟

خداوند متعال،

– فلان بنده ام بیمار گشت و تو به عیادتش نرفتی. اگر به عیادت او می رفتی مرا نزد او می یافتی. آیا این را می دانی؟ سپس در ادامه

– ای بنی آدم! خواستم که مرا سیر گردانی، سیر نکردی

بنی آدم:

– خداوندا! تو در حالیکه خدای کائنات هستی من چگونه می توانستم تو را سیر گردانم؟

خداوند متعال:

– فلان بنده ام از تو غذا طلب نمود، اجابت نکردی. اگر به او غذا می دادی تمی دانستی که چیزی را که می دادی حتما نزد من پیدا می کردی؟ سپس

پیامبر عزیزمان می فرماید:

"خداوندا

* از لغزش در مورد دینم که اصلی ترین کار من است مرا حفظ نما
* کارهای دنیوی مرا رو براه گردان!
* یاریم کن تا در آخرتی که به آن رجعت خواهم نمود سربلند شوم!
* امکانم بده تا نیکی بیشتری در طول حیاتم انجام دهم!
* مرگی را برایم نصیب کن تا مرا از هر گونه پلیدی نجات دهد!"

(مسلم، ذکر، ۷۱)

– ای بنی آدم! از تو آب خواستم، ندادی.

بنی آدم،

– خداوندا! در حالیکه تو خداوند عوالم هستی من چگونه می توانستم به تو آب دهم؟

خداوند متعال:

– فلان بنده ام از تو طلب آب نمود، ندادی. مگر نمی دانستی که اگر به او آب می دادی ثواب آن را نزد من می گرفتی. (مسلم، بر، ۴۳)"

به عنوان نتیجه پیامبر عزیزمان، توازنی زیبا بین دنیا و آخرت ایجاد نمود. این توازن زندگی وی را شکل داد و در عبادات و رفتارهای وی منعکس گردید. وظایف خود را در مقابل پروردگارش به نحو احسن به انجام رساند. به انسانها و تمامی موجودات با چشم مهربانی نگریست. به آنها با مهربانی رفتار نمود. سر یتیمان را با مهربانی نوازش نمود، با کودکان به مهربانی رفتار نمود. به فقرا کمک نمود. در کنار کسانی که مورد ظلم قرار گرفته بودند قرار گرفت. تبسم خود را از اطرفیان خود دریغ نکرد. به خانواده، بچه ها و دوستانش با مهربانی رفتار نمود. منبع تمامی مهربانی ها چه در دنیا و چه در آخرت را خداوند متعال می دانست و آن را اصلا فراموش نمی کرد.

که رحم می کنند رحمت می کند." (بخاری، جنایز، ۳۳)

پیامبر عزیزمان می فرمایند:

اگر کسی یکی از مشکلات مومنی را در دنیا برطرف کند خداوند نیز در روز قیامت یکی از مشکلات وی را از میان برخواهد داشت. اگر کسی به شخصی که دچار مشکل شده یاری رساند خداوند برای وی در دنیا و آخرت یاری خواهد رساند. اگر کسی عیب مسلمانی را بپوشاند، خداوند هم عیوب وی در دنیا و آخرت را خواهد پوشاند. تا زمانی که بنده مومن به برادر دینی خود کمک کند خداوند هم به آن بنده کمک خواهد نمود."

(مسلم، ذکر، ۳۸)



پسر زینب، دختر پیامبر اکرم، خیلی مریض بود. مادرش زینب به حضرت محمد اطلاع داد که پسرش در حال مرگ است. به کسی که این خبر را آورده بود فرمود: "برگرد و به او بگو جان دهنده و جان گیرنده خداوند است. در نزد او هر چیزی یک اجلی دارد. شکیبا باشد و منتظر اجر خود از خدا باشد." بنا بر این توصیه هایی که پیامبر فرمودند دخترشان،

– باز خبر فرستاد که چه می شود حتما بیاید.

این بار پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم با همراه کردن برخی صحابه ها با خود برخاسته و نزد دخترشان رفتند. وقتی به خانه رسیدند کودک در حال مرگ را در بغل پیامبر گذاشتند. کودک بیچاره به سختی نفس می کشید. اشک از چشم پیامبرمان جاری گشت. سعد بن عباده که شاهد وضعیت بود، گفت:

– " ای رسول خدا! این چه حالتی است؟"

پیامبر ما هم فرمود:

– "این حس مهربانی است که خداوند بر قلب بندگان خود گذاشته است. خداوند ذاتا تنها برای بندگانی که رحم می کنند رحمت می کند."(بخاری، جنایز، ۳۳)



سوالات

حل جدول

۱. پلی که بر روی جهنم است و تمامی انسانها از روی آن عبور خواهند کرد. «..................»

۲. محلی که انسانها برای دادن حساب در آنجا جمع خواهند شد. «..................»

۳. زندگی ای که پس از مرگ تا رستاخیز دوباره سپری خواهیم نمود. «..................»

۴. پاداشی که خداوند متعال برای بندگان مومن خود در آخرت در نظر گرفته است. «..................»

۵. آلتی که اسرافیل (علیه السلام) به هنگام آغاز قیامت بر آن خواهد دمید. «..................»

۶. خاتمه یافتن زندگی دنیوی فرد. «..................»

۷. ملائکی که رفتار نیک و بد ما در دنیا را می نویسند. «..................»

۸. ترازوی عدالتی که نیکی و بدی پس از حساب را خواهد سنجید. «..................»

۹. یکی از ملائکی که از انسان در قبر در رابطه با اعمالی که در دنیا انجام داده سوال می کند. «..................»

۱۰. رستاخیز پس از مرگ. «..................»

۱۱. زندگی پس از مرگ. «..................»

۱۲. محلی که کافر، مشرک، منافق، ظالم و گناهکاران به مجازات خواهند رسید. «..................»

۱۳. بر هم ریختن نظم کائنات و نابود شدن آن. «..................»

جملات ذیل را به هم وصل کنیم

۱	نعمتهای دنیوی		که ایزد در بیابانت دهد باز
۲	اگر به کسانی که در دنیا به آنها مهلت داده شده خوب استفاده نکنند		افرادی که منکر یوم الحساب هستند از انجام کارهای حرام ابایی ندارند
۳	مرگ، نابودی نیست		به سوی کسب روزی حلال و پاک رهنمون می شود
٤	در روز محشر اگر دفتر از سمت راست داده شود مژدگانی است		اماناتی است که به ما داده شده است
٥	تو نیکی میکن و در دجله انداز		موجب تامین حاکمیت عدالت می شود
٦	ایمان به آخرت ما را از کارهای حرام باز می دارد		پشیمانی های پس از مرگ سودی نخواهد داشت
۷	ایمان به آخرت، در جامعه حق و		آغاز یک آفرینش جدید است
۸	کسی که مرگ را فراموش کرده و پس از مرگ		داده شدن آن از سمت چپ و یا پشت نیز منادی عذاب است

خود آزمایی

۱. کدامیک از موارد زیر جزء فواید تامین کننده اعتقاد به آخرت نمی باشد؟

الف) جلوگیری از انجام کار بد

ب) تشویق به انجام عمل نیک

ج) شکستن احساس غرور

د) ترغیب به دروغ گفتن

۲. کدامیک از موارد ذیل از دیگر اسامی روز آخرت نمی باشد؟

الف) یوم الحساب

ب) روز عاشورا

ج) روز محشر

د) روز رستاخیز دوباره

۳. کدامیک از عبارات زیر اشتباه است؟

الف) به واقعه بزرگی که به زندگی دنیا پایان خواهد داد قیامت گفته می شود.

ب) میزان اصطلاحی است درباره سنجش اعمال

ج) به مدت زمان مرگ تا رستاخیز دوباره زندگی قبر گفته می شود.

د) روحی که به انسان زندگی می بخشد پس از مرگ وارد موجود دیگری می شود.

٤. عبارت "والبعث بعد الموت" مربوط به باور آخرت به چه معنایی است؟

الف) خدایی به غیر از خدا نیست.

ب) با نام خدای رحمن و رحیم آغاز می کنم.

ج) زنده شدن دوباره پس از مرگ وجود دارد.

د) فقط به خدا عبادت می شود.

۵ کدامیک از اطلاعات داده شده در مورد آخرت اشتباه است؟

الف) مومنین گناهکار بصورت ابدی در جهنم خواهند ماند.

ب) به پلی که بر روی جهنم ساخته شده صراط گفته می شود.

ج) با صور دوم انسانها دوباره زنده خواهند شد.

د) با صور اول قیامت شروع خواهد شد.

٦. کدامیک از تفکرات زیر در مورد دنیا و آخرت از نظر اسلام اشتباه است؟

الف) دنیا و آخرت یکپارچه هستند و نبایستی در مورد هیچ کدام سهل انگاری انجام داد.

ب) دنیا آخرین نقطه از زندگی است و مرگ بمنزله نابودی است.

ج) موفقیت در آخرت؛ بستگی به آمادگی ما در دنیا دارد.

د) مرگ، نقطه آغاز سفر ابدی است.

? جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

(خالق، به خدا، رحمت، استفاده شده، امتحان کردن، موجود زنده، گناهان را، زندگی را، دعا، استخوانهایش را)

۱- "خداوند، برای .... اعمال ما مرگ و .... آفریده است" (سوره ملک، آیه ۲)

۲- "هر ....مرگ را خواهد چشید. سپس .... باز گردانده می شوید." (سوره عنکبوت، آیه ۵۷)

۳- "با فراموش کردن آفرینش خود در مقابل ما مثال می آورد و می گوید که این .... چه کسی زنده خواهد کرد؟ بگو که: آنها را اولین بار .... زنده خواهد گرداند." (سوره یاسین، آیات ۷۸-۷۹)

۴- "از .... خداوند امید خود را قطع نکنید. اگر خدا بخواهد تمام .... می بخشد. زیرا او بسیار بخشاینده و مهربان است." (سوره زمر، آیه ۵۳)

۵- " وقتی انسان می میرد، به غیر از سه عمل آن حساب بقیه اعمال وی انجام می شود: اینها صدقه جاریه، .... استفاده شده از وی و اولاد خوبی که پشت سر آنها .... می کنند." (مسلم، وصیت ۱۴)

پاسخ ها

حل جدول

۱. صراط
۲.محشر
۳. زندگی قبر
۴. بهشت
۵. صور
۶. مرگ
۷. کرامن کاتبین
۸. میزان
۹. منکر
۱۰. حصر
۱۱. آخرت
۱۲. جهّنم
۱۳. قیامت

جملات ذیل را به هم وصل کنیم

۱	نعمتهای دنیوی	٥	که ایزد در بیابانت دهد باز
۲	اگر به کسانی که در دنیا به آنها مهلت داده شده خوب استفاده نکنند	۸	افرادی که منکر یوم الحساب هستند از انجام کارهای حرام ابایی ندارند
۳	مرگ، نابودی نیست	٦	به سوی کسب روزی حلال و پاک رهنمون می شود
٤	در روز محشر اگر دفتر از سمت راست داده شود مژدگانی است	۱	اماناتی است که به ما داده شده است
٥	تو نیکی میکن و در دجله انداز	۷	موجب تامین حاکمیت عدالت می شود
٦	ایمان به آخرت ما را از کارهای حرام باز می دارد	۲	پشیمانی های پس از مرگ سودی نخواهد داشت
۷	ایمان به آخرت، در جامعه حق و	۳	آغاز یک آفرینش جدید است
۸	کسی که مرگ را فراموش کرده و پس از مرگ	٤	داده شدن آن از سمت چپ و یا پشت نیز منادی عذاب است

جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

۱. امتحان کردن – زندگی را
۲. موجود زنده – به خدا
۳. استخوانهایش را – خالق
۴. رحمت – گناهان را
۵. علم – دعا

خود آزمایی

۱. د
۲. ب
۳. د
۴. ج
۵. الف
۶. ب





برنامه ای الهی

قدر (سرنوشت)

- قدر و قضا
- اراده
- تلاش، روزی، توکل
- بیماری و مرگ
- مزایای ایمان به سرنوشت
- پیامبر اکرم ما هر چیزی را که از جانب خدا می آمد زیبا می دید





اینک اینجا می نویسم

الف بچه ای کنجکاو بود که آموختن را دوست داشت. موضوعاتی را که به ذهنش می رسید از پدربزرگش پرسیده و اظهارات وی را با علاقه گوش می داد. پدربزرگش از این دقت و سوالات کنجکاوانه الف خیلی خوشش می آمد. عمو احمد موقعی که به سوالات پاسخ می داد از چیزهایی که خوانده، آموخته ها و تجارب خویش بهره می گرفت. بعضی وقتها خاطرات قدیمی به کمک عمو احمد می آمد.

روزی الف و پدر بزرگش غرق در صحبت شده بودند. این بار سوال الف در مورد سرنوشت بود. این



سوال عمو احمد را باز به خاطرات کودکیش برد. با آن چهره متبسم و با صدای دلنشین خود شروع به صحبت کرد:

''ای نوه کنجکاو من! من هم در زمان طفولیت خود مثل تو یک کودک کنجکاو بودم. بین خودمان بماند؛ یک کمی هم شلوغ بودم. همیشه در کوه و دمن بودم. بعضی روزها دنبال پرندگان دویده و برخی روزها هم از جویبار ماهی می گرفتم. دویدن در دشت و گردش در کوهها و جنگلها را بسیار دوست داشتم. لذت تماشای طبیعت از قله کوهها یک چیز دیگر بود. اما به لحاظ اینکه سنم کوچک بود اجازه نمی دادند که تنهایی بروم. فقط می توانستم با یک بزرگتر بروم.

پسر دایی من حسین آقا شکارچی خوبی بود. به بهانه شکار در جنگلها گردش می کرد و از کوههای بلند بالا می رفت. روزی از حسین آقا خواستم تا مرا هم همراه خودش ببرد. حسین آقا، گفت:

– خب، احمد! فردا صبح زود آماده شو!

به مادرم گفتم. خواهش کردم که از بابام اجازه بگیرد. مادرم گفت:

– این کار یک کمی سخته پسرم ولی یک امتحانی می کنیم.

برای اولین بار به جاهایی از جنگل که تا حالا نرفته بودم و به کوههایی که تا حالا نتوانسته بودم بالا روم می توانستم بروم. آنقدر هیجان زده بودم که نپرس!

مادرم نزد پدرم رفت. من هم با بی صبری شروع ردم به منتظر شدن پشت در. صدای عصبانی پدرم که از داخل می آمد،

– با صدای بلند گفت: نمی شه خانم! این بچه ای که حتی در کوچه مثل آدم بازی نمی کنه قله کوه آرام و قرار می تونه داشته باشه؟ اگر مار را ببیند به دستش می پیچاند. اگر شیر را ببیند می خواهد که سوارش شود...''

مادر بیچارم، خداوند واقعا رحمتش کند! با آن صدای نرم مخملیش برای اینکه از پدرم کسب اجازه کند از هزار و یک طرف مثال می آورد.

تو تصور کن که حال من بیرون چه جوری بود. تمامی محاورات را با دقت گوش می دادم. با ناراحتی و نگرانی می ترسیدم که پدرم اجازه ندهد. بالاخره بابام گفت که:

''حالا که تو این همه می خواهی مشکلی نیست برود. اما نگاه کن! چیزهایی را که فردا اتفاق خواهد افتاد را از الان بگویم نگو که نگفتی! بچه تو درختی نخواهد ماند که از آن بالا نرود و سوراخی نخواهد ماند که دست در آن نکند. نهایتا دست و صورتش غرق در خون، با سر و وضعی پریشان به خانه برخواهد گشت.''

مادرم باز با آن صدای دلنشینش تلاش کرد که پدرم را آرام کند:

''آقا نمی کنه! مگر احمد آنقدر شلوغه؟''

پدرم داد زد ''می کنه!'' ''ببین اینجا می نویسم!'' پدر مرحومم همیشه اینطوری می کرد. مثل اینکه حرفهایش را روی دیوار می نوشت خط و نشان می کشید روی دیوار.

به هر حال، فراموش نکنیم که اجازه برای من صادر شده بود. کلاهم را هوا میانداختم. از بس ماجراهای روز بعد را تصور می کردم خواب به چشمهایم نمی آمد. امروز را به زور فردا کردم.

به همراه حسین آقا و دوستان شکارچی اش صبح زود رهسپار شدیم. با گفتن آنجا مال تو، اینجا مال من، کیلومترها راه رفتیم.

به عمق جنگل رفتیم. از کوهها و تپه ها بالا رفتیم. به خاطر دویدن میان درختان و بوته ها اصلا متوجه خستگی



خود نبودم. روز، روز من بود. لباسهایم پاره شده بود و موهایم به هم ریخته بود اما اصلا عین خیالم هم نبود. حتی گفته های پدرم را هم به خاطر نداشتم.

می دانی الف که چه موقع حرفهایی را که پدرم به مادرم می گفت را به یاد آوردم؟ موقعی که عصر در وضعیتی که پدرم روز قبل می گفت و حتی بدتر از آن به خانه برمی گشتم... الان می خواستم به بابام چی بگم؟ برای اینکه من را ببخشد چه بهانه ای بایستی سر هم می کردم؟ بایستی چه دروغی می گفتم. به خاطر گفتن یک کلمه به هنگام روبرو شدم با پدر و مادرم به هم ریخته بودم. مادرم، آه مادر عزیزم به هم ریخته تر از من بود. پدرم برگشت به مادرم، عصبانی شد و گفت:

”نگاه کن به پسرت!“ ”مگر من تمام این چیزها را یک روز قبل بهت نگفته بودم؟“

درست در همان لحظه یک فکر شیطانی به ذهنم خطور کرد. اما جرات نکردم که به پدرم بگم. واقعیتش را بخواهی از رویم نیامد.

الف با کنجکاوی پرسید: ”چی می خواستی بگی پدربزرگ؟“

می خواستم بگم که: پدر! من تقصیری ندارم! تمام چیزهایی را که من امروز قرار بود انجام دهم را تو از قبل می دانستی. دیروز به مادرم گفتی. حتی بر روی دیوار هم خط و نشان کشیدی. من هم به حرفهای تو گوش دادم. اگر تقصیری هم داشته باشم آن هم گوش کردن به صحبتهای شماست.“

الف خندید:

”خوبه که نگفتی پدربزرگ عزیزم! حرف بچگانه ای هستش. اصلا هم معقول نیست. پدرت اینها را نگفت که تو انجام بدی! همچنین نیامده و به تو نگفت و مجبورت نکرد که این کارها را انجام دهی“

عمو احمد، خیلی از این حرفهای الف خوشحال شد.

گفت: ”آفرین دختر عاقل من! در رابطه با موضوع سرنوشت هم می خواستم همین را به تو عرض کنم. ببین خاطرات قدیمی ما باز هم یک مسئله را حل کرد.“

”فرزندم! علم خدا بسیار وسیع است، بی نهایت است. همانطور که تو هم گفتی علم خدا بر چیزهایی که ما انجام خواهد داد ما را مجبور نمی کند که ما آن اعمال را انجام دهیم. زیرا او به ما عقل داده، قدرت تفکر داده و خوب و بد را به ما نشان داده است. قدرت اراده و آزادی به ما داده است. یک چیز خوب دیگر هم انجام داده است: هشدار داده که عمل بد انجام ندهید! من خوشم نمی آید. اگر انجام دهید سرانجامش ناگوار خواهد بود“

آیا اگر ما بلند شویم و یک کار اشتباه انجام دهیم درست است که تقصیرش را سر خدا بیاندازیم؟ من چه کار کنم! از آنجایی که خدا می دانست که من این کار را انجام می دهم انجام دادم. اگر بگوییم که سرنوشت من این طوری بود! چه کسی ما را باور خواهد کرد؟ مهمتر از همه خودمان به این باور نمی کنیم. مگر نه؟

الف با باور عمیقی گفت“بله، مسلمه!“ اما ذهنش ای بار به یک چیز دیگر معطوف شد. پدربزرگ عزیزم! ”اگر خداوند بخواهد می تواند با قدرت جلوی اعمال بد ما را بگیرد اما این کار را نمی کند. خدایی که ما را این همه دوست دارد، چرا این خوبی را در حق ما انجام نمی دهد؟“

عمو احمد، سوال الف را پسندیده بود. خوشحال شد و با خودش گفت ”خدایا این به چه چیزهایی فکر می کنه؟“ این موارد را برای الف بیان نمود:

دخترم ”خداوند بزرگترین خوبی را در حق ما با آزاد گذاشتن و مختار نمودن ما انجام داده است“ اگر

قدرت انجام اعمال بد را به ما نمی داد و اگر به هنگام ارتکاب عمل بد جلوگیری می نمود بهشت، جهنم و آن همه پادشهای زیبا چه معنایی می توانست داشته باد؟ چه نیازی به پیامبران و کتب الهی می ماند؟ تمام اینها چیزهای مرتبط به یکدیگر هستند.

اگر خداوند مانع انجام عمل بد برای ما می شد این بار هم شکایت می کردیم که ”مگر ما اسیریم؟ چرا دست و پایمان بسته است؟ چرا نمی توانیم هر کاری که دلمان می خواهد انجام دهیم؟“

دخترم این وضعیتی که خداوند ما را خلق کرده و هر چیزی را منوط به تلاش ما نموده و بی پاسخ نگذاشتن اعمال نیک و بد، این سرنوشت ماست.



الف:

–پدربزرگ عزیزم! امروز شما را زیادی خسته کردم. اما یک سوال دیگری به ذهنم آمد اگر به آن هم پاسخ دهید دیگر شما را خسته نخواهم کرد. بعضی وقتها مادرم می گوید که ”هر خیر و هر شری از خداست“ آیا این سخن درست است؟ اگر درست است وقتی که عمل بدی انجام می دهیم مجازات ما توسط خداوند بی عدالتی نمی باشد؟

”این سخن صحیح است؛ اما دخترم، آن را اشتباه متوجه می شوند. به تو بگویم که کجا راه خطا می روند. یک خالق در کائنات وجود دارد، او هم خداوند است. این را می دانیم، مگر نه؟“

”البته!“

”حالا که تنها آفریننده خداوند است بنابراین همه چیز و همه چیز را، خیر و شر را یعنی نیکی و بدی را او می آفریند. اما نمی توانی بگویی که این وسط تقصیر ما چیست؟ چون خداوند نیکی و بدی را بنا به خواسته ما می آفریند. باز هم به همان نقطه آمدیم. یعنی خدا به ما عقل و قدرت تفکر داده. سپس با نشان دادن دو راه بهشت و جهنم ما را تابع امتحان نموده و فرموده است که:

اگر می خواهید که عمل نیک انجام دهید آن را خلق کرده و از شما راضی می شوم. اگر بخواهید تا عمل بد انجام دهید این را هم خلق می کنم زیرا من تنها آفریننده هستم اما از این عمل شما راضی نیستم“

فرزند عزیزم می بینی معنی جمله خیر و شر از خداوند است این است. پس خداوند خیر و شر را خلق می کند ولی بنا به خواسته ما خلق می کند. از این رو ما را مسئول این اعمال میداند.“

الف که پاسخ سوالات خود را شنید آرامش بسیار پیدا کرد. ایمان او به بزرگی خدا و قدرت بی همتای او یک برابر هم افزایش پیدا کرد.

م. یاشار کان دمیر

(اقتباس گردیده و تطبیق سازی شده است)

قدر و قضا

آب در سطح دریا در ۱۰۰ درجه می جوشد



هر گیاهی به اندازه مشخص شده برای آن زندگی می کند



در جوامعی که فساد و بی عدالتی در آنها حاکم است آرامش وجود ندارد



ماده ای که از ارتفاع رها می شود در اثر جاذبه زمین می افتد



هر جانداری متناسب با فطرتی که به آن داده شده حرکت می کند



در جوامعی که توزیع حقوق در آنها عادلانه نباشد اغتشاش بوجود می آید



آب دارای نیروی شناوری می باشد



هر جانداری می میرد



جوامعی که به علم و آموزش اهمیت نمی دهند عقب می مانند



مثالهای بالا می تواند افزایش یافته و می توان صدها مثال مشابه در مورد آنها ارائه نمود. این مثالها به ما نشان می دهد که هر موجودی که در کائنات وجود دارد در قالب یک طرح، برنامه و اندازه آفریده شده است. نسبت به برنامه ای که به آن داده شده وظیفه خود را انجام داده و موجودیت خود را ادامه می دهد.

خداوندی که هر چیزی را نسبت به یک اندازه آفریده است، هر موجودی را نسبت به ویژگی ها و قابلیتهای مطابق هدف آفرینش مجهز کرده است. هیچ چیزی را در عالم بصورت تصادفی خلق نکرده و سر خود رها نکرده است. هر چیزی در علم خدا قرار داشته و طبق درخواست و قدرت خدا آفریده شده است. به طرح، برنامه و اندازه ای که خداوند برای موجودات در نظر گرفته و علم خدوابد در مورد چیزهایی که در کائنات رخ خواهد داد سرنوشت گفته می شود. همچنین به تحقق چیزها بموقع خود که توسط خداوند متعال از قبل مشخص شده است نیز سرنوشت گفته می شود.

مثلا باران را مورد بررسی قرار دهیم. خداوند متعال در رابطه با باران اندازه ای تعیین کرده و باریدن باران را متکی به برخی دلایل نموده است.

- آبهای سطحی موجود در زمین تحت تاثیر خورشید تبخیر شده به سمت اتمسفر بالا می رود.
- ذرات بخاری که به لایه هوای سرد آتمسفر برخورد می کنند به ذرات گرد موجود در هوا چسبیده و بصورت قطره های آب در می آید.
- اینها جمع شده و ابرها را تشکیل می دهند.
- قطرات باران به محض اینکه به حجم کافی دست یافتند با تاثیر جاذبه زمین شروع به افتادن به زمین می کنند.

این اندازه و نظمی که خداوند بلند مرتبه برای باران مشخص کرده سرنوشت او است. از زمانی که زمین آفریده شده است باران طبق این میزان می بارد. خداوندی که این اندازه و میزان را برای باران مشخص نموده است محل، تاریخ و اندازه ای که باران بایستی ببارد را بهتر از همه خودش می داند.

خداوند متعال می فرماید که

ما هر چیزی را نسبت به یک میزان آفریدیم.

(سوره قمر، آیه ۴۹)



سرنوشت امره

روزی امره مشغول مطالعه در خانه بود. در آن حین مادر و پدرش بین خودشان مشغول صحبت بودند. امره حتی متوجه آن نبود که آنها میان خودشان در مورد چه چیزی صحبت می کنند. یک لحظه شنید که پدرش می گوید

– تقدیر الهی خانم، تقدیر الهی! چه کار میشه کرد، سرنوشته دیگه.

ناگهان توجه امره به این جملات جلب شد. فورا برگشت به پدرش و

پرسید:

– پدر جان، آخرین حرفهایی که می گفتی چی بودند؟

– کدام؟ تقدیر الهی و سرنوشت؟

– بله، بله همانها!



– واست می گم اما درکش می تونه برات سخت باشه.

– پدر جان ذاتاً من هم در کتاب همین موضوع را می خوانم می خواهم که درکش کنم ولی اصلا نتوانستم مفهوم موضوع سرنوشت را درک کنم.

– بیاور ببینم کتابت را من هم بخوانم.

امره کتابش را به پدرش داد. پدرش تعاریف سرنوشت و قضا را با دقت خواند. کمی فکر کرد و سپس،

– بله امره جان، تعریف ساده و واضح تر از این برای سرنوشت و قضا نمی تواند ارائه داد. اما عدم درک تو از این موضوع، از پیچیدگی تعاریف نبوده و از سختی موضوع سرنوشت است.

– بسیار خوب، من چطوری می توانم این را درک کنم؟ نوشته که "مفهوم و معنی مفاهیم قدر و سرنوشت را با پرسیدن از بزرگترانتان فرابگیرید." معلمان هم گفت که اینها را آموخته و آماده به درس بیایید. من ابتدا موضوع را از روی کتاب درسی مطالعه ردم؛ اما به اندازه کافی نتوانستم درکش کنم.

پدر امره کمی اندیشید و سپس:

– امره جان اول این تقویم دیواری را بیاور نگاه کنیم. با تو بر روی تقویم یک بررسی انجام دهیم. بده ببینم این را! اینطوری نگاه کنیم امروز چه روزی است؟

– یکشنبه.

– خب، چرا امروز به مدرسه نرفتی؟

– واسه اینکه یکشنبه است. مگر روزهای یکشنبه تعطیل نیست؟

– فردا چه روزی خواهد بود؟

– دوشنبه. ما به مدرسه خواهیم رفت. شما هم سر کار خواهید رفت.

– خب؛ اما چرا تو امروز به مدرسه و من سر کار نرفتیم و فردا خواهیم رفت؟

امره کمی متعجب بود. گفت که "این دیگر چه سوالیه؟" و به پدرش نگاه کرد. سپس

– اما پدر جان، چیز...

پدرش در پاسخ به آن

– امره! یک چیز دیگر از تو بپرسم. تو امروز به مدرسه به خاطر اینکه روی تقویم یکشنبه نوشته نرفتی؟

– بلی.

– خب، تدوین کنندگان تقویم از کجا دانسته اند که امروز یکشنبه است و نوشته اند؟

– به هر حال از قبل حساب کرده اند و مشخص کرده اند که امروز یکشنبه است و نوشته اند.

– خب، چطوری این را مشخص کرده اند؟ با علمشان، مگر نه؟

– البته پدر عزیزم مگر بدون علم می شود؟

– الان یک سوال دیگر: اگر در تقویم در طول یک هفته مدام "یکشنبه، یکشنبه، یکشنبه..." نوشته بودند چه اتفاقی می افتاد؟ آیا ما مدام تعطیل می شدیم؟

– مگر میشه بابای عزیزم! مسلمه که تعطیل نمی شد.

– چرا؟

– چون که هیچ وقت پشت سر هم یکشنبه نمی شه بخاطر اون. کسانی که مبادرت به تنظیم تقویم می کنند مگر این را نمی دانند؟

– آفرین امره عزیزم، حرفهایت درست است! آنها نیک می دانند که پشت سر هم یکشنبه نمی شود. الان با دقت گوش بده: ما به خاطر اینکه روی تقویم یکشنبه نوشته تعطیل نمی کنیم. آنها یکشنبه بودن امروز را محاسبه کرده و یک سال قبل روی تقویم نوشتند.

امروز، این روز آمد و تو به مدرسه نرفتی. دوشنبه بودن فردا را هم از قبل مشخص کرده و درج نمودند و تو فردا به مدرسه خواهی رفت. بطور خلاصه چیزهایی را که در دنیا بر سر ما می آید از قبل توسط خداوند بلند مرتبه همانند نوشته شده در تقویم مشخص شده و قدر یا سرنوشت نام دارد. تحقق مواردی که به عنوان قدر و سرنوشت ما نوشته شده به محض فرا رسیدن روز و زمان آن قضا می باشد.

– اگر بخواهی یک مثال دیگر هم می توانم بزنم

– خوب می شه پدر عزیزم!

– در تقویمی که در دست داریم زمان طلوع خورشید نوشته شده است. واقعا هم خورشید در زمانهای نوشته شده در تقویم طلوع می کند. خورشید نه به دلیل اینکه در تقویم این طوری نوشته شده بلکه به خاطر اینکه بایستی در این زمان طلوع کند طلوع می نماید. زندگی انسان نیز شبیه این است. انسانها در تشکیل سرنوشت خود نقش فعالی دارند. یک کمی در هم و بر هم شد ولی ان شاء الله که متوجه شده ای!

– پدر جان یک کمی گیج شدم؛ اما مثل اینکه متوجه شدم. در مورد مثالهایی که گفتی فکر خواهم کرد. مواردی را که متوجه نشده ام را دوباره از تو می فرستم. فعلا تشکر می کنم.

– خداوند بهت قدرت تفکر صحیح بهت بده.

امره دوباره برگشت سر درسش. مادر و پدرش هم بین خودشان غرق صحبت شدند.

مصطفی اؤجال



علم خدا و قدر

همانگونه که خداوند بلند مرتبه وقایع گذشته و حال حاضر می دانست وقایع آینده را هم می داند. علم او همه چیز را فراگرفته است. خارج از علم او و خارج از اراده او چیزی به وقوع نمی پیوندد.

فراموش نکنیم که علم خدا و علم ما یکسان نیستند. علم و اطلاعات ما محدود به زمان هستند. ما تنها بر قسمتی از گذشته و حال اشراف داریم که به ما رسیده است. نمی توانیم وقایعی را که در آینده اتفاق خواهند افتاد را بدانیم فقط حدس می زنیم. در حالیکه علم خداوند متعال ازلی است، به هیچ زمانی محدود نمی باشد. علم ازلی؛ ادراک گذشته، حال و آینده بصورت همزمان است. بنابراین خداوند متعال زندگی دیروز، امروز، فردا، روز بعد، قیامت و آخرت را می بیند و بر آن علم دارد. واقعیتش مقدر کننده و آفریننده آنها هم خود اوست.

انسان، بخشی از کائنات آفریده شده توسط خداوند است. همانند تمامی سایر موجودات او نیز با خواست پروردگار بلند مرتبه بوجود آمده و به زندگی خود ادامه می دهد. خداوند ما که همه چیز را خوب می داند مقدر فرموده تا انسان موجودی دارای اراده باشد. او را طوری آزاد خلق کرده که بتواند رفتارهای خود را انتخاب کند. این را هم برای امتحان آفریده است.

خداوند متعال می فرماید:

"کلیدهای غیب در دست خداوند است. به غیر از او کسی بر آنها علم ندارد. او هر چیزی را که در خشکی و دریا است می داند. در خارج از علم او حتی یک برگ نیز فرو نمی ریزد. او حتی بر تک دانه ای که در تاریکی زمین قرار دارد علم دارد. هر چیزی اعم از خشک و تر بوضوح در یک کتاب است."

(سوره انعام، آیه ۵۹)

خداوند متعال می فرماید:

"قسم به خداوندی که به انسان توانایی انجام نیک و بد را داده، کسی که نفس خود را از بدی ها تمیز کند به رستگاری می رسد. کسی هم که با گناه و عصیان آن را کثیف کند متوجه خسران می شود."

(سوره شمس، آیات ۸-۱۰)

آزادی انتخاب در انسان: اراده

اعمال و رفتارمان را می توانیم به دو گروه تقسیم کنیم:

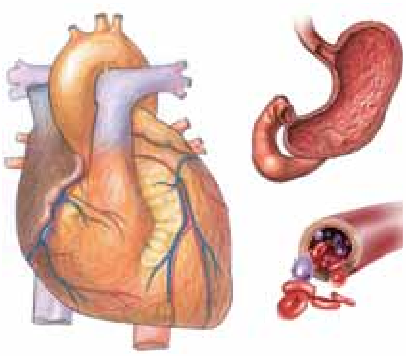
۱- اعمال و رفتاری که خارج از اراده ما به وقوع می پیوندد

۲- اعمال و رفتارهایی که در تبعیت از اراده ما محقق شده اند.

خداوند بلند مرتبه، اعضای بدن ما را آفریده و سیستم کار آنها را مشخص نموده است. فعالیتهایی مانند

- فعالیت قلبمان
- کار معده ما
- گردش خون در رگهایمان

خارج از اراده ما انجام می گیرد. هر کدام از اعضای بدنمان وظیفه ای را که خداوند بر عهده آنها گذاشته انجام می دهند.



شرایطی مانند

- انتخاب پدر و مادرمان
- تعیین زمان تولد
- مشخص کردن رنگ بدنمان

نیز باز هم خارج از اراده ما به تحقق می پیوندد. امکان انتخاب اینها را نداریم. ما مسئول کارهایی که حق انتخاب آنها را نداریم نیستیم.

یکی هم اعمال و رفتارهای انجام شده وابسته به اراده ما وجود دارند. ما اینها را با اراده آزادمان انتخاب می کنیم. کارهایی مانند خوردن، آشامیدن، راه رفتن، نشستن، کارکردن و عبادت کردن به اراده ما وابسته است. هر موقعی که بخواهیم غذا خورده و آب می نوشیم. در مورد نوع غذا و نوشیدنی خود تصمیم می گیریم. صحبت کردن و یا ساکت ماندن بستگی به اراده ما دارد. می توانیم حقیقت گفتن و یا دروغ گفتن در صحبتهایمان را انتخاب کنیم. بطور خلاصه ما به عنوان انسان مختاریم که اراده خود را در جهت نیک و یا بد استفاده کنیم و انتخاب صحیح یا غلط انجام دهیم. ما در قبال تمامی اعمال و رفتارهایی که در انجام آنها آزادیم مسئول هستیم.

اجازه دهید رابطه بین اراده و مسئولیت را با یک مثال توضیح دهم:

فرض کنیم که کیف پول دوستمان را پیدا کرده ایم.

خداوند متعال می فرماید:

"خداوند به هیچ کسی بیش از توان وی مسئولیت نمی دهد. هر عمل نیکی که هر کس انجام می دهد به نفع اوست و هر عمل بد آن به ضرر اوست"

(سوره بقره، آیه ۲۸۶)



در چنین شرایطی یکی از رفتارهای زیر را می توانیم انتخاب کنیم:

۱- با گفتن "این پول متعلق به من نیست. خرج کردن پول دیگری بدون اجازه او صحیح نیست" می توانیم کیف پول را برداشته و به دوستمان تحویل دهیم.

۲- می توانیم پول را جیبمان گذاشته و خرج کنیم.

انتخاب یکی از این دو شرایط در دست ماست و مسئولیت انتخاب ما نیز کاملا با ماست. اگر رفتار اول را انتخاب کنیم رفتار صحیح و مورد پسندی را انجام داده ایم. به خاطر این عملمان هم ثواب کسب می کنیم. خداوند به دلیل این رفتار پسندیده به ما پاداش می دهد. اگر رفتار دوم را انتخاب نماییم ممنوعیت خدا را زیر پا گذاشته و مرتکب عمل حرام می شویم. به خاطر این هم گناهکار شده و مجبور هستیم تا در آخرت پاسخگوی آن باشیم.

خداوند متعال ما را به خاطر باور، عمل و رفتاری از ما که وابسته به اراده آزاد خودمان می باشد مسئول می داند

از قدر خداوند باز به قدر او پناه می برم

حضرت عمر در دوران خلافتش به طرف دمشق عازم شده بود. در نزدیکی دمشق فرمانده لشکر اسلام ابو عبیده و دوستانش به استقبال وی آمدند. به حضرت عمر شیوع بیماری طاعون در دمشق را خبر دادند.

حضرت عمر موضوع را با اصحابی که از بزرگان انصار و مجاهدین بودند در میان گذاشت. بعضی از صحابه ها گفتند که مناسب است تا رهسپار شویم و برنگردیم. بعضی ها نیز گفتند که مناسب نیست تا به جایی که بیماری طاعون شیوع پیدا کرده برویم بهتر است تا برگردیم. در رابطه با این حضرت عمر به اطرافیانش چنین گفت:

– من صبح هنگام سوار مرکبم شده و برمی گردم، شما هم با من برگردید.

بعد از این حرف ابو عبیده گفت:

– ای خلیفه! آیا از قدر خداوند فرار می کنی؟ اگر خداوند مرگ شما را با این بیماری مقدر کرده باشد خواهید مرد. اگر مقدر نکرده باشد اتفاقی برای شما نخواهد افتاد.

حضرت عمر بعد از این سخن فرمود:

– کاشکی این را به غیر از تو کس دیگری می گفت ابو عبیده.

حضرت عمر، ابو عبیده را بسیار دوست داشته و با گفته او مخالفت نمی کرد. سپس سخنانش را چنین ادامه داد:

– بلی از قدر خداوند باز هم به قدر خدا فرار می کنیم. چه می گویی ای ابو عبیده، اگر تو شترانی داشتی و آنها به دره ای سرازیر می شدند... اگر یک طرف دره حاصلخیز و طرف دیگر آن شوره زار بود. اگر تو شترانت را در سمت حاصلخیز می چراندی با قدر خداوند چرانده بودی. اگر در شوره زار می چراندی آیا باز با قدر خداوند چرانده نبودی؟

این سخنان حضرت عمر ابو عبیده را قانع کرده بود. در آن حین، عبدالرحمن بن عوف (رضی الله عنه) که به خاطر تامین برخی احتیاجات خود در آنجا نبود آمد و گفت

– در این رابطه من خبری را می دانم. سپس سخنی از پیامبر عزیزمان نقل کرد:

موقعی که اطلاع پیدا کردید که در جایی یک بیماری واگیردار شیوع پیدا کرده در آنجا وارد نشوید. اگر در محلی که در آن قرار دارید یک بیماری مسری شیوع پیدا کند هم از آن محل خارج نشوید.

حضرت عمر که حدیث نقل شده توسط عبدالرحمن بن عوف را شنید از آنجایی که انتخاب درستی کرده بود خداوند را حمد گفته و با صرف نظر از عزیمت به دمشق به طرف مدینه رهسپار شد. (بخاری، طب، ۳۰)



فعالیت، روزی و توکل

کار کردن و رزق

تمامی جانداران روی زمین طبق برنامه ای که از طرف خداوند به آنها داده شده حرکت می کنند. متناسب با هدف آفرینش خود وظایف خود را بجا می آورند. فعالیت کرده و رزقی که خداوند مقدر نموده را بدست می آورند. پرندگانی که هر صبح گرسنه از لانه خود بیرون می آیند برای سیر کردن شکم خود دنبال غذا گشته و عصر با شکم سیر به لانه بر می گردند. از حیوانات جنگل گرفته تا ماهیان دریا، تمامی جانداران طبق اندازه ای که برایشان مشخص شده حیاتشان را ادامه می دهند. زنبور، گل جمع کرده و عسل درست می کند. مورچه فعالیت کرده و غذا جمع آوری می کند. سیر برای پیدا کردن شکار خود فعالیت می کند. لاک پشت با قدم های آهسته نگاه کرده و بدون خسته شدن غذای خود را جستجو می کند. ماهی برای اینکه به غذایش برسد پیوسته در حال شنا کردن است. بطور خلاصه همه آنها در تکاپو و فعالیت می باشند.

حالا که تمامی جانداران تمامی جانداران تلاش کرده و وظیفه داده شده به خود را به انجام می رسانند آیا تنبلی کردن شایسته توست؟ البته که در شان تو نیست!

> پیامبر عزیزمان می فرماید:
>
> ”هیچ کسی رزقی بهتر از دسترنج خود را کسب نکرده است. پیامبر خدا داود (علیه السلام) نیز رزق دسترنج خویش را می خورد.“
>
> (بخاری، انبیاء، ۳۷)

زیرا خداوند متعال اعلام کرده که روزی هر جانداری را خواهد داد و برای بدست آوردن آن نیز اندازه ای مقرر فرموده است. بنا بر اندازه الهی مقرر شده برای انسان، خداوند روزی را به کسی که جستجو می کند و فعالیت می نماید خواهد داد. خداوند ما در قرآن کریم با فرموده”و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست“ (سوره نجم، آیه ۳۹) اندازه الهی آن را تعیین نموده است. در آن صورت فعالیت، تمسک به اسباب تهیه رزق و جستجوی روزی مقدر شده توسط خداوند وظیفه انسان است.

فعالیت کن

”زمین و آسمان در تکاپوست، گر تو به تنگ نمی آیی بنشین!
در مورد اینها نمی دانم گر بهانه ای داری توقف کن!

ای کسی که با وجود در تکاپو بودن دنیا و مافیها، خوابیده ای!
مگر لاشه ای که حرکت نمی کنی؟ اقلا از خداوند خجالت بکش!“

محمد عاکف ارصوی



نهالی که دو بار میوه می دهد

هارون الرشید از خلفای عباسی وقتی که پیرمردی نهالی را می کاشت وی را مشاهده کرد و از او پرسید:

– پدر جان! تو خیلی پیر شده ای. میوه نهالی را که می کاری نخواهی دید. چرا به خودت زحمت می دهی؟

پیرمرد چنین پاسخ داد:

– ای پسرم! پیشینیان ما در خت کاشتند، میوه هایش را ما خوردیم ۰ الان هم باید ما درخت بکاریم تا بازماندگان ما از میوه اش استفاده کنند.

هارون الرشید از این جواب بسیار خوشش آمد. هارون الرشید به پیرمرد یک کیسه طلا بخشید. پیرمرد گفت:

– دیدی فرزندم، نهالی که کاشته ام شروع به میوه دادن کرده است.

سلطان هارون الرشید بقدری از این پاسخ خوشش آمد که به پیرمرد یک کیسه طلای دیگر هم داد. بعد از این، پیرمرد شروع به خندیدن کرد. در پاسخ هارون الرشید که پرسید برای چه می خندی چنین گفت:

– مگر نمی بینی فرزندم؟ نهالها سالی یکبار میوه می دهند ولی مال من دو بار میوه داد.



خداوند بلند مرتبه هر چیز در دنیا را به یک عده سبب ها مربوط کرده، یک رابطه دلیل و نتیجه مشخص نموده است. به همین سبب، برای بست آوردن محصول لازم است تا در خاک بذر کاشته و درختکاری انجام دهیم. برای موفقیت نیاز است تا فعالیت کنیم. برای ورود به بهشت نیز لازم است تا ایمان داشته و عبادت انجام دهیم و تابع اوامر و محرمات خداوند باشیم.

خداوند که تمسک به اسباب و فعالیت انسان را برای موفقیت در دنیا میزان قرار داده است، از ما خواسته که ارادیمان را در جهت فعالیت بکار گیریم. انسانهایی که آزادی اراده را در مسیر فعالیت و عبادت صرف می کنند حتما پاداش آن را دریافت خواهند کرد. در آن صورت ما به عنوان مومنی که به قدر (سرنوشت)؛ یعنی انجام هر چیزی با تقدیر خداوند، در چهارچوب میزان و اندازه ای خداوند در کائنات قرار داده فعالیت کرده و وظیفه ای که بر عهده ما گذاشته شده را به انجام می رسانیم. سپس منتظر نتیجه از خداوند می شویم. پس از مراجعه به تمامی اسباب مادی و معنوی لازم برای تحقق امری، بعد از آن را به خداوند بلند مرتبه می سپاریم. برای تحقق خواسته مان دعا به درگاه خداوند کرده از او طلب یاری می کنیم. با تمام قلب خود به او تکیه کرده و اطمینان حاصل می کنیم و تنها به او توکل می نماییم.



خداومد متعال می فرماید:

”بگو: پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد توسعه میدهد و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می‌سازد، و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید جای آن را پر میکند و او بهترین روزی دهندگان است.“

(سوره سبا، آیه ۳۹)

فعالیت و توکل

توکل، تکیه به خدا و حاصل کردن اطمینان پس از تمسک به اسباب و انجام وظایف است. فراموش نکردن همراهی خداوند به هنگام فعالیت و نتیجه را به خدا واگذاشتن است.

توکل، تنبلی کردن انسانها و حواله کارهایی را که باید می کردند به خدا نمی باشد.

پیامبر عزیزمان به شخصی که شتر خود را سر خود رها کرده بود فرمود: "اول شتر خود را ببند سپس به خدا

خداوند متعال می فرماید:

”به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنها (مردم) نرم (و مهربان شدی)! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنها مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.“

(سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)

توکل کن (ترمذی، قیامت، ۶۰)" و اشتباه بودن چنین توکلی را خاطرنشان کرد.

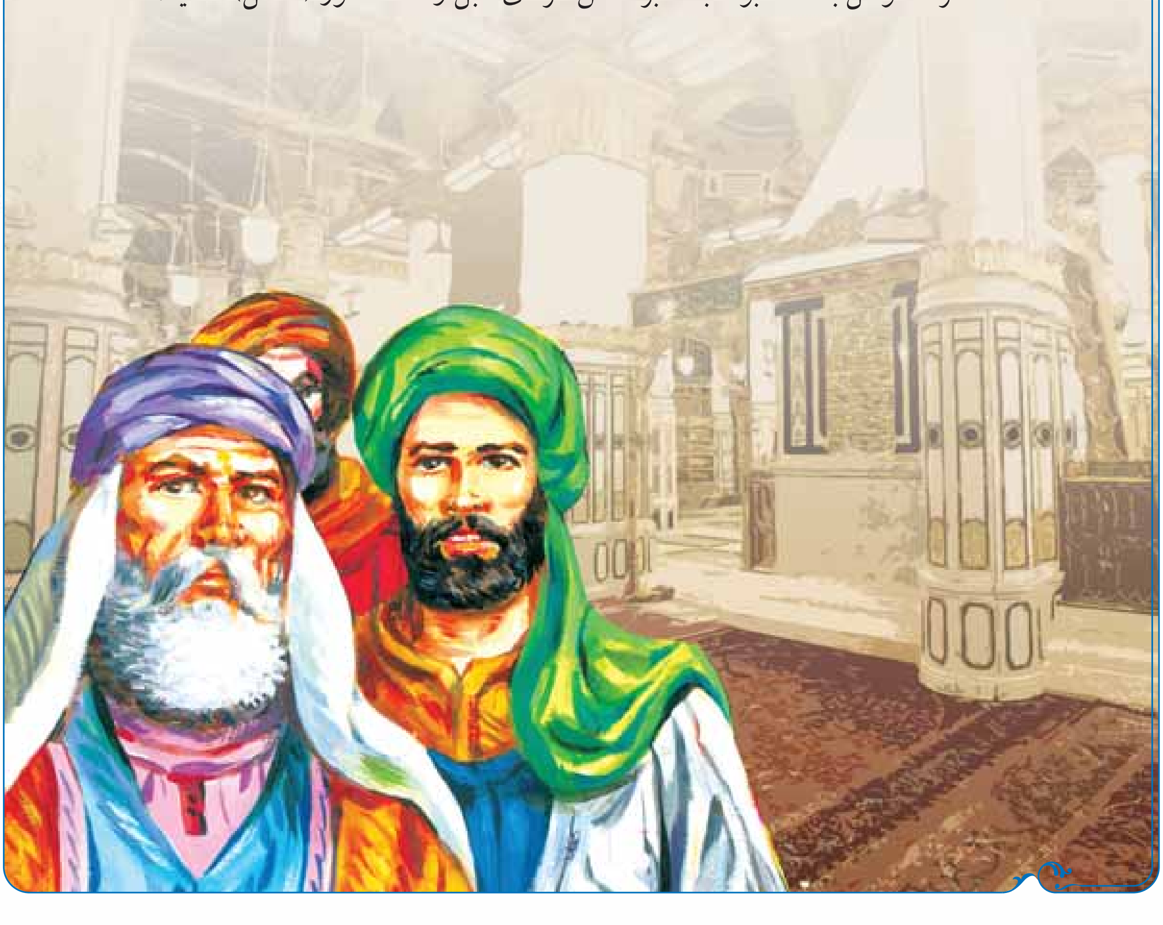
به همین سبب، اگر یک کشاورز متوکل هستیم بایستی در زمان مناسبی مزرعه مان را شخم زده و برای کاشت آماده کنیم. بذر را در زمان مناسب پاشیده و احتیاجات خاک و گیاه مانند آب، دارو و کود را برآورده می کنیم. سپس برای دادن محصول زیاد و خوب به درگاه خدا دعا می کنیم. به خدا توکل کرده و منتظر نتیجه از او می شویم.

در زمان خلافت حضرت عمر بود. یک تعداد انسان در نمازخانه نشسته و صحبت می کردند. در آن میان حضرت عمر به نمازخانه آمد و از آنها پرسید که چرا نشسته اید.

– گفتند ای خلیفه ما افرادی هستیم که به خدا توکل می کنیم. بر این باور هستیم که رزق و روزی ما را بر پایمان خواهد فرستاد[به سادگی خواهد رساند].

حضرت عمر از این حرف بسیار عصبانی شد. به افرادی که بجای فعالیت و کار کردن با سستی و تنبلی در مسجد نشسته بودند با ایراد سخنان زیر از مسجد بیرون کرد:

– شما افراد متوکل به خدا نبوده بلکه برعکس افرادی تنبل و آماده خور (متاکل) هستید!



سلیم که در یک مدرسه شبانه روزی درس می خواند روزی به دوستانش چنین گفت:

"خداوند متعال در قرآن کریم فرموده که تمامی رزق و روزی جانداران روی زمین متعلق به خداست. در آن صورت من چرا برای کسب روز خودم را خسته کنم؟ هر چه قسمتم باشد می آید و مرا پیدا می کند. کافیه که من به خدا توکل کنم"

دوستانش ضمن گفتن اینکه این فکر اشتباهیه با وجود اینکه تلاش کردند تا او را آگاه کنند به سخنان آنها گوش نداد.

وقت صبحانه، دوستانش بشقابهایشان را برداشته و در صف ایستادند. اما سلیم در صف نایستاد. با خودش گفت "به هر حال آشپز می آید و غذا را می دهد". آشپز پس از اینکه صبحانه را به کسانی که در صف ایستاده بودند پخش کرد گفت "آیا کسی مانده که صبحانه نگرفته؟" وقتی که جوابی نشنید صبحانه را جمع کرد و سلیم گرسنه ماند.

وقت ناهار باز هم همان وقایع تکرار شده. سلیمی که گرسنه مانده بود فکر کرده که روزی او عصر خواهد آمد. عصر باز هم آشپز به کسانی که در صف بودند غذا تقسیم کرده. در آخر هم سوا کرده که آیا کسی مانده که غذا نگرفته؟ سلیم باز هم جواب نداده. با دیدن اینکه آشپز غذا را جمع می کند، فهمیده که گرسنه خواهد ماند سرفه کرده است. آشپز که این را شنیده گفته که چرا یرفه می کنی اگر غذا می خواهی بشقابت را بیاور غذا بدهم. سلیم هم با غذایی که در بشقابش گرفته بود شکمش را کاملا سیر کرد. سپس به دوستانش گفت: "خداوند فرموده که روزی ما را خواهد داد؛ اما برای رسیدن به آن حداقل بایستی یک سرفه بکنیم".



شیر و روباه

مردی برای کار کردن و کسب روی خود از آبادی خود خارج می شود. وقتی به جنگل می رسد هوا تاریک می شود. مرد تصمیم می گیرد تا شب را در جنگل بسر کند. از ترس حیوانات درنده از درخت بزرگی بالا می رود. بین شاخه هایش برای خود جای مناسبی فراهم می کند. در سکوت شب می گوید که منتظر فرا رسیدن صبح می شوم در همان لحظه یک ناله ضعیف به گوشش می رسد. با کنجکاوی به اطراف خود نگاه می کند. در پایین یک روباه مفلوج می بیند. مرد با خود می گوید،

عجیبه این روباه چه می خورد، چه می نوشد؟

در همین حین از دور می بیند که یک شیر می آید.



در دهان سیر یک گوزن وجود داشت. شکار خود را روی زمین کشیده و پای درختی که مرد در بالای آن بود نزدیک می شود. شیر که تا نزدیک درخت آمد شکاری را که گرفته بود را تکه تکه کرده و شکمش را سیر می کند. بعد از رفتن شیر، روباه فلج با کشیدن بدن خود روی زمین نزدیک می شود. با خوردن باقیمانده غذای شیر او هم شکم خود را خوب سیر می کند. مردی که ناظر این وقایع بود حیرت کرده و با خود چنین می گوید:

– مهربانی خدا را نگاه کن! پس این گونه خداوند روزی حیوان فلج را پیش پایش می برد و او را گرسنه نمی گذارد. اگر چنین است من چرا زحمت کشیده و خسته شوم! آیا ارزشش را دارد که صبح تا شب کار کرد؟ همانطور که نصیب این روباه به پایش می آید رزق من هم پیش پایم خواهد آمد. در واقع بایستی من معنی توکل را از این روباه یاد می گرفتم. از این به بعد من بایستی به گوشه ای رفته و منتظر شوم.

با این تفکرات، روز بعد مرد صبح هنگام به یک غار می رود. منتظر آمدن روزی خود می ماند. در این غار قله کوه سه روز تمام منتظر روزی خود می ماند. اما نه کسی می آید و نه کسی می رود. کسی خوردنی و نوشیدنی ای برای او نمی آورد. نهایتا مرد از گرسنگی بیهوش می شود. موقعی که از حال رفته و میان خواب و بیداری است با صدایی که از اعماق می آمد بیدار می شود:

– برخیز ای مرد تنبل! پیوسته چه خوابیده ای؟ حالا که دست و پایت سالمند علت این تنبلی چیست؟ چرا خوابیده و می خواهی یک روباه فلج شوِی؟ بر مانند شیر فعالیت بکن که هم خودت بخوری و َهم از باقیمانده غذای تو دیگران امرار معاش کنند.

مرد که این سخنان را شنید، حقیقت را درک می کند. از غار خارج شده به دنبال کار و کسب روزی حلال می رود.

سعدی شیرازی



بیماری و مرگ

خداوند بلند مرتبه به موجودات زنده خصوصیات متفاوتی عطا فرموده است. انسان به عنوان یک موجود زنده طبق سایر موجودات متولد شده، رشد کرده و در موعد مقرر می میرد. در طول زندگی خود با بیماری های مختلفی مواجه می شود. بخشی از این بیماریها به دلایلی که در اراده او نمی باشد بخشی از آنها هم از سهل انگاری ها و اشتباهات خود نشات می گیرد.

بیماری وضعیتی است که می تواند بر هر یک از ما عارض گردد. پیامبر عزیز ما، با گفتن "خداوند متعال، شفای هر بیماری ای را که داده فراهم کرده است (مسلم، سلام، ۲۶)" میزانی که خدواند در این موضوع قرار داده را متذکر شده است و خاطر نشان کرده است که چاره بیماری از طرف خداست. شفا را تنها خداوند می دهد. عبارت "موقع بیماری کسی که شفایم می دهد اوست (سوره شورا، آیه ۸۰)" حضرت ابراهیم نیز این حقیقت را به ما یادآور می شود.

مراجعه به چاره هایی همانند دکتر رفتن به هنگام بیماری، مصرف دارو و معالجه شدن، دستور دین ماست. دعا کردن و طلب شفا از خداوند متعال پس از درمان و توکل به او ضروری است. اینها به عنوان اسباب مادی و معنوی برای بهبودی ما می باشد.

اما فراموش کردن خدا و تفکر اینکه دکتر و داروها موجب بهبودی ما می شود اشتباه است. وظیفه ما مریض نشدن نبوده بلکه مراجعه به پزشک برای حفظ در

پیامبر عزیزمان می فرماید:

صحابه ای از پیامبر عزیزمان چنین سوال کرده بود:

– ای رسول خدا! ما در مقابل بیماریها خودمان را حفظ می کنیم. دعا کرده و مداوا می شویم. اینها قدر و سرنوشت ما را تغییر می دهند؟

پاسخ پیامبرمان هم بسیار پر معنی بود:

– حفاظت در مقابل بیماری ها، دعا کردن و معالجه شدن نیز یک قدر و سرنوشت است.

(ترمذی، طب، ۲۱)

مقابل بیماری است. به هنگام بیماری نیز در جستجوی علاج و معالجه هستیم. سپس دعا کردن و به خدا توکل کردن می باشد.

موضوع دیگری که به اندازه مداوا شدن اهمیت دارد، سرکشی نکردن به خداوند به خاطر بیماریهایی که



به آنها گرفتار شده ایم می باشد. باور به سرنوشت، از عصیانی این چنینی جلوگیری کرده و یاور قدرتمند ما می باشد. به هنگام بیماری علم بر اینکه هر چیزی از جانب خدا می آید و انتظار شفای او را کشیدن موجب تقویت روحیه ما شده امید و قدرت تحمل ما را افزایش خواهد داد. همزمان با آن در لحظات بیماری و سختی، صبری را که نشان می دهیم موجب کسب محبت و پاداش خداوند به ما می شود.

خداوند متعال می فرماید:

"آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می رسد ، می گویند: «ما از آنِ خدائیم و به سوی او بازمی گردیم!»"

(سوره بقره، آیه ۱۵۶)

یکی از قوانینی که خداوند بلند مرتبه در موجودات زنده قرار داده است نیز رخت بربستن هر موجود زنده در زمان مشخصی از دنیاست. آیه "هر نفسی طعم مرگ را خواهد چشید (سوره آل عمران، آیه ۱۸۵)" نیز از میزان الهی ما را آگاه می سازد.

برای هر انسانی اجل مشخصی وجود دارد. به هنگام رسیدن موعد مقرر هر کسی خواهد مرد. زندگی و مرگ هم در دست خداوند است. بخشاینده زندگی و دهنده مرگ هم اوست. در آن صورت رفتاری که به هنگام مرگ نزدیکانمان به دلیل بیماری، تصادف و موارد مشابه از خود بروز می دهیم منعکس کننده ایمان قلبی ماست. صبور بودن و خودداری از سرکشی در چنین شرایطی از رفتارهایی است که خداوند را خشنود می کند.





اشعار حق مسبب خیر می شود

اشعار خیر مسبب خیر می شود
فکر نکن که موجب امر دیگری شود
عارف به نظاره آن می پردازد
ببینیم مولا چه کند
هر چه کند نیک کند
مگو چرا این چنین است
بجاست و آنگونه باید باشد
سرانجام آن را بنگر و صبور باش
ببینیم مولا چه کند
هر چه کند نیک کند

کسی را خوار مبین
نیازار و قلبش را رنجیده مکن
طرفدار نفست مباش
ببینیم مولا چه کند
هر چه کند نیک کند
والله نیک کرده
بالله نیک کرده
تالله نیک کرده
ببینیم خدا چه کرده
هر چه کرده نیک کرده

ابراهیم حقی ارضرومی

مزایایی که ایمان به قدر نصیب ما می کند

- موجب می شود تا متوجه شویم که پشت هر حاثه ای یک حکمت بزرگ قرار دارد.
- سبب می شود تا حقیقت وقوع هر چیزی در کائنات با علم، اراده و قدرت خدا برایمان خاطر نشان شود.
- موجب می شود تا به هر چیزی که از جانب پروردگار می آید راضی شویم و خشنودی او را کسب کنیم.
- ما را از دست خیالات و نگرانی ها مربوط به آینده خلاص می کند

ایمان به قدر

خداوند متعال می فرماید:

”بر شما کارزار (با کفار) نوشته و مقرر شد و حال آنکه برای شما ناخوشایند است ، و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما بهتر است ، و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بدتر است ، و خدا می داند و شما نمی دانید.“

(سوره بقره، آیه ۲۱۶)

ما حوادثی را که در دنیا سر ما می آید در چهارچوب علم و قدرت محدود خود ارزیابی می کنیم. در صورتی که حوادثی را که تجربه می کنیم، تنها شامل چیزهایی که ما می بینیم نمی باشد. حوادث دارای ابعاد غیرقابل دیدن، غیرقابل فهم و غیرقابل ادراک برای ما می باشند. از ماهیت آنها فقط خداوند باخبر است. وقتی که به سرنوشت اعتقاد داشته باشیم به این باور می رسیم که تمامی اتفاقات موجود در کائنات توسط خداوند بلند مرتبه که علم و قدرت بر همه چیز دارد بوجود آمده است. چنین ایمانی موجب می شود تا وجود حکمت بزرگی در پشت پرده هر واقعه بوجود آمده را متوجه شویم. در چنین شرایطی نگاه ما به زندگی کاملا تغییر پیدا می کند. شروع می کنیم به ارزیابی متفاوت از حوادث. مقام و یا شهرتی که آن را دوست داریم می تواند فرصتی برای کسب ثواب برای ما باشد. ولی می تواند موجبات غرور ما را هم فراهم آورد. از این رو از خدا فقط چیزی را می خواهیم که به خیر ما باشد. یک سر درد و یا تبی که به ظاهر بد است شاید از مبتلا شدن به یک بیماری بزرگتر جلوگیری کرده باشد. تصادفی را که از سر گذارانده ایم می تواند از یک سانحه ناگوارتر جلوگیری کرده باشد. در صورت رفتار با این شعور در هر صورت حمد و ستایش خدا را بجای خواهیم آورد. از او می خواهیم که ما را از بلایا و حوادث بزرگتر حفظ کند.

خداوند بلند مرتبه با علم بی نهایت و قدرت نامحدود خود اندازه و میزانی برای کائنات مقرر فرموده است. هر عملی که در کائنات بوجود می آید در محدوده علم خداوند می باشد. هر چیزی با خواست، قدرت و آفرینش او محقق می شود. از زمانی که دنیا آفریده شده خورشید از مشرق طلوع کرده و در مغرب غروب می کند. جاذبه زمین و نیروی شناوری آب ادامه دارد. جانداران با آب زنده اند و با آن به زندگی خود ادامه می دهند. این قوانین لایتغیری که خداوند در کائنات قرار داده است نعمتی بزرگ برای ماست. در سایر این قوانین فیزیکی، زیستی و اجتماعی ای که خداوند متعال قرار داده زمین به شکل سیاره ای در آمده است که بشر در آن زندگی نماید. علم بر این و صاحب شدن به چنین اعتقادی موجب می شود تا نظم بی عیب و نقص موجود در کائنات را درک کنیم. حقیقیت وقوع هر چیز با علم، اراده و قدرت خداوند را برای ما خاطرنشان می کند.

خداوند متعال می فرماید:

” بگو: «به من خبر دهيد اگر خداوند شب را تا قيامت بر شما جاودان سازد، آيا معبودي جز خدا مي تواند روشنائي براي شما بياورد؟! آيا نمي شنويد»؟! بگو: «به من خبر دهيد اگر خداوند روز را تا قيامت بر شما جاودان كند، كدام معبود غير از خداست كه شبي براي شما بياورد تا در آن آرامش يابيد؟ آيا نمي بينيد»؟! و از رحمت اوست كه براي شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشيد و هم براي بهره گيري از فضل خدا تلاش كنيد، و شايد شكر نعمت او را به جا آوريد!“

(سوره قصص، آیه ۷۱-۷۳)



با رسیدن به عزیزی خوشحال می شویم. با از دست دادن عزیزانمان ناراحت می شویم. خداوند در این دنیا بعضی وقتها ما را با خوشحالی و گاهی با ناراحتی مورد امتحان قرار می دهد. زیرا این دنیا محل امتحان است. وقتی که با فراموش نکردن این واقعیت حرکت کنیم خوشحالی و ناراحتی ما تبدیل به فرصتی برای کسب خشنودی خدا می شود. به نعمتهایی که خداوند ارزانی فرموده شکر کرده در مقابل بلایا و سختی هایی که بر سر ما آمده صبر پیشه می کنیم. به تقدیر او راضی می شویم. راضی شدن به چیزهایی که خداوند متعال داده، ما را صاحب قناعت می کند. ما را از بددلی، جاه طلبی افراطی و حسادت می رهاند. بنابراین ایمان به سرنوشت با راضی بودن به هر چیزی که از جانب خدا می آید موجب کسب خشنودی او می شود.

خداوند متعال می فرماید:

”هيچ مصيبتي نه در زمين و نه در نفسهاي شما [= به شما] نرسد مگر آنكه پيش از آنكه آن را پديد آوريم در كتابي است اين [كار] بر خدا آسان است. تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگين نشويد و به [سبب] آنچه به شما داده است‌شادماني نكنيد و خدا هيچ خودپسند فخرفروشي را دوست ندارد“

(سوره حدید، آیات ۲۲-۲۳)

فردی که به خدایش اطمینان نکند، نگرانی از آینده خواهد داشت. از این رو ترس از دست دادن دارایی هایش دارد. نعمتهایی که در دستش دارد را فراموش کرده، همیشه ترس از فقر دارد. سلامتی خود را از یاد برده، ترس از بیماری دارد. فکر رسیدن به آرزو و آمال ذهن او را به خود مشغول می کند. بعضا از نگرانی از آینده خوابش برهم خورده و سلامتی خود را از دست می دهد.

توکل به خدا و اعتقاد به سرنوشت، ما را از خیالات و نگرانی های واهی نجات می دهد. زیرا هنگامی که ایمان به سرنوشت داشته باشیم به غیر از چیزی که خدا مقدر فرموده اتفاق نخواهد افتاد. بدون اجازه خدا هیچ حادثه ای بر ما اتفاق نمی افتد. چیزی را که قرار است بر سر ما بیاید هم کسی جز خدا نمی تواند آن را برگرداند. موانع پیش رو را با کمک او رد کرده و بر سختی ها با مدد او فائق می شویم. بعنوان بنده چیزی که باید انجام دهیم فعالیت و توکل به خداست. توکل به او، طلب یاری از اوست.

خداوند متعال می فرماید:

”بگو: هرگز جز آنچه خداوند برای ما مقرّر کرده است، به ما نخواهد رسید. او مولای ماست و مؤمنان باید تنها بر خداوند توکّل کنند.

(سوره توبه، آیه ۵۱)

پیامبر اکرم هر چیزی را که از جانب خدا می آمد نیک تلقی می کرد



پیامبر عزیز ما انسانی بود که به زندگی دیدی مثبت و خوب داشت و توانایی دیدن خوبی ها را داشت. دارای شخصیتی خوش بین بود. در تمامی حوادث زندگی خود جنبه ای مثبت پیدا کرده و حمد خداوند را بجای می آورد. معتقد بود که هر چیزی که اتفاق می افتد با اذن و خواست خداوند محقق می گردد. ایمان را بصورت "ایمان داشتن به خدا، ملائک، کتابها، پیامبران، روز معاد، سرنوشت، خیر و شر (مسلم، ایمان ۱)" تعریف می نمود.

پیامبر اکرم می دانست که خداوند هر لحظه در نار اوست و به او توکل می کرد. بهترین نمونه این، در حین هجرت از مکه به مدینه بوقوع پیوسته بود. پیامبر اکرم و حضرت ابوبکر، در غار ثور پنهان شده بودند. مشرکان جلوی غار آمده بودند. اگر خم می شدند هر دوی آنها را می دیدند. حضرت ابوبکر از بدرفتاری مشرکان با حضرت محمد خیلی ترسیده بودند. حتی در چنین شرایط مرگ و زندگی هم پیامبر ما با اطمینانی بی پایان به خداوند به حضرت ابوبکر چنین فرمودند: "نترس! خداوند همراه ماست."

پیامبر عزیزمان می دانست که تمامی موجودات و وقایع در محدوده علم و نظارت خداوند قرار دارند. در هز عملی که انجام می داد به دنبال خشنودی خداوند بود. معتقد بود که تا خدا نخواهد هیچ موجودی نه توانایی فایده رسانی و نه توانایی ضرر دهی دارد. به اصحاب و امت خویش نیز توصیه می نمود که این چنین رفتار کنند. یکبار با گفتن "فرزندم، به تو برخی از اصول را تعلیم دهم..." به عبدالله بن عباس که هنوز سن کمی داشت، اصولی که مورد آموزش قرار داد دارای ماهیت خلاصه ایمان پیامبرمان به خدا و سرنوشت بود. او چنین فرموده بود:

"مراقب دستورات خدا باش که خداوند نیز تو را محافظت نماید.

رضای خدا را در هر کاری سرلوحه خود قرار بده که خدا را پیش خودت داشته باشی.

اگر چیزی خواستی از خدا بخواه، اگر کمك خواهی خواست از خدا طلب کن.

بدان که اگر تمام انسانها جمع شوند و تلاش کنند نمی توانند فایده ای به غیر از آنچه خداوند مقدر فرموده به تو برسانند.

باز هم اگر تمام انسانها جمع شوند تا به تو ضرر برسانند تنها می توانند ضرری که خداوند تقدیر فرموده را بر تو وارد نمایند (ترمذی، قیامت، ۵۹)"

اطمینانی که پیامبر عزیز ما به خداوند داشت، او را به فعالیت و عبادت بیشتر رهنمون می گردید. این باور، به هیچ وجه او را به تنبلی و رفتار غیرمسئولانه ترغیب نکرد. با گفتن "خداوندا! از عجز، تنبلی و ترس به تو پناه می برم." بسیار دعا می کرد. چون به نظر او تنبلی و غفلت، رفتار و تفکری شایسته مسلمان نمی باشد.

پیامبر عزیز ما کارهای خود را فقط با علم بر محقق شدن آنها با قدرت خداوند انجام می داد. وقتی که می خواست کاری انجام دهد اول کاری را که بر عهده خودش بود انجام می داد سپس از خدا طلب کمك می کرد. مشخص می کرد که مربوط کردن سهل انگاری ها و تنبلی انسانها به سرنوشت خداوندی اشتباه است. از پاسخ صحابه ای که او را به نماز شب توصیه کرده بود "ای رسول خدا! زندگی ما دست خداوند است، اگر بخواهد می دهد، اگر بخواهد تحویل می گیرد، اگر خدا بخواهد تا ما را بیدار کند بیدار می نماید. (بخاری، تهجد، ۵)" استقبال کرده بود. چون به نظر پیامبر ما در چنین شرایطی، اگر بیدار کردن در دست خدا هم باشد اتخاذ تمهیداتی برای بیدار شدن در حوزه مسئولیت بنده می باشد.

پیامبر عزیز ما قبل از وقوع واقعه ای هر چه را که می توانست انجام می داد. پس از وقوع واقعه نیز به تقدیر خداوند رضایت داده هر چیزی را که از جانب او می آمد از صمیم قلب قبول می کرد. به هر ترتیب اطمینان خود به خداوند و رضا به تقدیر او را بیان می نمود. جمله حسبنا الله و نعم الوکیل (خداوند برای ما کافیست، او چه وکیل خوبیست) ورد زبانش بود. در مقابل خدا سرکشی نکرده و در مواجه با سختی های زندگی نا امید نمی شد. همیشه تاکید می کردند که هر چیزی را که خداوند بلند مرتبه مان برای ما مقدر فرموده اند در آن خیر و فایده ای وجود دارد، وظیفه ما در قبال نعمتهای داده شده شکر و در مقابل مصبیتهای وارده صبر کردن می باشد. هر نوع وضعیت خوب و بد را بعنوان فرصتی برای خشنود ردن خداوند دانسته و چنین می فرمودند:

"وضعیت مومن ارزش غبطه و حیرت را دارد. چون هر حالت او برایش مسبب خیر است. چنین ویژگی ای فقط در مونان وجود دارد: در شرایط خوشحال کننده شکرگزاری نموده و این برای او مسبب خیر می شود. به هنگام وارد شدن مصیبتی برای آن هم صبر پیشه می کند که این هم مسبب خیر برای او می شود. (مسلم، زهد ۶۴)"

رسول خدا از سخنان و افکار بی فایده و بدبینانه بر حذر بود. از سخنان و رفتار منفی که نتیجه واقعه را تغییر نمی داد اجتناب می کرد. به اصحاب خودش نیز چنین توصیه می فرمود:

"مومن قوی، (در نزد خدا) سودمندتر و دوست داشتنی تر از مومن ضعیف است. (با این وجود) در هر دو خیر وجود دارد. تو جهد کن تا چیزی را که برایت مفید است بدست آوری. از خدا یاری طلب و به هیچ وجه

عجز نشان نده. اگر اتفاقی برایت بیافتد، مدام حسرت کشیده و نگو که "اگر چنین می کردم اینطوری می شد"

"این تقدیر خداوند است! بگو: او به هر چه اراده کند انجام می دهد. گفتن جمله 'اگر چنین می کردم...' دروازه اعمال خشنود کننده شیطان را باز می کند (مسلم، قدر ۳۴)"

پیامبر عزیز ما مرگ، درد، سختی و غم عارض شده را به عنوان کفاره گناهان و آن را مبرا کننده از گناهان قلمداد می کردند. و مژده می دادند که شکیبایی در بلایا سبب کسب پاداش بزرگ و ارتقا رتبه در نزد خداوند می گردد. خبر می دادند که در صورت شکیبایی نتیجه بهتری منتظر آنها خواهد بود:

"هر چیزی که برای مسلمان اتفاق می افتد از خستگی، بیماری مستمر، درد، غصه، سختی و غم گرفته تا تیغی که به پا فرو می رود وسیله ای است که برای آمرزش گناهان او قرار داده شده (بخاری، مردا ۱، ۳)"

نگرش پیامبر عزیزمان از سرنوشت، توکل و صبر، یک تسلیم و پذیرش خشک و خالی و صرف نبود. او با سختی ها مبارزه می کرد. تدابیر لازم را اتخاذ نموده نتیجه را به خدا حواله می کرد. پس از اینکه تمامی مسئولیتهایی که به عهده او بود را بجای می آورد تسلیم تقدیر خداوند می شد.

یکی از بهترین مثالهایی که فلسفه سرنوشت و توکل او را مشخص می کند رفتار او در جنگ خندق بود:

پیامبر اکرم پس از گرفتن خبر قصد حمله مشرکان به مدینه، فورا با اصحابش به مشاوره پرداخت. در مورد روش مقابله و تمهیداتی که اتخاذ خواهد گردید با اصحابش به مشاوره پرداخت و نظرات آنان را جویا شد. بنا بر پیشنهاد سلمان فارسی تصمیم گرفت تا اطراف مدینه خندق بکنند. در آن زمان، مدافعه از شهر با خندقهای حفر شده در اطراف آن میان عربها روشی نامعلوم بود. همزمان با آن، این یک روش پر زحمت بود. پیامبرمان خودش شخصا در کندن خندقها کمک کردند. روزها در هوای سرد کار کردند. از گرسنگی به شکمشان سنگ بستند. در حالی که می دانست مدینه با لشکری قدرتمند محاصره خواهد شد امید خود را از خدا قطع نکرد. بعنوان یک بنده تمامی تدابیر را اندیشید. سپس با انجام دعا از خدایش طلب کمک و پیروزی نمود. مشرکان با سپاه بزرگی به مدینه آمدند؛ ولی نتوانستند از خندق عبور کرده و به شهر برسند. پس از محاصره ای که روزها طول کشید امداد خداوندی رسید. با تاثیر طوفان وحشتناکی که واقع گردید چادرهای مشرکان با خاک یکسان شد.



خداوند بلند مرتبه، تلاش و اطمینان پیامبر و مسلمانان را هیچ موقعی به سراب تبدیل نکرد. رفتار پیامبر ما در جنگ خندق و حوادث مشابه، برای تمامی مسلمانانی که تا قیامت خواهند آمد مثالی زیبا در رابطه با موضوع ایمان، صبر، کار، مجادله و توکل به خدا خواهد بود.

یکی از صحابه های جوان بنام براء بن عازب پیامبر عزیز ما را بسیار دوست داشت. قلب پاک او با حس محبت و احترامی عمیق نسبت به پیامبرمان پر بود. پیامبر عزیزمان برای وی دعای ذیل را که در مضمون توکل همیشه به خدا می باشد را آموخت و توصیه نمود که هر شب قبل از خواب آن را بخواند:

"خداوندا! خود را به تو تسلیم می کنم. چهره ام را به سوی تو گردانیدم. کارم را به تو سپردم، در کارم به تو توکل کردم. ضمن طلب (رضای تو) و با ترس از (عذاب تو) پشتم را به تو تکیه دادم و به تو پناه گرفتم. در مقابل تو باز هم غیر از تو پناهی نیست. به کتابی که نازل کردی و پیامبری که فرستادی باور کردم. (بخاری، دعوت، ۶)"



سوالات

حل جدول

۱. تمامی چیزهایی که انسانها در دنیا از آنها استفاده می کنند. «...................»

۲. زمان مرگ. «...................»

۳. قدرت تحمل در مقابل درد، سختی، بی عدالتی و اتفاقات ناگوار. «...................»

۴. آزادی انتخاب در انسانها. «...................»

۵. تحقق چیزهایی که توسط خداوند متعال از قبل مشخص شده در موعد مقرر. «...................»

۶. طرح، برنامه اندازه و میزانی که خداوند برای موجودات در نظر گرفته است. «...................»

۷. محول کردن نتیجه عمل به خداوند پس از انجام کامل تمامی وظایفی که بر عهده ما می باشد. «...................»

۸. ارائه خواسته های شخص به خدا. «...................»

۹. صفت علم خدا به حوادثی که در گذشته و آینده انجام می گیرد. «...................»

۱۰. علمی که غیر خدا هیچ موجودی آن را نمی داند. «...................»

جملات ذیل را به هم وصل کنیم

۱	ایمان به سرنوشت ما را در مورد آینده		برای تمامی اعمالمان مسئول هستیم
۲	خداوند در این دنیا ما را بعضا با شادی و بعضا با ناراحتی امتحان می کند.		متناسب با برنامه ای که برای آنها در نظر گرفته شده است حرکت می کنند
۳	مسلمان هر چیزی را که در کائنات بوجود می آید را فقط		از خیالات و نگرانی های واهی نجات می دهد
٤	هیچ کسی از دسترنج خود		موجب می شود که به وجود یک حکمت بزرگ پی ببریم
٥	برای انسان فقط		معتقد است که با اذن و خواست خداوند انجام می شود.
٦	ایمان به سرنوشت در پشت پرده هر واقعه ای		زیرا این دنیا محل امتحان است
۷	داشتن آزادی در انتخابمان		رزقی سودمندتر نخورده است
۸	تمامی جانداران روی زمین		در ازای فعالیتش پاداش است.

خود آزمایی

.۱

۱. "ما هر چیزی را نسبت به اندازه و میزانی خلق کرده ایم." (سوره قمر، آیه ۴۹)

۲. "حرکت خورشید و ماه طبق یک اندازه و میزانی می باشد" (سوره رحمان، آیه ۵)

با توجه با آیات فوق کدام مورد زیر را نمی توان نتیجه گرفت؟

الف) آفرینش تمام چیزها توسط خداوند

ب) حرکت خورشید و ماه در یک نظام

ج) وجود یک نظم در آفرینش همه چیز

د) تصادفی بودن خلق کائنات

.۲

۱. تا آنجایی که از دستش برمی آید تلاش کرده و به چیزی که خدا داده راضی می شود.

۲. بر این باور است که همه چیز تقدیر خداوندی است و خودش کاری نمی تواند انجام دهد.

۳. در مقابل سختی های زندگی نلغزیده، تلاش بیشتری کرده و مبارزه می کند.

کسی که معتقد به سرنوشت است کدام یک از رفتارهای بالا را انجام می دهد؟

الف) ۲ و ۱

ب) ۳ و ۱

ج) ۳ و ۲

د) ۳ و ۲ و ۱

۳. **کدامیک از موارد ذیل را می توانیم با خواست خود انتخاب کنیم؟**

الف) تاریخ تولد

ب) پدر و مادرمان

ج) دوستانمان

د) زمان مرگمان

۴. **کدامیک از موارد پایین از احادیثی است که بر ضرورت فعالیت برای کسب روزی تاکید می کند؟**

الف) نماز ستون دین است.

ب) پاکیزگی نصف ایمان است.

ج) کسی که سیر بخوابد در حالی که همسایه اش گرسنه است از ما نیست.

د) کسی نمی تواند لقمه ای سودمندتر از آنی که نتیجه دسترنجش است بخورد.

۵. **بخاطر کدامیک از رفتارهای زیر شخص مسئول نمی باشد؟**

الف) افترا زدن

ب) دروغ گفتن

ج) کینه ورزی

د) بیهوش شدن

٦. طارق در کارها آن گونه که ایجاب می کند رفتار نمی کند و هر چیز را به امان خود رها می کند. به کسانی که می پرسند چرا این گونه عمل می کنی پاسخ می دهد که "سرنوشتم هر چه هست آن خواهد شد".

این نگرش طارق از عدم فهم صحیح کدام پایه ایمانی ناشی می شود؟

الف) ایمان به پیامبران

ب) ایمان به ملائکه

ج) ایمان به قضا و قدر

د) ایمان به کتب

جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

(مسئولیت، مسلمان، میزان، برخواهیم گشت، بلا، بهتر، بد، قدرت، بخشش، آفریدیم)

۱. "ما همه چیز را برای یک .... (سوره قمر، آیه ۴۹)"

۲. "خدا به هیچ کسی بیش از........... کفایتش .... تحمیل نمی کند (سوره بقره، آیه ۲۸۶)"

۳. "آن کسانی که صبر می کنند زمانی که برای آنها یک .... می آید: می گویند که ما بندگان خداوندیم و به او .... (سوره بقره، آیه ۱۵۶)"

۴. "چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید' حال آنکه برای شما .... باشد و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید' حال آنکه آن برای شما .... باشد. خدا می داند و شما نمی دانید. (سوره بقره، آیه ۲۱۶)"

۵. "هر چیزی که برای .... اتفاق می افتد از خستگی، بیماری مستمر، درد، غصه، سختی و از غم گرفته تا تیغی که به پا فرو می رود وسیله ای است برای .... گناهان او(بخاری، مردا ۱، ۳)"

پاسخ ها

حل جدول

۱. رزق
۸. دعا
۵. قضا
۶. قدر
۹. علیم
۱۰. غیب
۲. اجل
۴. اراده
۳. صبر
۷. توکل

جملات ذیل را به هم وصل کنیم

۱	ایمان به سرنوشت ما را در مورد آینده	۷	برای تمامی اعمالمان مسئول هستیم
۲	خداوند در این دنیا ما را بعضا با شادی و بعضا با ناراحتی امتحان می کند.	۸	متناسب با برنامه ای که برای آنها در نظر گرفته شده است حرکت می کنند
۳	مسلمان هر چیزی را که در کائنات بوجود می آید را فقط	۱	از خیالات و نگرانی های واهی نجات می دهد
٤	هیچ کسی از دسترنج خود	٦	موجب می شود که به وجود یک حکمت بزرگ پی ببریم
٥	برای انسان فقط	۳	معتقد است که با اذن و خواست خداوند انجام می شود.
٦	ایمان به سرنوشت در پشت پرده هر واقعه ای	۲	زیرا این دنیا محل امتحان است
۷	داشتن آزادی درانتخابمان	٤	رزقی سودمندتر نخورده است
۸	تمامی جانداران روی زمین	٥	در ازای فعالیتش پاداش است.

جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

۱. میزان – آفریدیم
۲. قدرت – مسئولیت
۳. بلا – برخواهیم گشت
۴. بهتر – بد
۵. مسلمان – بخشش

خود آزمایی

۱. د
۲. ب
۳. ج
۴. د
۵. د
۶. ج